مرحوم علامه مجلسی


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

مشكات الانوار

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی محمدباقربن محمدتقی ق۱۱۱۱ - ۱۰۳۷
عنوان و نام پدیدآور : مشکات الانوار در فضائل و آداب قرائت قرآن محمدباقر مجلسی تحقیق و ویرایش واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر : قم مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران ، ۱۳۷۹.
مشخصات ظاهری : ص ۲۴۰
شابک : 964-6705-48-۵۸۰۰۰ریال ؛ 964-6705-48-۵۸۰۰۰ریال
وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس موضوع : قرآن -- سوره‌ها و آیه‌ها، خواص موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۲
شناسه افزوده : مسجد جمکران شناسه افزوده : مسجد جمکران واحد تحقیقات رده بندی کنگره : BP۷۱ /۹/م۳م۵ ۱۳۷۹
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۷
شماره کتابشناسی ملی : م۷۹-۷۲۱۶

به عنوان پیشگفتار

«یا صاحب الزمان ادرکنا»

آیا هنگام آن نرسیده است که انسان‌ها در هر جای زمین قرآن را بشناسند(1)، مفاهیم والای آن را دریابند، و دستورات سعادت آفرین آن را برنامه زندگی خویش قرار دهند؟

آیا هنگام آن نرسیده است که بشریت به نور قرآن از ظلمات جهل و ضلالت بگریزد(2)، و سرگشتگی های خویش را با ره جویی به طریقت نورانی قرآن پایان بخشد؟

آیا هنگام آن نرسیده است که دردمندان جامعه بشری به دوای الهی قرآن دست یابند، و ناتوانی های فکری، افسردگی های روحی، نابسامانی‌های رفتاری و از هم پاشیدگی روابط اخلاقی و اجتماعی خود را با داروی معجزه‌گر قرآن شفا دهند؟(3)

آیا هنگام آن نرسیده است که به جای همه مسالک دنیا گرایانه و مکاتب انسان مدارانه، شریعت خدا محورانه قرآن، در جوامع بشری حاکمیت یابد؟(4)

آیا هنگام آن نرسیده است که حداقلّ ما مسلمانان به خود آییم، این گنجینه بی‌نظیر علوم و معارف را قدر بشناسیم، چراغ روشن آیاتش را روشنگر راه زندگی قرار دهیم، و مضامین زندگی سازش را به عنوان آیین نامه سعادت فرد و جامعه خویش بپذیریم؟(5)

آیا هنگام آن نرسیده است که به جای رفع عطش از مرداب‌های عفونت گرفته اندیشه غربیان و غرب پرستان، به چشمه زلال و همیشه جوشان معارف قرآن روی آوریم(6) و در دریای پر فیض آیاتش اندیشه و جان خویش را از همه زنگار های جهالت و غفلت و رذیلت شستشو دهیم؟

چرا در قرآن نمی‌اندیشیم؟(7)

چرا در قرآن تدبّر نمی‌کنیم؟(8)

چرا قرآن را از محجوریّت نجات نمی‌دهیم؟(9)

چرا قرآن نمی‌خوانیم؟(10)

خدا ما را به خواندن(11) و اندیشیدن(12) و عمل به قرآن(13) فرمان داده است.

پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم ما را از دوری قرآن برحذر داشته(14) و به گرفتن و تمسک جستن به آن(15)، و همواره همراه آن بودن(16)، توصیه فرموده است.

امیرالمؤمنین‌علیه السلام ما را به فهم قرآن(17) و اندرز خواهی(18) و طلب شفا از آن نصیحت فرموده(19)، و از این‌که مبادا دیگران در عمل به

دستورات آن از ما پیشی گیرند، هشدار مان داده است(20).
امام صادق‌علیه السلام آن را عهد الهی شمرده، و ما را به رعایت این عهدنامه، و قرائت پنجاه آیه از آن در هر روز، فرا خوانده است(21).
هر کدام از ائمه بزرگوار اسلام علیهم السلام و هر یک از عالمان وارسته و عالی مقام، ما را به اهتمام همیشگی نسبت به قرآن تذکر داده‌اند.
علاّمه مجلسی‌رحمه الله یکی از سرشناس ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که در کتاب شریف «مشکات الانوار» با بهره‌گیری از فیض کلام معصومین‌علیهم السلام، به گونه‌های مختلف کوشیده است تا با طرح ابواب مختلف پیرامون فضیلت قرآن، فضایل حاملان قرآن - قرآن‌های حقیقی که اهل‌بیت پیامبرند -، اصناف و صفات قاریان، آداب و صفات قرائت، کیفیت ختم، ارزش تعلیم و فواید برخی آیات و سور کریمه قرآنی، زمینه‌ای قوی برای رویکرد مسلمانان به این امانت عظیم الهی فراهم آورَد.
او خود در مقدّمه کتاب می‌فرماید:
«به دلالت آیات بیّنات و هدایت روایات واضحة الدلالات، چنین معلوم گردیده که «نماز» و «تلاوت قرآن» و «دعا» از اعظم عبادات بدنیّه‌اند و چون شرایط و آداب و اسرار نماز در رساله «ترجمة الصلوة» بیان شده، چنین به خاطر فاتر رسید که رساله ای در بیان فضیلت قرآن مجید و فضایل سوَر کریمه آن - که از طریق اهل‌بیت علیهم السلام منقول گردیده باشد - و شرایط و آدابِ تلاوت و فضیلت دعا و شرایط و آداب و وظایف قلبیّه و بعضی از اسرار آن، و ذکر فضیلت بعضی از اذکار ضروریّه و ادعیه و تعقیبات مختصره - که به اسانید معتبره منقول گردیده - نوشته شود».
چنانکه از همین بخشِ مقدمه مؤلف پیدا است، این کتاب سه قسمت دارد که با عنوان تنویر اول تا سوم به ترتیب درباره قرآن، دعا و برخی اذکار و تعقیبات است.
«تنویر» در لغت به معنای نورانی ساختن، نور بخشیدن، روشن کردن و آشکار گردانیدن است.
در تنویر اول، نُه مبحث متفاوت قرآنی با تمثیلی زیبا و متناسب، تحت عنوان کوکب اول تا نهم، آسمان اندیشه قرآنیان را روشن ساخته‌اند.
در تنویر دوم، سه مقاله پیرامون دعا، با عنوان نجم اول تا سوم، ستارگان فروزانِ شب‌های عارفان گشته‌اند.
در تنویر سوم، باب اول با شش فصل و باب دوم با هفت فصل، درهایی از معرفت به روی حق جویان گشوده، دل و جان خدا شناسان را به تفرّج باغ همیشه بهار مناجات و یادِ یار حقیقی رهنمون شده‌اند.
به راستی اگر نورانیّت «نماز»، «قرآن»، و «دعا» را دریابیم و در روشنای ذکر و یاد خدا، که روح نماز و قرآن و دعا است، تنفّس کنیم زندگانی جاودانه خویش و حرکت و پویایی و کمال جامعه خود را تضمین کرده‌ایم.

بدون نماز، معراج انسان میسّر نیست.
بدون قرآن، نجات از ضلالت مقدور نیست.
بدون دعا، گشوده شدن درهای رحمت پروردگار ممکن نیست.
«مشکات الانوار» چراغ دان نور الهی است. چراغ دانی که با بهره‌گیری از نور آیات قرآن و کلام اهل‌بیت علیهم السلام به دست حکیم فرزانه و محقّق عارف، مولی محمد باقر مجلسی فراهم آمده است.
بی‌مناسبت نیست که طیّ سطوری چند درباره شخص گرامی و شخصیت والای آن بزرگ مرد، نکاتی مختصر را یادآور شویم:
1 - ولادت او در اصفهان و به تاریخ 1037 هجری قمری صورت گرفت. - یک سال قبل از مرگ شاه عباس کبیر -.
2 - تاریخ ولادت او با عدد ابجدیِ عبارت «جامع کتاب بحارالانوار» مطابقت دارد، که خود علامه آن را از غرایب روزگار می‌داند.
3 - پدر بزرگوار او «محمد تقی مجلسی» فرزند «مقصود علی» از بزرگ‌ترین علمای شیعه و از پرهیزگار ترین شخصیت‌های تاریخ تشیّع است که ظاهراً در جبل عامل لبنان متولّد گشت و از شاگردان «شیخ بهایی» و محقّق ثانی - شیخ علی کَرَکی - بود. تألیفات متعدّدی در فقه و رجال و حدیث داشت و اولین کسی بود که احادیث شیعه را بعد از ظهور دولت صفوی در همه جا گسترش داد - متوفّی به سال 1070 ه ق -.
4 - مادر گرامی او زنی دانش اندوخته و حدیث شناس، از نزدیکان عالم بزرگوار شیخ عبداللّٰه بن جابر جبل عاملی بود.
5 - در اولین سال ولادت او پدر بزرگوارش به عتبات عالیات مشرّف شد و با شروع زمستان قصد اقامه ای طولانی در نجف اشرف داشت که شبی مولا امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دید که از مردن شاه عبّاس و جانشینی شاه صفی صفوی به او خبر دادند و فرمودند:
«در سرزمین شما فتنه‌هایی شدید رخ می‌دهد و خدا می‌خواهد که تو در اصفهان باشی و در راه هدایت مردم مجاهدت نمایی. پس به اصفهان برگرد!».
6 - در یکی از شب‌ها که پدر بزرگوار علاّمه در دل شب به تهجّد و نماز شب مشغول بود، حالتی معنوی و جذبه ای عرفانی در خود یافت که یقین به استجابت دعایش پیدا کرد. در همین حال صدای گریه «محمد باقر» را از درون گهواره شنید و از خدا خواست که او را خادم شریعت و احیاگر ولایت قرار دهد. خدا دعایش را مستجاب فرمود!
7 - علامه محمّد باقر مجلسی از همان آغاز جوانی با کسب فیض از پدر بزرگوار و علمای ارزشمندی همچون: مولا محمّد صالح مازندرانی، امیر محمد مؤمن استرآبادی، ملا محسن فیض کاشانی، سید میرزا جزائری و شیخ عبداللّٰه بن جابر عاملی به درجه عالی اجتهاد دست یافت. و کرسی

درس و بحث او در همه جا مشهور گشت.
8 - او سیزده عنوان کتاب و رساله به زبان عربی نوشت که تنها کتاب «مرآة العقول» - که شرح بر کتاب کافی است -، دوازده مجلّد را تشکیل می‌دهد و «بحارالانوار» که مجموعه‌ای بی‌نظیر از احادیث شیعه است، بیست و شش مجلد چاپ سنگی است که در دهه‌های اخیر به تعداد یکصد و ده جلد به قطع وزیری چاپ شده است.
9 - او علاوه بر کتب عربی، حدود شصت کتاب و رساله به زبان فارسی نگاشته است که مشهورترین آن‌ها «عین الحیاة»، «حلیة المتقین»، «حیاة القلوب»، و «مشکات الانوار» است. و «حقّ الیقین» آخرین کتاب او است.
10 - او با استفاده از نفوذ خویش در دربار صفویان در ترویج فرهنگ تشیّع، اداره امور شیعیان و راهبری های سیاسی آنان نیز موفقیت‌های بی‌نظیری یافت.
11 - او در یک برخورد سیاسی حساب شده، طرفداران «صوفیّه» را در اصفهان محصور و تحرّکات انحراف آمیز آنان را تحت مراقبت قرار داد.
12 - او صدها شاگرد نخبه و ممتاز پرورش داد و ده‌ها تن از علمای برجسته و مؤلّفین صاحب نام را اجازه روایت عنایت کرد.
13 - عاقبت در 27 رمضان سال (1111 ه ق) به سن 73 سالگی دیده از جهان فرو بست و پس از عمری سراسر تلاش و مجاهدت، به دیدار حق شتافت. در کتاب «روضات» سال وفات او را 1110 نوشته‌اند. در تاریخ وفاتش به حساب ابجدی سروده‌اند: «مقتدای جهان ز پا افتاد».
14 - آرامگاه او در اصفهان، کنار مدفن پدر بزرگوارش، در مدخل جامع عتیق زیارتگاه عاشقان ولایت و شیفتگان علم و حکمت است.
«مشکات الانوار» که برخی آن را خلاصه کتاب دیگر علامه مجلسی به نام «عین الحیاة» می‌دانند، اگرچه تا کنون چاپ های متعدّدی داشته است، لکن چاپ کنونی امتیازاتی ویژه دارد که از آن جمله است:
1 - برای آن که عبارت های کتاب روان گردد، سعی شده است تا آنجا که به مطلب و نثر کتاب خللی وارد نشود، ویرایش و علامت گذاری گردد.
2 - در مواردی که کلمه‌ای اضافه شده: با علامت] [مشخّص گردیده است.
3 - مصادر آیات و روایات تحقیق، در پاورقی ذکر شده است.
با امید به ظهور حجت حق، «حضرت ولیّ عصر - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف -» که «شریک القرآن» و «روح دعا» است، حاصل این تلاش ناچیز را به همه علاقه‌مندان و منتظران حضرتش تقدیم می‌داریم.
واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران
تابستان 1379

[مقدمه مؤلف]

«مشکات الانوار»
حمدی به سانِ نعمتهای بخشنده وجود، و تحیّات بی انتها، و سپاسی چون رحمت های مفیضِ جمیع خیرات و کمالاتِ بیرون از حدِّ احصا، سزاوار معبود بی‌نیاز، و خالق بنده نوازی است که به لطف کامل و احسان شامل خویش، این تهیدستان خاکی نژاد و فرومایگان نیستی بنیاد را، از خاک مذلّت برگرفته، به سجده آستان عبودیّتش، تارُک مطیعان را به عرش رفعت رسانید، و به غبار درگاه مفیض الانوارش، جبین مخلصان را مطلع شوارق انوار «سیماهم فی وجوههم» گردانید، و دریوزه گران سرای امکان را راه عرض نیاز و حاجت داده، بر بساط قرب نشانید و خوان الوان نعمتهای روحانی برای عارفان اسرار ربّانی در کتاب مستطاب خود، گسترانید.
و صلوات نامیات و تحیّات زاکیات، بر مرقد مطهر و ضریح منوّر رفیع القدری باد که هیچ مرغ روحی از بیابان عدم به سوی آشیان بدن، بدون شفاعت او پرواز نداشته و هیچ مخلوقی از دروازه نیستی، بی پروانه رخصت او، پا به معموره هستی نگذاشته [است]. فرش خاک و سقف افلاک، خانه پستی است که برای منزلگاه ملازمانش ساخته‌اند، و از سطح زمین تا عرش برین، میدان تنگی است که برای جولانگاه بیکرانش پرداخته‌اند؛ اَعنی سَید المُرسلین و فخر العالمین و شفیع المذنبین و رحمة اللّٰه علی الأوّلین والآخرین محمّد بن عبداللّٰه خاتم النّبیّین.
و درود متواتر الورود بر آل اطهار و اهل‌بیت اخیار او، که به نور تولاّی شان قنادیل(22) دل‌های محبّان روشنی بخش زمین و آسمان گردیده و از شعشعه خورشید محبّت شان، صُبح صادق یقین و ایمان از جبین شیعیان دمیده، خصوصاً سید اوصیا، و امام اتقیا، و فریاد رس روز جزا، و محرم سرادق لو کشف الغطا، باب مدینه علم، و لنگر سفینه حلم، اعنی ولّی‌اللّٰه المرتضی و سیف الله المنتضی، امیرالمؤمنین، و یعسوب المسلمین، اسداللّٰه الغالب، و شهاب اللّٰه الثّاقب، سیّد الوصیّین علی بن ابی‌طالب، صلوات اللّٰه علیهم اجمعین و لعنة اللّٰه علی اعدائهم ابد الابِدین.
امّا بعد چنین گوید فقیر خاکسار و ذرّه بی‌مقدار، محمد باقر بن محمد تقی - حشرهما اللّٰه مع الائمّة الابرار - که چون به دلالت آیات بیّنات و هدایت روایات واضحة الدّلالات، چنین معلوم گردیده که نماز و تلاوت قرآن و دعا از اعظم عبادات بدنیّه‌اند و چون شرایط و آداب و اسرار نماز در رساله «ترجمة الصلوة» بیان شده، چنین به خاطر فاتر رسید که رساله‌ای در بیان فضیلت قرآن مجید و فضایل سور کریمه آن - که از طریق اهل بیت‌علیهم

السلام منقول گرديده باشد - و شرايط و آداب تلاوت و فضيلت دعا و شرايط و آداب و وظايف قلبيّه و بعضى از اسرار آن و ذكر فضيلت بعضى از اذكار ضروريّه و ادعيّه و تعقيبات مختصره - كه به اسانيد معتبره منقول گرديده - نوشته شود.
و بحمدالله به مساعدت تأييدات ربّانى و تقويت توفيقات سبحانى به اتمام رسيد، مأمول از الطاف فيّاض بى‌منّت و وهّاب بى‌ضنّت(23) آن كه كافّه مؤمنان را از اين رساله فرومايه منتفع گرداند و بهره‌اى از ثواب ايشان به اين مجرم تبهكار برساند.
و چون بعد از غروب خورشيد رسالت در افق عالم بقاء، و اختفاء اقمار امامت در سحائب ظلم اهل جفا، تا هنگام ظهور تباشير صبح سعادت نشان دولت سلاطين صفويّه، انار الله برهانهم، به سبب استيلاء ائمه ضلال و سلاطين خسران مآل، اهل حق كه فرقه ناجيه اثنا عشريّه اند، از اظهار مراسم دين و اعلاى معالم شريعت سيّد المرسلين، و ائمه طاهرين صلوات اللّه عليهم اجمعين عاجز بودند و پيوسته در پرده خفا لباس تقيّه، مذهب حق را اظهار مى‌نمودند و اكنون از بركات اين دولت ابد قرين، بحمد اللّه سالهاست كه كافه شيعيان در مهد امن و امانند و علماى ملّت بيضاء، در نشر علوم اهل بيت رسالت و قلع مبانى بدعت و ضلالت مساعى جميله به تقديم ميرسانند.
پس دعاى خلود دولت اين دودمان ابد توامان بر كافه شيعيان متحتم و شكر نعمت ايشان بر ذمّه عامه مؤمنان واجب و لازم است. على الخصوص پادشاه آگاه، والا جاه، دين پناه، ملايک سپاه، گردون بارگاه، مهبط تجليّات ربّانى و مورد فيوض سبحانى، محيى مراسم ملّت و رونق افزاى شرع مبين، دلنواز درويشان مسكنت قرين، خجسته اخلاقى كه پيوسته خلوت زاويه نشينان به مصباح دعايش روشن است و مجالس دانشوران از رياحين ثنايش گلشن است. حديقه دل گشايش دل اصحاب فضل و عرفان، و مسكن و مأوايش سينه حقّ شناسان و خدا پرستان، به يمن تربيتش بساتين شريعت غرّا خرّم و سير آب، و به رشحات سحاب مكرمتش حدائق ملّت بيضاء سرسبز و شاداب.
فرع شجره و غصن دوحه كريمه امامت و خلافت اعنى السلطان الاعظم الخاقان الافخم الاكرم، مروّج مذهب آبائه الطاهرين حامى حوزة الاسلام والمسلمين، محرز ممالک الدنيا، مظهر كلمات العليه سلطان السلاطين فى الافاق، ملاذ الخواقين بالاستحقاق السلطان بن السلطان بن السلطان، و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، السلطان، سليمان خان الموسوى الصفوى بهادر خان مدّ اللّه ضلال جلاله وافضاله و رأفته ومعدلته على مفارق أهل الايمان.
كه به پادشاهيِ صِورت و معنى از سلاطين جهان ممتاز است و به اطاعت

فرمان: انّ اللّه یأمرُ بالعدل والاحسان سرافراز است و پیوسته عنان عزم همایونش به جانب احیای مراسم دین و ملّت و پیروی دقایق احکام شریعت مصروف و معطوف است، لهذا این تحفه محقر را هدیه مجلس سامی آن اعلی حضرت گردانید، و این رساله فرومایه را به عزّ عرض رسانید، اگر مرضی طبع منیر و مقبول ضمیر کیمیا تأثیر گردد از مراحم شاهانه و عواطف خسروانه خواهد بود، امید که از برکات توجّهات ظلّ اللهی مشهور اصقاع، و مقبول اطباع گردیده، ثوابش به روزگار فرخنده آثار عاید گردد. انّه علی کل شیء قدیر.

و این رساله مشتمل است بر سه «تنویر» و لهذا مسمّی گردید به «مشکات الانوار».

تنویر اول: در بیان فضیلت قرآن و حامل آن

از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هرگاه ملتبس و مشتبه شود بر شما فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تار، پس بر شما باد به قرآن؛ به درستی که قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش را قبول می‌کنند، و با هر که مجادله نماید و حجت بر او تمام کند تصدیقش می‌نمایند، و هر که آن را پیشوای خود گرداند او را به بهشت می‌رساند، و هر که آن را به پشت سر اندازد و به آن عمل ننماید، او را به سوی جهنم می‌راند. و راهنمایی است که به بهترین راهها دلالت می‌کند، و کتابی است که در آن تفصیل و تبیان جمیع احکام است، آن را ظاهری است و باطنی، ظاهرش احکام الهی است و باطنش علوم نامتناهی است، ظاهرش خوشایند ه است و باطنش عمیق است.
آن را نجوم و کواکبی هست که برای احکام الهی دلیلند و بر آن نجوم، نجوم دیگر هستند که مردم را به آن احکام می‌رسانند - یعنی ائمّه معصومین‌علیهم السلام که علم قرآن نزد ایشان است -.
عجایب قرآن را احصا نمی‌توان نمود و غرایب آن هرگز کهنه نمی‌شود و در آن چراغهای هدایت افروخته است و انوار حکمت از آن ظاهر است.
راهنما است به سوی آمرزش گناهان، کسی را که از آن بیابد اوصاف آمرزش را، پس باید که هر کس دیده خود را در قرآن به جولان درآورد و دیده دل خود را برای مطالعه انوار آن بگشاید تا از هلاکت نجات یابد و از ورطه های ضلالت خلاص شود، به درستی که تفکر نمودن موجب زندگانی دلهای بینا است و در تاریکی‌های جهالت، نور تفکّر راهنما است، پس نیکو خود را خلاص کنید و در فتنه‌ها خود را مگذارید».(24)
در حدیث دیگر فرمود که: «قرآن هادی است در ضلالت، بیان کننده است در کوری جهالت، و دست گیرنده است در لغزش ها، و نور است در ظلمتها، و ظاهر کننده بدعتها است، و نگاه دارنده از مهالک است، و در گمراهی ها راهنما است، و بیان کننده فتنه‌ها است و رساننده است از دنیا به آخرت و کمال دین شما در قرآن است و هیچ کس از آن عدول ننمود مگر به سوی آتش».(25)
و حضرت صادق‌علیه السلام فرمود که: «خداوند عزیز جبّار، کتاب خود را به سوی شما فرستاده است؛ راستگویی است که به وعده‌های خود وفا می‌نماید و مشتمل است بر احوال و اخبار شما و اخبار گذشته‌ها و اخبار آینده ها و اخبار آسمان و زمین. اگر آن کسی که علمش را می‌داند شما را خبر دهد به آنچه در قرآن است از اخبار غیب و علوم بی انتها، تعجب خواهید کرد».(26)

و به اسانید متواتره از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که فرمود: «از میان شما می‌روم و دو چیز عظیم در میان شما می‌گذارم؛ یکی کتاب خدا که ریسمانی است آویخته از آسمان به زمین، و دیگری عترت و اهل بیت من، پس ببینید که با ایشان چگونه سلوک خواهید کرد و حرمت ایشان را چون خواهید داشت».(27)

کوکب دوم: «در بیان فضیلت حامل قرآن است»

به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «دیوان ها که در قیامت حساب می‌کنند سه دیوان است؛ دیوان نعمتها و دیوان حسنات و دیوان گناهان.

پس چون دیوان نعمت‌ها و دیوان حسَنات را برابر کنند، نعمتها تمام حسنات را فراگیرد و دیوان گناهان باقی ماند، پس فرزند آدم را طلبند که گناهانش را حساب کنند و در این حال، قرآن به بهترین صورتها بیاید و در پیش آن مرد روان شود و گوید:

خداوندا! منم قرآن و این بنده مؤمن تو است که خود را به تعب می‌انداخت به تلاوت من و در درازای شب، مرا به ترتیل می‌خواند و چون مرا در تهجّد می‌خواند آب از دیده‌اش جاری می‌شد، خداوندا! او را راضی کن چنانکه مرا راضی کرده، پس خداوند عزیز جبّار فرماید: ای بنده من! دست راستت را بگشا، پس پر کند حق تعالی آن را از رضا و خشنودی خود و دست چپش را پر کند از رحمت خود، پس به او گوید که: اینک بهشت از برای تو مباح است؛ قرآن بخوان و بالا برو، پس هر یک آیه که بخواند یک درجه بالا رود».(28)

و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی به قرآن خطاب فرماید که: به عزّت و جلال خودم سوگند که امروز گرامی دارم هر که تو را گرامی داشته و خوار کنم هر که تو را خوار کرده».(29)

و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که فرمود: «قرآن را یاد گیرید، به درستی که قرآن در قیامت می‌آید به نزد حامل خود به صورت جوان خوشرو و می‌گوید: منم آن قرآن که به سبب من شبها بیدار می‌بودی و در روزها به سبب روزه، خود را تشنه می‌داشتی و به سبب کثرت تلاوت من دهانت خشک می‌شد و آب دیده‌ات جاری می‌شد، امروز با توام هرجا که می‌روی؛ و هر که تجارتی کرده، امروز از پی تجارت خود می‌رود و من به عوض تجارت جمیع تاجرانم برای تو، بشارت باد تو را که به زودی کرامت الهی به تو می‌رسد. پس تاجی می‌آورند و بر سرش می‌گذارند و نامه امان از عذاب را به دست راستش می‌دهند و نامه مخلّد بودن در بهشت را به دست چپش می‌دهند و دو حلّه بر او می‌پوشانند و به او می‌گویند: قرآن بخوان و بالا رو و به عدد هر آیه به درجه‌ای بالا می‌رود و پدر و مادرش را دو حلّه می‌پوشانند اگر مؤمن باشند و می‌گویند به ایشان: این برای آن است که به فرزند خود تعلیم قرآن کردید».(30)

و حضرت علی بن الحسین‌علیه السلام فرمود: «بر شما باد به قرآن، به

درستی که حق تعالی بهشت را یک خشت از طلا و یک خشت از نقره خلق فرموده و به جای گِل، مشک خوشبو و به عوض خاک، زعفران و به جای سنگریزه، مروارید در آن مقرّر گردانید و درجاتش را به عدد آیات قرآن گردانید؛ پس کسی که قرآن خوانده باشد به او می‌گویند: بخوان و بالا رو، و هیچ کس در بهشت درجه‌اش از او بالاتر نیست مگر پیغمبران و صدّیقان».(31)

و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «اشراف و بزرگان امّت من حاملان قرآنند و جمعی که در شب عبادت می‌کنند».(32)

و در حدیث دیگر فرمود که: «حاملان قرآن، بزرگان اهل بهشتند».(33)

و فرمود که: «خدا عذاب نمی‌فرماید دلی را که قرآن را حفظ نماید».(34)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «اهل قرآن در اعلای درجات بهشتند بعد از پیغمبران، پس ضعیف و حقیر مشمارید اهل قرآن را و حق ایشان را سهل مدانید که ایشان را نزد حق تعالی منزلت رفیع است».(35)

کوکب سوم: «در بیان صفات قُرّاء قرآن و اصناف ایشان است»

بدان که حامل قرآن را بر چند معنی اطلاق می‌کنند و چند قسم می‌باشند.
اول:
آن است که لفظ قرآن را درست یاد گیرد و این اول مراتب حاملان قرآن است و در این مرتبه، تفاضل به زیادتی علم قرآنی است و دانستن آداب و محسّنات قرائت می‌باشد و زیادتی حفظ کردن و در خاطر داشتن سور و آیات قرآنی.
دوم:
دانستن معانی قرآن است، و در زمان سابق چنین مقرّر بوده است که قاریان قرآن، تعلیم معانی آن نیز می‌نموده‌اند، و این مرتبه، از دانستن لفظ بالاتر است و تفاضل در این مرتبه، بر زیادتی و نقصان فهم معانی قرآن از ظهور و بطون می‌باشد.
سوم:
عمل نمودن به احکام قرآن و متخلّق شدن به اخلاقی است که قرآن بر مدح آنها دلالت دارد و خالی شدن از صفاتی است که بر مذمّت آنها دلالت دارد.
پس حامل حقیقی قرآن کسی است که حامل الفاظ و معانی قرآن گردیده باشد و به صفات حسنه آن، خود را آراسته باشد.
و بدان که قرآن، خوان احسان معنوی خداوندِ رحمن است - چنانچه از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «اَلْقُرْآنُ مأدبة اللّٰه» (36) یعنی قرآن، خوان نعمت خدا است - و خوان کریمان، جامع می‌باشد و در خور هر کس، نعمت در آن می‌باشد. سبزی و تره می‌دارد، و الوان حلوا و نفایس می‌دارد، لهذا هیچ کس نیست که از قرآن بهره نداشته باشد. جمعی کثیر از راه کتابت لفظش بهره‌های دنیوی و اخروی می‌برند، حتی آن کسی که مُرکّبش را به عمل می‌آورد و آن کسی که کاغذش را می‌سازد و آن کاتبی که می‌نویسد و کار فرمایی که مزد می‌دهد و غیر ایشان از جماعتی که در کتابت قرآن دخیل می‌باشند، اگر از برای خدا کنند، بهره دنیا و آخرت می‌برند و اگر از برای دنیا کنند بهره دنیوی می‌برند، و جمعی از تعلیم و تعلّم لفظش، بهره‌های دنیوی و اخروی می‌برند.
و صاحبان هر علم از علوم نامتناهی را بهره از قرآن هست چنانچه صرفی، از وجوه تصاریف و اشتقاقاتش استنباط می‌نماید و نحوی، از انحاء تراکیبش استشهاد می‌نماید و معانی بیانی(37)، از نکات غریبه اش فایده‌مند می‌شود و اصحاب بلاها، از برکات آیات کریمه‌اش به تلاوت کردن و نوشتن نفع می‌یابند و ارباب مطالب دنیوی و اخروی به آیات و سورش

پناه می‌برند و مطالب خود را می‌یابند.
و یک راه اعجاز قرآن، تأثیرات غریبه آیات و سور آن است و ارباب تکسیر(38) و اصحاب عدد(39) و غیر ایشان، همه به قرآن پناه می‌برند و از معانی غریبه اش، جمیع صاحبان علوم مختلفه منتفع می‌شوند از متکلم و حکیم و فقیه و اصحاب ریاضی و صاحبان علوم اخلاق و طبیبان و اصحاب اکسیر و منشیان و شعرا و ادبا و غیر ایشان از جماعتی که از ظاهر قرآن بهره دارند.
و از هر بطنی از بطون قرآن، جمعی که قابل آن هستند از اصحاب عرفان و ارباب ایقان، فواید و حِکَم و معارف نامتناهی می‌یابند. پس حامل کامل قرآن مجید، جمعی اند که جمیع بهره‌های قرآن را بر وجه کمال داشته باشند و ایشان، حضرت رسول و اهل بیت کرام او - صلوات اللّٰه علیهم اجمعین - اند، زیرا که معلوم است به احادیث متواتره که، لفظ قرآن مخصوص ایشان است و قرآن تمام کامل، نزد ایشان است و علوم قرآنی که در میان است، همه به اتفاق به حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منسوب است.
و ایضاً احادیث متواتره(40) وارد است که معانی قرآن را کسی بغیر ایشان نمی‌داند، و علمِ ماکان و مایکون تا روز قیامت و جمیع شرایع و احکام در قرآن هست و علمش نزد ایشان مخزون است و قرآن را هفت بطن تا هفتاد بطن است و علم جمیع آن بطون نزد ایشان است و همچنین عمل نمودن به جمیع احکام و شرایع قرآن مخصوص ایشان است، چون از جمیع خطاها معصومند و به جمیع کمالات بشری متّصف اند.
و ایضاً اکثر قرآن در مدح ایشان و مذمّت مخالفان ایشان است، چنانچه وارد شده است که: «ثلث قرآن در شأن ما است و ثلث آن در مذمّت دشمنان ما و ثلث دیگر فرایض و احکام است(41)». و این معنی نیز ظاهر است که مدح هر صفت کمالی که در قرآن واقع است به مدح صاحب آن صفت برمی‌گردد و صاحب آن صفت بروجه کمال ایشانند و مذمّت هر صفت نقصی که وارد شده است به مذمّت صاحبان آن صفت بر می‌گردد که دشمنان ایشانند.
و چون قرآن شخصی نیست قائم به ذات، بلکه عرضی است که در محالّ مختلفه، ظهورات مختلفه می‌دارد، چنانچه پیوسته در علمِ واجب الوجود بوده و از آنجا در لوح ظاهر گردیده و از آنجا به روح حضرت جبرئیل منتقل گردید[ه و از جانب خدا بلاواسطه و به واسطه جبرئیل در نفس مقدس نبوی‌صلی الله علیه وآله وسلم ظاهر گردیده و از آنجا به قلوب اوصیا و مؤمنان درآمده و در صورت کتابتی ظهور نموده [است].
پس اصل قرآن را حرمتی است، و به سبب آن، در هر جا که ظهور کرده آن محل را حرمتی بخشیده و در هر جا که ظهورش زیاده است موجب

حرمت آن چیز بیشتر گردیده؛ پس هرگاه آن نقشهای مرکّب و لوح و کاغذی که بر آن نقش بسته و جلدی که مجاور آنها گردیده - با این که پست‌ترین ظهورات است - آن قدر حرمت به آنها بخشیده باشد که اگر کسی خلاف آدابی نسبت به آنها به عمل آورد، کافر می‌شود، پس قلب مؤمنی که حامل قرآن گردیده، حرمتش زیاده از نقش و کاغذ قرآن خواهد بود، چنانچه وارد شده است که: «مؤمن حرمتش از قرآن بیشتر است».
و از مضامین و اخلاق حسنه قرآن، هر چه در مؤمن بیشتر ظهور کرده موجب احترام او زیاده گردیده و هر چه خلاف آن اوصاف از نقایص و معاصی و اخلاق ذمیمه ظهور کرده، موجب نقصان ظهور قرآن و نقص حرمت گردیده، پس این مراتب ظهورات قرآن و اوصاف آن زیاده می‌گردد تا چون به مرتبه جناب با رفعت نبوی‌صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت کرام اوعلیهم السلام می‌رسد مرتبه ظهورش به نهایت می‌رسد. چنانچه در وصف حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم وارد شده است که «کانَ خُلْقُهُ الْقُرآن» (42) یعنی خُلق آن حضرت قرآن بود، بلکه اگر به حقیقت نظر کنی قرآن حقیقی، ایشانند که محلّ لفظ قرآن و معنی قرآن و اخلاق قرآنند. چنانچه دانستی که قرآن، چیزی را می‌گویند که نقش قرآن در آن باشد و نقش کامل قرآن - به حسب معنی و لفظ - در قلوب مطهّر ایشان حاصل است.
چنانچه حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام بسیار می‌فرمودند که «منم کلام الله ناطق» (43) و این است معنی آن حدیث که حضرت باقرعلیه السلام فرمود در حدیث طولانی که: «قرآن به صورت نیکویی به صحرای محشر خواهد آمد و شفاعت حاملان خود خواهد کرد. راوی پرسید که آیا قرآن سخن می‌تواند گفت؟ حضرت تبسّم نمود و فرمود: خدا رحم کند ضعیفان شیعیان ما را، که آنچه از ما می‌شنوند تسلیم می‌کنند و اذعان می‌نمایند. بعد از آن فرمود که نماز، شخص است و صورتی دارد و خلقی دارد و امر و نهی می‌کند. راوی گوید که صورت من متغیّر شد و گفتم این سخن را در میان مردم نقل نمی‌توانم کرد.
حضرت فرمود: «هر که ما را به نماز نشناسد حقّ ما را نشناخته و انکار حق ما کرده، بعد از آن فرمود: می‌خواهی سخن قرآن را به تو بگویم. گفتم: بلی، فرمود: در قرآن است که نماز نهی می‌کند از فحشا و منکر، و ذکر خدا بزرگتر است. حضرت فرمود: چون نماز نهی می‌کند پس سخن می‌گوید و فحشا و منکر، مردی چندند و ماییم ذکر خدا و ما بزرگتریم». (44) چون این مطلب در حلّ اخبار اهل بیت‌علیهم السلام بسیار دخیل است زیاده از این توضیح نماییم اَصْوَب است.
بدان که هر چیزی را صورتی و معنی و جسدی و روحی هست خواه اخلاق و خواه عبادات و خواه غیر اینها، و جمعی که حشویّه‌اند به ظاهرها دست

زده‌اند و پا از آن به در نمی‌گذارند و خود را از بسیاری از حقایق محروم گردانیده اند، و جمعی به بواطن و معانی چسبیده‌اند و از ظواهر دست برداشته‌اند و به سبب این، ملحد شده‌اند، و صاحب دین آن است که هردو را به سمع یقین بشنود و هر دو را اذعان نماید. مثل آن که بهشت را صورتی است که عبارت از در و دیوار و درخت و اَنهار و حور و قصور است، و معنی بهشت، کمالات و معارف و قرب و لذّات معنوی است که در بهشت صوری می‌باشد.
حشوی می‌گوید: در بهشت به غیر لذّت خوردن و آشامیدن و جماع کردن معنی ندارد. ملحد می‌گوید: بهشت در و دیوار و درختی ندارد، همان لذّتهای معنوی را به این عبارات تعبیر کرده‌اند و به این سبب، منکر ضروری دین گردیده و کافر شده است.
امّا صاحب یقین می‌داند که هر دو حق است و در ضمن لذتهای صوری، لذتهای معنوی حاصل می‌شود، چنانچه در اول کتاب، اشاره به این معنی کردیم.
و همچنین در باب صراط واقع شده است که «صراط، دین حق است» و واقع شده است که «اهل بیت، صراط مستقیم اند» و وارد شده است که «صراط، محبّت علی بن ابی‌طالب‌علیه السلام است».(45) و واقع شده است که «صراط، جسری است(46) بر روی جهنم».(47) همه حق است، زیرا صراط آخرت، نمونه صراط دنیا است و در دنیا فرموده‌اند که: «بر صراط دین حق و ولایت اهل بیت مستقیم می‌باید بود و از چپ و راست شعبه های بسیار از مذاهب مختلفه و گناهان کبیره هست که هر که متوجه آنها می‌شود از این صراط بدر می‌رود و این صراط، راهی است در نهایتِ باریکی و دقّت و نازکی، و کمینگاه ها دارد که شیاطین بر آن رخنه‌ها در کمین نشسته‌اند، و عقبه ها از عبادات شاقه و ترک معاصی دارد که بسیار کسان از آن عقبه ها راه را گم کرده‌اند و نمونه این صراط، بعینه صراط آخرت است که در نهایتِ باریکی و دقت و دشواری است و بر روی جهنم می‌گذارند».
پس کسی که پیوسته در این صراط مستقیم بوده، در آن صراط، راست به بهشت می‌رود و هر که به سبب اعتقاد فاسدی یا کبیره هلاک کننده‌ای از این صراط به در رفته، به همان عقبه و کمینگاه که می‌رسد پایش از آن صراط می‌لغزد و به جهنّم می‌افتد.
و همچنین مارها و عقرب های دوزخ، صورت اخلاق ذمیمه است و درختها و حور و قصور، صورت و ثمره افعال حسنه است و همچنین نماز را در دنیا، روحی و بدنی هست؛ بدن نماز آن افعال مخصوصه است و روح نماز، ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و اولاد اوست و کار روح، آن است که جسد را باقی می‌دارد و منشأ حرکات و آثار بدن می‌گردد.

پس نماز بی ولایت، چون موجب کمالی نمی‌گردد و باعث قرب نمی‌شود و از عذاب نجات نمی‌بخشد، مانند بدن مرده است. پس ولایت، روح آن است، و چون نماز کامل از ایشان [اهل بیت‌علیهم السلام] صادر می‌شود و اگر از دیگری صادر شود به برکت ایشان می‌شود، پس بقای نماز به ایشان است. به این سبب، خود روح نمازند و چون وصف نماز در ایشان کامل گردیده و خُلق ایشان شده، گویا با نماز متحدند. پس همچنان که لفظ انسان را بر بدن آدمی و بر روح و بر روح با بدن، هر سه اطلاق می‌نمایند همچنین نماز را بر آن افعال و بر این ذوات مقدّسه و برآن ذوات با اتّصاف به این صفت، اطلاق می‌نمایند.
پس نماز[ی که در قرآن واقع می‌شود ظاهرش که این افعال است مراد است و باطنش که ولایت است مراد است و منافات با یکدیگر ندارد و جمعی از مَلاحِده اسماعیلیه به سبب این که این احادیث را نفهمیده‌اند، انکار عبادات کرده و کافر شده‌اند و می‌گویند: نماز، کنایه از شخصی است و روزه، کنایه از شخصی است و این اعمال در کار نیست. و جمعی از حشویه به جانب تفریط افتاده، انکار این احادیث کرده و رد کرده‌اند.
و همچنین ایمان، چون به حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام کامل گردیده و آن حضرت بر وجه کمال به آن متّصف است و بقای ایمان به برکت آن حضرت است و ولایتش رکن اعظم ایمان است و ایمان در جمیع اعضا و جوارحش سرایت کرده و پیوسته از آثار و افعالش انوار ایمان مشاهده می‌شود، اگر ایمان بر آن حضرت اطلاق کنند در بطن قرآن بعید نیست، و همچنین مخالفان اینان در باب کفر و معاصی چنینند. پس روح و معنی و محل حقیقی صلات و ایمان و زکات و غیر اینها از عبادات علی بن ابیطالب‌علیه السلام و فرزندان اویند، و روح و معنی و محلّ حقیقی فحشا و منکر و فسوق و عصیان ابوبکر و عمر و عثمان و سایر دشمنان ایشانند که به سبب ایشان کفر و معاصی باقیمانده و در ایشان کامل بوده. و همچنین کعبه را حرمت داده‌اند برای این که محلّ فیوض الهی و معبد دوستان خداست.
و دلهای ائمّه معصومین‌علیهم السلام و دوستان ایشان که محل معرفت و محبّت یاد خداست، از کعبه اشرف است، و کعبه حقیقی، ایشانند، اما نباید کسی انکار حرمت آن کعبه ظاهر کند، یا انکار حج کند تا کافر شود بلکه می‌باید اّول به کعبه ظاهر رود و بعد از آن به کعبه باطن رود و از انوار هردو بهره‌مند شود.
چنانچه به اسناد معتبر از حضرت امام جعفر صادق و امام محمد باقر صلوات الله علیهما منقول است که فرمودند: «این سنگها را برای این بنا کرده‌اند که مردم بیایند به طواف، و به وسیله این طواف، به خدمت ما برسند و معالم دین خود را از ما یاد گیرند، و ولایت خود را بر ما عرض

نمایند».(48)
و زیاده از این معنی را در این مقام نمی‌توان بسط داد. اما اگر ادراک این معنی درست نمودی بسیاری از مشکلات اخبار بر تو ظاهر می‌گردد و معنی نهی کردن نماز را می‌فهمی که هم نماز، خودش در کسی که کامل شد موجب قرب می‌شود و از معاصی و متابعت ارباب معاصی نهی می‌فرماید و منع می‌کند، و هم ائمه معصومین‌علیهم السلام که روح نمازند نهی می‌کنند بلکه همان معنی نمازی که در ایشان کامل گردیده و موجب اعلای مراتب قرب ایشان گردیده، به زبان ایشان متکلم است و تو را منع می‌نماید.
زیاده از این سخن در این مقامات نازک گفتن، مُوهِم معانی کفر آمیز می‌شود. رجوع می‌کنیم به نقل اخباری که در وصف حاملان قرآن وارد شده است.
به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «قاریان قرآن بر سه قسم اند:
یکی شخصی است که قرآن خوانده و آن را سرمایه دنیای خود و وسیله جلب فواید و اموال از پادشاهان گردانیده است، و به قرآن بر مردم استطاله و زیادتی و فخر می‌کند.
و شخصی دیگر آن است که قرآن را خوانده است، و حروف آنرا حفظ و ضبط نموده، و حدود و احکامش را ضایع ساخته است، و همین در راست کردن لفظش سعی می‌نماید، خدا این جماعت را در میان حاملان قرآن بسیار نکند.
و شخص دیگر آن است که قرآن خوانده، و دوای قرآن را بر دردهای دل خود گذاشته، و شب هایش را به قرآن بیدار داشته، و به سبب قرآن روزها تشنه مانده به روزه داشتن، و به قرآن بر پا ایستاده است در مساجد و جاهای نماز، و در شبها پهلوی از رختخواب تهی کرده است به سبب قرآن. پس به برکت این جماعت خداوند عزیز جبار رفع می‌نماید بلاها را، و به این جماعت غلبه می‌دهد مسلمانان را بر دشمنان، و به این جماعت حق تعالی باران از آسمان می‌فرستد؛ و الله! که این جماعت در میان قاریان کمترند از گوگرد احمر».(49)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «سزاوارترین مردم به تَخَشُّع و تَضَرُّع در آشکار و نهان، حامل قرآن است، و سزاوارترین مردم در پنهان و آشکار به نماز و روزه حامل قرآن است. بعد از آن به آواز بلند ندا فرمودند: ای حامل قرآن به سبب قرآن تواضع و فروتنی کن تا خدا تو را بلند مرتبه گرداند، و به قرآن طلب عزت از مردم مکن که خدا تو را ذلیل می‌گرداند، و مُتَزَّیِن شو به قرآن از برای خدا، تا خدا تو را زینت بخشد، و آن را برای مردم زینت مکن که خدا تو را

معیوب و بد نما گرداند.
به درستی که هر که قرآن را ختم نماید چنان است که گویا پیغمبری را در میان دو پهلوی او جا داده‌اند، بدون آن که وحی به او بیاید؛ و کسی که تمام قرآن را خوانده باشد از برای او سزاوار آن است که با جاهلان جهالت نکند، و در میان جمعی که به غضب می‌آیند به غضب نیاید، و زود از جا به در نرود. بلکه باید عفو کند، و بپوشاند، و در گذرد، و حلم کند، از برای تعظیم قرآن. و کسی را [که] به او قرآن عطا کرده باشند، گمان کند که خدا به کسی از خلق چیزی بهتر از آنچه به او کرامت فرموده داده است از اموال و اسباب دنیا، پس به تحقیق که عظیم شمرده است چیزهایی را که خدا حقیر شمرده و حقیر دانسته چیزی را که خدا عظیم گردانیده است». (50)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که قرآن را بخواند و با خواندن قرآن حرامی بیاشامد یا محبّت دنیا و زینت های آن را بر قرآن اختیار کند مستوجب غضب الهی گردد، مگر آن که توبه کند و اگر بی توبه بمیرد، در قیامت قرآن بر او حجت خود را تمام کند که او را عذری نماند».(51)

و آن مشتمل است بر شرایط بسیار
اوّل
ترتیل در قرآن است
چنانچه حق تعالی می‌فرماید: «وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتیلاً» (52) ترتیل کن در قرائت قرآن، ترتیل کردنی. و ترتیل، قدری ازآن واجب است و قدری مستحب، ترتیل واجب به حسب مشهور آن است که حروف را از مخارج ادا نماید، وحفظ احکام وقف و وصل بکند که اگر دو کلمه را متّصل به یکدیگر خواند و فاصله در میان به قطع نفس یا سکت طویل نکند، کلمه اول را ساکن نخواند، بلکه آخرش را به اول کلمه لا حق وصل کند؛ و اگر وقف کند بر کلمه، وقف به حرکت نکند.
چنانچه منقول است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال نمودند از معنی ترتیل؟ فرمود: «ترتیل حفظ وقف ها و ادا نمودن حرفها است از مخارج».(53)
و ترتیل مستحب، شمرده خواندن و به تأنّی خواندن قرآن است به حیثیّتی که حروف در یکدیگر داخل نشوند که خوب ممتاز نشود و بسیار هم پاشان نخواند، که حروف از هم بپاشد، و اتّصال کلام از هم برطرف شود با رعایت صفات حروف و مدّ ها و اقسام وقف ها که از کتب قرائت، تفاصیل آنها معلوم می‌شود، و این معانی را نیز داخل در آنچه حضرت فرموده‌اند می‌توان کرد.
و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که از تفسیر ترتیل پرسیدند؟ فرمود: «حروف را خوب ظاهر گردان و تند مخوان به نحوی که عربان شعر را می‌خوانند، و از هم مپاش حرفها را مانند ریگی که بپاشند، ولیکن به فزع و خوف آورید یا بکوبید به خواندن قرآن دلهای سخت را، و چنان نباشد که همت بر آخر سوره گمارید و تند بخوانید که زود تمام شود».(54)
دوم
به تدبّر و تفکّر خواندن و متوجه معانی آن گردیدن
و به رقّت و خشوع خواندن است
و باید که از مواعظ قرآن متذّکر شود و از احوال گذشتگان عبرت گیرد. چون به آیه رحمتی رسد از خدا بطلبد، و چون به آیه عذابی رسد استعاذ ه نماید.
چنانچه به اسناد بسیار از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام و سایر ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین منقول است که: «خیری نباشد در قرائتی که در آن تدبّر نباشد».(55)

و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که «قرآن به حزن نازل شده است، آن را به حزن بخوانید».(56)
و از حفص منقول است که «حضرت امام موسی‌علیه السلام از شخصی پرسیدند: بقای دو دنیا را می‌خواهی؟ گفت: بلی. فرمود: چرا؟ گفت: از برای خواندن قل هو اللَّه احد. حضرت بعد از زمانی فرمودند: «ای حفص! هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن نداند، حق تعالی او را در قبر تعلیم قرآن می‌فرماید، تا درجات او را بلند گرداند. زیرا درجات بهشت به قدر آیات قرآن است. به قاری می‌گویند: بخوان و بالا رو. پس هر آیه که بخواند، یک درجه بالا رود. حفص گفت: کسی را ندیدم که خوفش یا امیدش زیاده از آن حضرت باشد؛ و چون قرآن می‌خواند به حزن و اندوه می‌خواند، و به نحوی می‌خواند که گویا به مشافهه با کسی خطاب می‌کند».(57)
و از رجاء بن ضحاک منقول است که، «حضرت امام رضاعلیه السلام در راه خراسان چون به میان رختخواب می‌رفتند تلاوت بسیار می‌فرمودند، و چون به آیه‌ای می‌رسیدند که در آن ذکر بهشت یا دوزخ بود، می‌گریستند و از خدا سؤال بهشت و استعاذ ه از جهنم می‌نمودند؛ و چون در نماز سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد می‌خواندند بعد از احد آهسته می‌گفتند: «اَللَّهُ اَحَدٌ». و چون سوره را تمام می‌کردند سه مرتبه می‌گفتند: «کَذلِکَ اللَّهُ رَبُّنا».
و چون سوره «قُلْ یا اَیُّهَا ٱلکافِرُوُن» می‌خواندند بعد از لفظ کافرون آهسته می‌گفتند «یا ایّها الکافرون»، و چون از سوره فارغ می‌شدند سه مرتبه می‌فرمودند: «رَبِّیَ اللَّهُ وَ دینیَ الأِسْلامُ» و چون از سوره «والتّین وَٱلزِّیْتُون» فارغ می‌شدند می‌خواندند: «بَلی وَاَناَ عَلی ذلِکَ مِنَ الشَاهِدیْن» و چون سوره «لااُقْسِمُ بِیَوْمِ القِیمة» می‌خواندند بعد از فراغ می‌فرمودند: «سُبْحانَکَ اللّٰهُمَّ بَلی .
و چون از سوره فاتحه فارغ می‌شدند می‌فرمودند: اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِ العالَمینَ و چون سَبَّحَ اسْمَ رَبِّکَ الاَعْلی می‌خواندند، بعد از اَعْلی آهسته می‌فرمودند: «سُبْحانَ رَبِیَّ الاَعْلی ، و در هرجای قرآن که «یا اَیُّهَاْ ٱلْذینَ آمَنوا» می‌خواندند، آهسته می‌فرمودند: «لَبَّیْکَ ٱللّٰهُمَّ لَبَّیْکْ».(58)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «هرگاه یکی از مُسَبَّحات را خواندید بگویید «سُبْحانَ اللَّهِ ٱلاَعْلی و مسبّحات، چند سوره اند که در اولشان یُسبّحُ یا سَبَّحَ یا سَبِّحِ است.
و چون بخوانید: «اِنَّ اللَّهَ وَمَلئِکَتهُ یُصَلُّونَ عَلَی النّبِیِ»، صلوات بفرستید خواه در نماز باشد و خواه در غیر نماز و چون بخوانید: «قولوا امّنا» بگویید: «امَنّا بِاللَّهِ» و تتمه آیه را بخوانید تا مسلمین».(59)
و به سند معتبر دیگر منقول است که: «حضرت امام رضاعلیه السلام در هر سه روز یک ختم قرآن می‌فرمودند و می‌گفتند: اگر خواهم در کمتر از سه روز ختم می‌توانم کرد ولیکن به هیچ آیه نمی‌گذرم هرگز، مگر آن که

در معنی آیه تفکّر می‌نمایم، و در سبب نزولش تأمّل می‌کنم، و به یاد می‌آورم که در چه وقت نازل گردیده. بنابر این در هر سه روز یک ختم می‌کنم.(60)

و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که «چون سوره «قُلْ یا اَیُّهَا اْلکافرُونْ» می‌خواندند، بعد از «لااَعْبُدُ ماتَعْبُدونَ» می‌گفتند: «اَعْبُدُ رَبّی» و بعد از اتمام سوره می‌فرمودند: «دینیِ الاسْلامُ عَلَیْهِ اَحْیا وَعَلَیْهِ اَمُوتُ اِنْشآءَاللَّهُ».(61)

و در حدیث موثّق از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «سزاوار است کسی که قرآن می‌خواند چون بگذرد به آیه‌ای که در آن سؤال یا بیمی باشد باید سؤال کند از خدا بهترین آنچه امید دارد و سؤال کند عافیت از آتش جهنم و عذاب را».(62)

و در موثّق دیگر از آن حضرت منقول است که: «چون کسی سوره والشمس بخواند، چون تمام کند بگوید: «صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ»، و چون بخواند: «اللّهُ خَیْرٌ أمّا یُشْرِکُونَ»، بگوید: «اللَّه خَیْرٌ اللَّهُ خَیْرٌ اللَّه اَکْبَرُ»، و چون بخواند «ثُمَّ الَذینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ»، بگوید: «کذب العادِلِوُنَ بِاللَّهِ» و چون بخواند: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ اَلَّذی لَمْ یَتَّخذْ وَلَداً تا وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً» سه مرتبه بگوید: «اَللّه اکبرُ». راوی سؤال کرد که اگر چیزی از اینها نگوید چون است؟ فرمود: که برای او چیزی نیست».(63)

و از حضرت علی بن الحسین‌علیه السلام منقول است که: «آیات قرآنی خزینه های حکمت ربّانی است؛ پس درِ هر خزانه را که میگشایی باید که در آن نظر نمایی».(64) به تفکّر، جواهر معانی و حکمتها را بیرون آوری.

و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که فرمود: «اگر هر که در ما بین مشرق و مغرب است بمیرد بعد از آن که قرآن با من باشد وحشت به هم نمی‌رسانم؛ و چون آن حضرت «مالِکِ یوم الدّین» را می‌خواندند، تکرار می‌فرمودند به حدّی که نزدیک بود هلاک شوند».(65)

و الحق چگونه وحشت به هم برساند کسی که انیس او خداوند عالمیان باشد، و چون خواهد سخن بگوید با خداوند خود سخن گوید و مناجات کند و راز بگوید، و اگر خواهد کسی با او سخن بگوید قرآن بخواند. گاهی که خدا به او خطاب فرماید و خود را مخاطب به آن خطاب ها دانسته «لبّیک» در جواب گوید.

و گاهی پیغمبران با او سخن گویند وخطاب های ایشان را چنان داند که از ایشان می‌شنود، بلکه آن جماعت که پیغمبران با ایشان سخن می‌گفته‌اند کور و کری چند بوده‌اند، و کسی که آگاه است مخاطب به خطاب ایشان بیشتر است، زیرا خطاب های ایشان برای جمیع عالمیان است.

و گاهی حق تعالی برای او قصّه می‌خواند، و احوال گذشتگان را برای او نقل می‌کند، و از شادی این کرامت، نزدیک است که قالب تهی کند، و

گاهی خوان نعمتهای بهشت از برایش می‌کشد، و آن که عارف است چون از نعمتهای بهشت برای این لذت می‌برد که از دوست به او می‌رسد، و از وعده‌اش نیز همان لذت [می‌برد] بلکه بیشتر؛ و محبان، نشئه شراب طهور بهشت را در این نشئه بیشتر می‌یابند و گاهی اوصاف خود را برای او بیان می‌فرماید و او را در گلستان های صفات کمالیه خود، به سِیْر[وا] می‌دارد.

گاهی در گلستان رحمانیّت تکلیف سیر می‌کند که چه خوان ها مملوّ از الوان نعمت برای کافر و مسلمان کشیده و چه نعمتهای خفی و جلی بر عاصیان گناهکاران دارد، و گاهی به سیر گلستان رحیمیّت می‌فرستد که چه لطف های خاص و شفقّت های بی اندازه نسبت به دوستان خود فرموده.

و گاهی به سیر بوستان رزّاقیّت می‌برد او را، که هیچ برگ و گیاهی نیست که بهره خاصی از خوان رَزّاقیّت او نداشته باشد، حتی آن برگ ضعیفی که در منتهای درخت است قدری از روزی برای آن مقدر است از ریشه‌ای که ده گز در زمین فرورفته، و دهن گشاده، از آب و خاک به دهان خود می‌کشد چه قدر به آن برسد و زیاده و کم نرسد.

و گاهی به سیر گلستان قدرتهای نامتناهی می‌برد، و گاهی درهای گنجهای علوم و معارف نامتناهی بر رویش می‌گشاید، از انواع جواهر حقایق آنچه دیده‌اش تاب آورد، بر او عرض می‌نماید و همچنین در صفات جلال و جمال و رفعت و کمال.

و گاهی احوال دوستان خود و کمالات ایشان را برای او نقل می‌کند، و از بنده نوازی های خود امیدوار می‌گرداند که دوستان چندین هزار سال گذشته را احوال ایشان را به چه مهربانی نقل می‌فرماید، و نعمتها که خود به ایشان عطا فرموده، ایشان را به آنها می‌ستاید و بیان شکیبایی ایشان و مشقّت ها که در راه او کشیده‌اند، می‌فرماید.

و بعد از آن بیان تدارک فرمودن خود می‌نماید، و از بیان فرمودن وسعت حلم و مزید کرمهای خود نسبت به گذشته‌ها، دستگاه امید را وسیع می‌گرداند.

زهی پروردگار کریم که با غایت لطف و مدارا، مانند پدر مشفق و ادیب مهربان، برای تکمیل بندگان، گاهی به وعده حور و قصور و طعام و شراب تطمیع می‌نماید؛ و گاهی به وعید انواع زجر و عذاب، تهدید می‌فرماید.

پس کسی که از روی تنبّه و آگاهی و تفکّر، قرآن خواند و درهای گلستان های فیض نامتناهی یزدانی بر روی عقل او مفتوح گردیده باشد، و دیده دلش را نور ادراک معارف داده باشند؛ در هر صفحه‌ای از صفحات قرآن که نظر می‌فرماید، گلستانی از شقایق حقایق برایش مرتب ساخته‌اند؛ و چراغانی از الوان انوار معارف و هدایت برایش مهیا کرده‌اند، و محفلی مملو از دوستان و برگزیدگان خدا برای انس و الفت او نشانیده اند، و انواع نعمتهای روحانی و اصناف لذتهای عقلانی برایش حاضر ساخته‌اند، و

قدح های مرد از ما از شراب طهورِ لطف و محبت برایش پر کرده‌اند [و]میزبانش خداوند مهربان است، و مصاحبانش پیغمبران و اوصیا و صدیقان؛ در چنین بزمی، اگر کسی از شادی نمیرد، وحشت چرا گیرد؟!
سوم
با طهارت بودن است در هنگام تلاوت
چنانچه از محمد بن الفضیل منقول است که به خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام عرض نمود که: «من قرآن می‌خوانم و مرا بول می‌گیرد، بر میخیزم و بول و استنجا می‌کنم، بر می‌گردم و شروع به تلاوت می‌کنم. حضرت فرمود: مکن تا وضو نسازی.(66) واین شرط بر سبیل استحباب است.
بلکه ظاهر احادیث معتبر آن است که جنب و حایض را نیز تلاوت غیر سوره‌های سجده مستحب است، و بعضی زیاده از هفت آیه را مکروه دانسته‌اند، و زیاده از هفتاد آیه گفته‌اند که کراهتش بیشتر است؛ ولیکن احادیث صحیح دلالت دارد بر این که هر چقدر از قرآن که خواهد می‌تواند خواند، به غیر از سوره‌های سجده؛ و تلاوت سوره‌های سجده واجب، برایشان حرام است.
چهارم
استعاذ ه است
و خلافی نیست در این که در هر وقت که شروع به قرائت کند استعاذ ه مستّحب است، و در کیفیت آن میان قرّاء خلافی هست، و مشهور میان علمای شیعه یکی از دو صورت است:
اول: «اَعُوذُ باللّهِ مِنَ الشَیْطانِ الرَّجیمِ» و این میان سنی و شیعه مشهورتر است.
دوم: «اَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمیعِ الْعَلِیمْ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ». و در بعضی از روایات شیعه بعد از این، «واَعُوذُ باللّهِ اَنْ یَحْضُرُونَ» وارد شده است.
و در بعضی از روایات «اَستْعَیذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ»، تنها وارد شده و در بعضی با «اِنَّ اللَّهِ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ» وارد شده است.
و در بعضی به جای «اَسْتَعیذُ»، «اَعوُذُ» وارد شده است و در بعضی «اَعُوذُ بِاللَّه مِن الشَّیْطانِ الرجیمِ اِنَّ اللّهَ هُوَ الْفَتّاحُ الْعَلیمُ» وارد شده است؛ و آن دو وجه اوّل اشهر و اولی است.(67)
پنجم
رو به قبله بودن است
چنانچه منقول است که بهترین مجالس آن است که آدمی رو به قبله باشد و بعضی دیگر از آداب در کتب تفسیر و قرائت مذکور است و ذکر آنها در این مقام موجب تطویل می‌گردد.

کوکب پنجم: «در کیفیت ختم قرآن است»

به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام جعفر صادقعلیه السلام عرض نمود که: من در یک شب قرآن را ختم می‌کنم حضرت فرمود: مرا خوش نمی‌آید که در کمتر از یک ماه ختم کنی».(68)
و به سند معتبر منقول است که، «ابوبصیر به خدمت حضرت صادقعلیه السلام عرض نمود که: من قرآن را در یک شب ختم کنم؟ فرمود: نه، گفت در دو شب؟ فرمود: نه، تا به شش شب رسانید، حضرت اشاره فرمودند: بلی.
بعد از آن فرمودند: جمعی که پیش از شما بودند قرآن را در یک ماه و کمتر ختم می‌کردند. به درستی که قرآن را تند نمی‌باید خواند به نحوی که حروفش گُم شوند در یکدیگر، ولیکن به ترتیل می‌باید خواند؛ و چون به آیه‌ای گذری که در آن یاد بهشت باشد توقف کن، و از خدا بهشت را سؤال کن؛ و چون به آیه‌ای گذری که در آن ذکر آتش باشد توقف کن و استعاذ ه کن به خدا از آتش جهنم؛ پس ابوبصیر پرسید که در ماه رمضان در یک شب ختم بکنم؟ فرمود: نه پرسید که در دو شب ختم بکنم؟ فرمود: نَه، پرسید که در سه شب ختم بکنم؟ اشاره فرمود: بلی. ماه رمضان را حق و حرمت دیگر هست که ماههای دیگر به آن شباهت ندارند و در آن نماز بسیار بکن».(69)
و به سند معتبر دیگر منقول است که: «از آن حضرت سؤال نمودند که در چند روز قرآن را ختم کنم؟ فرمود که: پنج قسمت کنید یا هفت قسمت، و نزد من قرآنی هست که دوازده قسمت کرده‌اند».(70)
و علی بن المغیره به خدمت حضرت صادقعلیه السلام عرض نمود: «پدرم از جدّت سؤال نموده بود از ختم کردن قرآن در هر شب، حضرت فرموده بودند: بلی؛ پدرم در ماه مبارک رمضان چهل ختم می‌کرد و من گاهی ختم می‌کنم و گاهی زیاد و گاهی کمتر به قدر آنچه فراغ و مجال داشته باشم. پس چون روز فطر می‌شود یک ختم از برای حضرت رسولصلی الله علیه وآله وسلم قرار می‌دهم و یکی را از برای حضرت امیرالمؤمنینعلیه السلام و یکی را از برای حضرت فاطمهعلیها السلام و دیگر از برای هر یک از ائمّهعلیهم السلام یکی، و یکی از برای شما؛ تا حال پیوسته چنین کرده‌ام. چه ثواب از برای من خواهد بود به سبب این عمل؟ آن حضرت فرمود: خدا به سبب این عمل چنین خواهد کرد که در قیامت تو با ایشان باشی.
راوی گفت: اللَّه اکبر! چنین ثوابی برای من خواهد بود؟! حضرت سه مرتبه فرمود که: بلی.(71)

کوکب ششم: «در ثواب تعلیم و تعلّم و حفظ قرآن است»

به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه حافظه‌اش کم باشد و قرآن را به مشقّت حفظ کند، حق تعالی دو اجر به او کرامت فرماید».(72)
و در حدیث دیگر فرمود: «سزاوار نیست که مؤمن بمیرد، مگر آن که قرآن را یاد گرفته باشد یا مشغول یاد گرفتن باشد».(73) و در حدیث دیگر فرمود: «هر که یاد گرفتن قرآن بر او دشوار باشد و به مشقت یاد گیرد، او را دو اجر است».(74)
و به سند معتبر از یعقوب احمر منقول است که: «به خدمت حضرت صادق‌علیه السلام عرض نمودم: مرا غمها رو داده که آنچه در خاطر داشتم فراموش کرده‌ام، حتی بسیاری از قرآن را نیز فراموش کرده‌ام. چون نام قرآن را بردم، حضرت را فزعی و خوفی حاصل شد و فرمود: به درستی که شخصی که فراموش کرده است سوره‌ای از قرآن را، آن سوره در قیامت درجه بلندی از درجات بهشت بر او مشرف می‌شود و می‌گوید: «السلام علیک» او در جواب می‌گوید: «و علیک السلام» تو کیستی؟ می‌گوید که من فلان سوره ام که مرا ضایع کردی و ترک نمودی؛ اگر به من متمسک می‌شدی و مرا ازدست نمی‌دادی امروز تو را به این درجه می‌رسانیدم، بعد از آن فرمود: بر شما باد به یاد گرفتن قرآن، به درستی که جمعی قرآن را یاد می‌گیرند که ایشان را قاری گویند، و جمعی قرآن را یاد می‌گیرند که با آواز خوش بخوانند تا مردم بگویند خوش آوازند، و در این دو طایفه خیری نیست؛ و جمعی قرآن را یاد می‌گیرند که شب و روز در نمازها بخوانند و پروا ندارند که کسی بداند یا نداند».(75)
و احادیث بسیار موافق این حدیث در مذمّت فراموش کردن قرآن واقع شده است و ظاهر بعضی فراموش کردن لفظ است و ظاهر بعضی ترک عمل نمودن به معانی آن، و معنی دوم ظاهر است که بد است. و اول، اگر از روی بی‌اعتنایی باشد بد است، و اگر بی‌اختیار به سبب ضعف حافظه از خاطرش محو شود قصور ندارد؛ و بعضی احادیث که وارد شده است که قصور ندارد، بر این معنی محمول است.
چنانچه از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که قرآن را یاد گیرد عمداً فراموش کند، چون به محشر درآید دستش در گردنش باشد، و خدا به عدد هر آیه ماری بر او مسلط گرداند که در آتش جهنم قرین او باشند، مگر آن که خدا او را بیامرزد.(76) و فرمود که: «نیکان شما گروهی اند که قرآن یاد گیرند و یاد دهند».(77)
و از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «حق تعالی گاهی

هست که قصد می‌فرماید عذاب اهل زمین را، که یکی از ایشان را استثنا نفرماید به سبب بسیاری گناهان ایشان؛ پس چون نظر می‌فرماید به پیران که قدم برمی‌دارند به سوی نمازها، و اطفال که قرآن یاد می‌گیرند، ایشان را رحم می‌فرماید و عذاب را از ایشان تأخیر می‌نماید».(78)

کوکب هفتم: «در ثواب قرائت قرآن»

به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «قرآن عهد نامه الهی است به سوی بندگان، پس سزاوار این است که هر مسلمانی در فرمان الهی نظر نماید و هر روز پنجاه آیه بخواند».(79)
و از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود و یاد خدا در آن می‌شود برکت در آن خانه بسیار می‌شود و ملائکه در آن خانه، حاضر می‌شوند و شیاطین از آن خانه دور می‌شوند و روشنی می‌دهد آن خانه، اهل آسمان را چنانچه کواکب روشنی می‌دهند اهل زمین را، و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نمی‌شود و یاد خدا نمی‌کنند، برکت آن خانه کم است و ملائکه دوری می‌کنند و شیاطین در آن خانه حاضر می‌باشند».(80)
و حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام فرمود: «خانه‌ای که در آن مسلمانی قرآن خواند، اهل سماوات، آن خانه را به یکدیگر می‌نمایند؛ چنانچه اهل دنیا ستاره‌های روشن را به یکدیگر می‌نمایند».(81)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که ایستاده در نماز، قرآن بخواند حق تعالی به عدد هر حرفی صد حسنه در نامه عملش بنویسد، و اگر نشسته در نماز [قرآن] بخواند، به هر حرفی پنجاه حسنه از برایش بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند، به هر حرفی ده حسنه از برایش بنویسد».(82)
و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که فرمود: «چه چیز مانع می‌شود تاجران شما را - که مشغولند در بازار - از این که چون به خانه برگردند نخوابند تا سوره‌ای از قرآن بخوانند تا حق تعالی بجای هر آیه، ده حسنه از برای ایشان بنویسد و ده گناه از ایشان محو نماید».(83)
و از بشر بن غالب منقول است که حضرت امام حسین‌علیه السلام فرمودند: «هر که آیه‌ای از کتاب خدا را ایستاده [در حال نماز]بخواند، حق تعالی به هر حرفی صد حسنه از برای او بنویسد و اگر در غیر نماز بخواند، به هر حرفی ده حسنه از برایش بنویسد و اگر گوش دهد قرآن را، به هر حرفی حسنه‌ای از برایش بنویسد و اگر در شب، قرآن را ختم نماید ملائکه تا صبح بر او صلوات فرستند و اگر در روز [قرآن را] ختم کند ملائکه کاتبانِ اعمال، تا شام بر او صلوات فرستند و البته بعد از ختم قرآن، یک دعای مستجاب از برای او هست و ختم قرآن از برای او بهتر است از مابین آسمان و زمین که پر از ثواب باشد. راوی عرض نمود: که اگر قرآن نخوانده باشد چه کند؟ فرمود: حق تعالی بخشنده و کریم است، اگر هر چه می‌داند بخواند، خدا او را از این ثواب می‌دهد».(84)

و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که در مکه ختم کند قرآن را، از جمعه تا جمعه یا بیشتر یا کمتر، و ختمش در روز جمعه باشد حق تعالی اجر و ثواب از برای او بنویسد از اول جمعه که در دنیا بوده است تا آخر جمعه که خواهد بود، و همچنین اگر در روزهای دیگر ختم نماید».(85)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هرکه در شبی ده آیه بخواند او را از غافلان ننویسند، و اگر در شبی پنجاه آیه بخواند او را از ذاکران بنویسند، و اگر صد آیه بخواند او را از قانتان بنویسند، و اگر دویست آیه بخواند او را از خاشعان بنویسند، و اگر سیصد آیه بخواند او را از رستگاران و فایزان بنویسند، و اگر پانصد آیه بخواند او را از جماعتی بنویسند که سعی بسیار در عبادت کرده باشند، و اگر هزار آیه بخواند برای او قنطاری از نیکی بنویسند که هر قنطاری پانزده هزار مثقال از طلا باشد و هر مثقال بیست و چهار قیراط و قیراط کوچکش مثل کوه اُحُد باشد و قیراط بزرگش مثل مابین زمین و آسمان».(86)
و از حضرت علی بن الحسین‌علیه السلام منقول است که: «هر که حرفی از کتاب خدا را گوش دهد بی آن که بخواند، حق تعالی برای او حسنه‌ای بنویسد و گناهی از او محو نماید و درجه‌ای برای او بلند گرداند؛ و کسی که حرفی از قرآن را یاد گیرد، حق تعالی ده حسنه برای او بنویسد و ده سیّئه از او محو نماید و ده درجه برای او بلند گرداند و فرمود که: نمی‌گویم به هر آیه به او این ثواب می‌دهند، بلکه به هر حرفی مانند «با» و «تا».
و هر که حرفی از قرآن را نشسته در نماز بخواند، خداوند عالمیان پنجاه حسنه بر او ثبت نماید و پنجاه گناه از او محو کند و پنجاه درجه از برای او بلند گرداند؛ و هر که حرفی را ایستاده در نماز بخواند، حق تعالی صد حسنه برای او ثبت نماید و صد سیّئه از او محو و صد درجه برای او بلند کند؛ و کسی که قرآن را ختم کند، حق تعالی به او یک دعای مستجاب عطا کند از برای دنیا یا آخرت».(87)
و حضرت امام موسی کاظم‌علیه السلام فرمود: «اگر کسی به آیه قرآن پناه برد از شرّ دشمنان، اگر از مشرق تا مغرب دشمن او باشند از شرّ همه ایمن گردد، اگر به یقین و اعتقاد بخواند».(88)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «شخصی به حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم شکایت کرد درد سینه خود را، حضرت فرمود: بخوان قرآن و طلب شفا کن؛ زیرا حق تعالی می‌فرماید: قرآن شفای دردهایی است که در سینه‌ها است».(89)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «هرکه صد آیه بخواند از هرجای قرآن که باشد و بعد از آن هفت مرتبه یا

اللّه بگوید، اگر بر سنگی دعا کند خدا آن را بشکافد».(90)
و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظمعلیه السلام منقول است که: «هر که از بلیّه ترسد و صد آیه بخواند از هر جای قرآن که خواهد، بعد از آن سه مرتبه بگوید: «اَللّٰهُمَّ اْكشِف عَنّى البَلآءَ»، خدا آن بلا را دفع نماید».(91)
و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه مبارک رمضان است».(92)

از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام منقول است که: «هر که از مصحف تلاوت نماید از چشمش برخوردار شود و عذاب پدر و مادرش را تخفیف دهند؛ هر چند کافر باشند».(93) و به روایت دیگر فرمود: «دوست می‌دارم در خانه مصحفی باشد که حق تعالی به برکت آن مصحف، شیاطین را از آن خانه دفع نماید».(94)

و در حدیث دیگر فرمود: «سه چیز است که به خدا شکایت خواهند کرد، مسجد خرابی که اهلش در آن نماز نکنند، و عالمی که در میان جُهّال باشد و حرمتش را نگاه ندارند، و مصحفی که آویخته باشد و غبار برآن نشسته باشد و از آن تلاوت ننمایند».(95)

و از اسحاق منقول است که به آن حضرت عرض نمود که: «من قرآن را در حفظ دارم، از خاطر بخوانم بهتر است یا نظر در مصحف کنم و بخوانم فرمود: از مصحف بخوان بهتر است، مگر نمی‌دانی که نظر کردن در قرآن عبادت است؟!».(96)

و در حدیث دیگر فرمود: «شش چیز است که مؤمن به آنها منتفع می‌شود بعد از مرگش، فرزند صالحی که از برای او استغفار نماید، و مصحفی که از او بماند که تلاوت نمایند، و چاهی که از برای خدا بِکَند، و درختی که از برای خدا بنشاند، و صدقه و آبی که جاری گرداند، و سنّت نیکویی که بگذارد که بعد از او مردم به آن سنّت عمل نمایند».(97)

و در حدیث مناهی نبی‌صلی الله علیه وآله وسلم وارد است که: «نهی فرمود از این که قرآن را به آب دهن محو نمایند یا به آب دهان بنویسند».(98)

و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «نظر بر روی علی بن ابیطالب‌علیه السلام کردن عبادت است، و نظر بر روی پدر و مادر به مهربانی و شفقّت کردن عبادت است، و نظر به مصحف کردن عبادت است، و نظر به کعبه کردن عبادت است».(99)

«سورة الفاتحة»

به سند معتبر منقول است که حضرت امام رضاعلیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم، نزدیکتر است به اسم اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی چشم».(100)

و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است: «هرکه را علّتی عارض شود و در همان وقت هفت مرتبه سوره حمد را بخواند، اگر علتش برطرف شود اکتفا نماید و اگر نه هفتاد مرتبه بخواند و من ضامنم از برای او عافیت را».(101)

و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که سوره حمد را بخواند، حق تعالی به عدد هر آیه که از آسمان نازل شده است ثواب به او کرامت فرماید».(102)

و از حضرت امام حسن عسکری‌علیه السلام منقول است که حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «خداوند عالمیان می‌فرماید که: من قسمت کرده‌ام سوره فاتحة الکتاب را میان خود و بنده خود، پس نصف آن سوره از من است و نصف آن از بنده من است. و آنچه بنده از من در آن سوره سؤال می‌نماید به او عطا میفرمایم.

پس چون بنده می‌گوید بِسْمِ اللَّه الرَّحْمنِ الرَّحِیم حق تعالی می‌فرماید: ابتدا کرد بنده به نام من، و بر من لازم است که کارهای او را به اتمام رسانم و در جمیع احوال بر او برکت فرستم. پس چون بگوید اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، حق تعالی فرماید: بنده من حمد من کرد و دانست که نعمتهایی که نزد اوست همه از جانب من است و بلاهایی که از او دور شده است همه به تطوّل و احسان من است، ای ملائکه! شما را گواه می‌گیرم که از برای او اضافه کردم نعمتهای دنیا و آخرت را، و دفع کردم از او بلاهای آخرت را چنانچه بلاهای دنیا را از او دفع کرده‌ام، پس چون الرَّحمْنِالرَّحیم گوید، حق تعالی می‌فرماید: بنده من از برای من شهادت داد که من رحمن و رحیمم، ای ملائکه! شما را گواه می‌گیرم که بهره او را بسیار کردم و نصیب او را از عطای خود عظیم گردانیدم.

و چون گوید که مالِکِ یَوْمِ الدِّین، خداوند عالم فرماید: ای ملائکه! گواه می‌گیرم شما را، چنانچه اعتراف کرد که من مالک روز جزایم من در روز حساب، حساب او را آسان کنم و از گناهانش در گذرم، و چون اِیّاکَ نَعَبُدُ گوید حق جَلَّ و عَلا فرماید: راست گفت بنده من که مرا عبادت کرده و بس، گواه می‌گیرم شما را که او را بر این عبادت ثوابی کرامت فرمایم که جمیع مخالفان او آرزوی منزلت او نمایند، و چون وَایّاکَ نَسْتَعینُ گوید حق

تعالی فرماید: بنده من به من استعانت جست و التجا به من آورد، گواه می‌گیرم شما را که در جمیع امور او را اعانت نمایم و در جمیع شداید به فریاد او رسم و در روز بلاها و سختیها دست او را بگیرم.
پس چون اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیم بگوید تا آخر سوره، حق تعالی فرماید: آنچه از من طلبید به او کرامت کردم و آنچه آرزو کرد به او عطا نمودم و آنچه از او ترسید او را از آن ایمن گردانیدم».(103)
و به سند دیگر منقول است که: «سوره حمد را [اگر] بر دردی هفتاد مرتبه بخوانند، آن درد ساکن می‌شود».(104)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «اگر سوره حمد را بر میّتی هفتاد مرتبه بخوانند و روح او بر گردد عجب نخواهد بود».(105)
و به سند معتبر از حضرت امام باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که سوره حمد او را عافیت ندهد هیچ چیز او را عافیت ندهد».(106) و همچنین منقول است که حضرت صادق‌علیه السلام به بعضی از اصحاب خود که شکایت از تب کرد فرمود: «بندهای پیراهنت را بگشا و سر در گریبانت کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان، آن شخص چنان کرد به زودی شفا یافت».(107)
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از صداع به آن حضرت شکایت کرد حضرت فرمود: «دست خود را بگذار بر موضعی که درد می‌کند و سوره حمد و آیةالکرسی بخوان و بگو: اللّه اَکْبَرُ اللّه اَکْبَر لا اِلهَ اِلاّ اللّه وَ اللّهُ اَکْبرُ اللّهُ اَجَلَّ وَ اَکْبَرُ مِمَّا اَخافُ وَ اَحْذَرُ وَ اَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ عِرْقِ نَعّارٍ وَ اَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ حَرِّ النّارِ».(108)
«سورة البقرة و آل عمران»
به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره بقره و آل عمران را بخواند، این دو سوره در قیامت بر سر او سایه افکنند مانند دو ابر یا دو عبا».(109)
و به سند معتبر از حضرت علی بن الحسین‌علیهما السلام منقول است که: حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هر که چهار آیه از اوّل سوره بقره و آیة الکرسی تا وَ هَوُ العَلیّ العَظیم یا دو آیه بعد ازآن و سه آیه آخر سوره بقره را بخواند، بدی در خود و در مالش نبیند و شیطان به نزدیک او نیاید و قرآن را فراموش نکند».(110)
و از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: «هر که آیة الکرسی را در وقت خواب بخواند، از فالج ایمن؛ گردد و هر که بعد از هر نماز بخواند، هیچ صاحب نیشی به او ضرر نرساند».(111)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه یک مرتبه آیةالکرسی بخواند، حق تعالی بر گرداند از او هزار بلا از

بلاهای دنیا و هزار بلا از بلاهای آخرت را که سهل ترین بلاهای دنیا فقر و احتیاج و کمترین بلاهای آخرت عذاب قبر باشد».(112)
و منقول است که «ابوذر از حضرت رسول اللهصلی الله علیه وآله وسلم سؤال نمود کدام آیه عظیم‌ترین آیاتی است که بر تو نازل گردیده است؟ فرمود: آیةالکرسی».(113)
و به سند دیگر منقول است که «شخصی به خدمت حضرت صادقعلیه السلام از تب شکایت کرد. حضرت فرمود: آیةالکرسی را در ظرفی بنویس و به آب حل کن و بخور».(114)
و از حضرت امام موسیعلیه السلام منقول است که: «یکی از پدرانم شنید که کسی سوره فاتحه می‌خواند، فرمود: شکر خدا کرد و مزد یافت؛ و بعد از آن شنید که قل هُو اللّٰه می‌خواند، فرمود: ایمان آورد و ایمن شد؛ بعد از آن شنید که سوره اِنَّا اَنْزَلْنا می‌خواند، فرمود: تصدیق پیغمبر کرد و آمرزیده شد؛ بعد از آن شنید که آیة الکرسی می‌خواند، فرمود: به به! نازل شد برائت و بیزاری این مرد از جهنم».(115)
به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنینعلیه السلام منقول است که: «کسی که چشمش آزار داشته باشد، آیةالکرسی بخواند و در خاطر خود قرار دهد که برطرف می‌شود به توفیق الهی و عافیت می‌یابد ان شاءاللّٰه تعالی.
و هر که پیش از طلوع آفتاب یازده مرتبه سوره قل هو اللّٰه احد و یازده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنا و یازده مرتبه آیةالکرسی بخواند، خدا مالش را از تلف حفظ نماید.
و چون کسی خواهد از خانه بیرون رود، چند آیه [از سوره] آل عمران را یعنی اِنَّ فی خَلْقِ السَّموات وَالأرْضِ الخ، آیةالکرسی، سوره اِنَّااَنْزَلْنا و سوره حمد [را] بخواند که موجب قضای حاجتهای دنیا و آخرت می‌گردد».(116)
و فرمود: «هر که قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد و اِنَّا اَنْزَلْنا و آیةالکرسی بخواند، مالش محفوظ باشد».(117)
و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادقعلیه السلام منقول است که: هر که سقف خانه‌اش زیاده از هشت ذرع باشد بر بالای هشت زرع آیةالکرسی بر دور خانه بنویسد تا از شرّ جنیان ایمن گردد».(118)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «شیاطین در میان شتران و چهارپایان به در می‌آیند که آنها را رم دهند، پس آیةالکرسی بخوانید برای رفع ایشان».(119)
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادقعلیه السلام منقول است که: «تصدّق بکن و در هر روز که خواهی سفر کن؛ و آیةالکرسی بخوان و هر روز که خواهی حجامت کن».(120)
و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه به جایی روی که خوفی داشته باشی این

آیه را بخوان:
رَبِّ اَدْخِلْنی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصیراً، پس چون بینی آنچه را [که از آن می‌ترسی آیةالکرسی بخوان».(121) و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «بسیار بگویید «رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا ... » (122) و ایمن مباشید از میل به باطل».(123)
و به سند معتبر از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هر که صد مرتبه آیةالکرسی بخواند، چنان باشد که مدت حیات خود عبادت کرده باشد».(124)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: حق تعالی فرمود: «به تو و امت تو گنجی از گنجهای عرش خود را کرامت کرده‌ام: فاتحة الکتاب و خاتمه سوره بقره یعنی امَنَ الرَّسولُ الخ».(125)
و کلینی رحمه الله روایت نموده: «هر که دو رکعت نماز بگزارد بعد از نماز شام، و در رکعت اول یک مرتبه سوره حمد و ده آیه از اول سوره بقره و آیه سخره - اِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الذَّی خَلَقَ السَّمواتِ وَ الْأَرْضَ - و آیه: وَاِلهکُمُ اِلهٌ واحِدُ لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحیم، اِنَّ فی خَلْقِ السَّمواتِ ... تا لَایاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ و پانزده مرتبه قُلْ هُوَاللَّه اَحَدْ بخواند، و در رکعت دوم سوره حمد و آیةالکرسی و آخر سوره بقره، لِلّهِ ما فی السَّمواتِ وَ ما فی الأرضِ تا آخر سوره و پانزده مرتبه قُلْ هُوَاللَّه اَحَدْ بخواند، و بعد از آن حاجت خود را بطلبد، هر که به این نماز مداومت نماید به هر نمازی حق تعالی ثواب سیصد هزار حج به او کرامت فرماید».(126)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر خانه‌ای که آیه امَن الرسول تا آخر سوره در آن خانه خوانده شود، شیطان داخل آن خانه نشود».(127)
و از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که فرمود: «گمان ندارم که کسی در اسلام عقلش کامل شده باشد و شبی بدون خواندن آیةالکرسی به سر آورد، بعد از آن فرمود: اگر بدانید که چه فضیلتی دارد در هیچ حال ترک آن ننمایید، به درستی که حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم مرا خبر داد که آیةالکرسی را از گنج زیر عرش به من کرامت کرده‌اند و به هیچ پیغمبری چنین کرامت نداده بودند، بعد از آن حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمود: از آن روز که این را از آن حضرت شنیده‌ام، یک شب ترک خواندن آن نکرده‌ام، سه مرتبه می‌خوانم، در هر شبی یک مرتبه بعد از نماز خفتن پیش از نافله».(128)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که بعد از نماز واجب، آیةالکرسی بخواند تا وقت نماز دیگر در امان خدا باشد».(129)

و در حدیث دیگر منقول است که فرمود: «یا علی! بر تو باد به تلاوت آیةالکرسی بعد از نماز فریضه، به درستی که محافظت و مداومت نمی‌نماید بر خواندن آن مگر پیغمبری یا صدّیقی یا شهیدی».(130)
و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام منقول است که: «چون حق تعالی امر فرمود که سوره فاتحه و آیه شَهِدَ اللَّه و آیة الکرسی و قُلِ الّلَّهُمَّ مالِکَ الْمُلْک را به زمین آورند، ایشان در عرش الهی در آویختند و گفتند: «پروردگارا ما را به کجا می‌فرستی؟ به نزد اهل خطاها و گناهان می‌فرستی؟» حق تعالی وحی فرمود به ایشان که بروید به زمین که به عزّت و جلال خودم سوگند که هرکه از آل محمدعلیهم السلام و شیعیان ایشان، شما را تلاوت نماید بعد از نمازهای واجب، البته به سوی او نظر نمایم به نظر مخفی خود، یعنی الطاف خاصّه خود را شامل حال او گردانم، هر روز هفتاد نظر، و در هر نظر کردنی هفتاد حاجت او را بر آورم و توبه او را قبول کنم؛ هرچند معصیت بسیار کرده باشد».(131)
و در طبّ الائمه از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام روایت کرده است که «مردی به حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام شکایت نمود از درد پشت و گفت: شب، مرا از این درد خواب نمی‌برد، فرمود: دست بر موضع درد بگذار و سه نوبت این آیه را بخوان:
«وَ ما کانَ لِنَفسٍ اَن تَمُوتَ اِلاّ بِاِذْنِ اللّهِ کِتاباً مُؤَجَّلاً وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الْا خِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْها و سَنَجْزِی الشّاکِرینَ»، پس هفت مرتبه اِنَّا اَنْزَلْناه بخوان که ان شاء اللَّه تعالی عافیت می‌یابی».(132)
و به سند معتبر از حضرت امام علی النّقی‌علیه السلام منقول است که: اشجع سلمی به حضرت صادق‌علیه السلام عرض نمود که من بسیار سفر می‌کنم و در بیابانهای مخوف واقع می‌شوم؛ می‌خواهم چیزی تعلیم من نمایی که موجب ایمنی من گردد، حضرت فرمود: هرگاه خوف بر تو غالب گردد دست راست خود را بر بالای سر خود بگذار و به آواز بلند این آیه را بخوان:
«اَفَغَیْرَ دِینِ اللَّهِ یَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِی الْسَّمواتِ وَالْاَرْضِ طَوْعاً وَکَرْهاً وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ».
اشجع گفت: چون به سفر رفتم به وادی رسیدم که می‌گفتند جن در آنجا بسیار است، ناگاه شنیدم که شخصی می‌گوید: بگیرید ش، من آیه را خواندم؛ دیگری گفت: چگونه بگیرمش و حال آن که پناه به آیه طیّبه برد». (133)
و در روایتی از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هرکه آیه شَهِدَ اللَّه بخواند در وقت خواب، حق تعالی هفتاد هزار ملک خلق نماید که برای او استغفار نمایند تا روز قیامت».(134)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: هرکه آیه شَهِدَ اللَّه بخواند

و بعد از آن بگويد: وَاَنَا اَشْهَدُ بِما شَهِدَ اللّهُ بِهِ وَاَسْتَوْدَعُ اللّهَ هَذِهِ الشَّهادَةِ وَهِیَ لی عِنْدَ اللّهِ وَديعَةٌ، چون روز قيامت شود، حق تعالی گويد: صاحب اين را نزد من عهدی هست كه او را داخل بهشت كنيد».(135)
«سورة النساء»
از حضرت اميرالمؤمنين‌عليه السلام منقول است كه: «كسی كه سوره نساء رادر هر جمعه بخواند از ضغطه(136) قبر ايمن گردد».(137) و در روايت ديگر منقول است كه: «حضرت اميرالمؤمنين‌عليه السلام انگشتری از حديد چينی داشتند و بر آن نقش كرده بودند: «اَلعِزَّةُ لِلّهِ جميعاً».(138) و در روايات معتبر وارد است كه: «نقش نگين انگشتر امام حسن و امام محمّد باقر صلوات الله عليهما الْعِزَّةُ لِلّهِ بود».(139)
«سورة المآئدة»
به سند معتبر از حضرت امام محمّد باقرعليه السلام منقول است كه: «هركه سوره مائده را در هر روز پنج شنبه بخواند، ايمانش به ظلم و گناه آلوده نشود و هرگز به خدا مشرک نشود».(140)
و از حضرت امام محمد باقرعليه السلام منقول است كه: «سوره مائده بر حضرت رسول‌صلی الله عليه وآله وسلم نازل شد قبل از وفات آن حضرت به دو ماه يا سه ماه».(141)
و از حضرت اميرالمؤمنين‌عليه السلام منقول است كه: «آخرين سوره‌ای كه بر حضرت رسول‌صلی الله عليه وآله وسلم نازل شد، سوره مائده بود و احكام بعضی از سوره‌های ديگر را نسخ كرد و هيچ چيز احكام آن را نسخ نكرد و وقتی نازل شد كه آن حضرت بر استر شهبا(142) سوار بود و به سبب وحی چنان سنگين شد كه نزديک شد كه ناف استر به زمين برسد و اغمايی آن حضرت را رو داد، پس چون آن حالت زايل شد، سوره را بر ما خواند و به آن عمل كرد و ما عمل كرديم».(143)
و از حضرت صادق‌عليه السلام منقول است كه: «سوره مائده يک جا نازل شد و هفتاد هزار ملک با آن نازل شدند».(144)
و در حديث ديگر فرمود: «هر كه سوره مائده را بنويسد و در ميان متاع يا صندوق خود بگذارد قماش و متاع او ايمن گردد از دزد، اگر چه در ميان راه اندازند، و عافيت يابد صاحبش از دردها و الم‌ها».(145)
و از حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام منقول است كه: «به خدمت حضرت رسول‌صلی الله عليه وآله وسلم رفتم آن حضرت سوره مائده را می‌خواند، فرمود: بنويس، نوشتم تا به آيه اِنَّما وَلِيّكُمُ اللّه رسيد، به خواب رفت و باز صدای آن حضرت می‌آمد و من مينوشتم تا سوره تمام شد، چون بيدار شد از آن جا كه به خواب رفته بود شروع كرد به خواندن، گفتم: شما خوانديد تا آخر و من نوشتم فرمود: اللّه اَكْبَر، آن جبرئيل‌عليه السلام بود كه بر تو خوانده، پس حضرت اميرالمؤمنين‌عليه السلام فرمود: هفتاد

آیه را از املای پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم نوشتم و شصت و چهار آیه را از املای جبرئیل‌علیه السلام».(146)
«سورة الانعام»
به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «سوره انعام یک دفعه نازل شد و هفتاد هزار ملک آن را مشایعت کردند تا نزد حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم آوردند، پس این سوره را تعظیم نمایید و بزرگ دانید که اسم اعظم الهی در هفتاد موضع این سوره هست و اگر مردم بدانند که در قرائتش چه فضیلت و ثواب هست هرگز ترک ننمایند قرائتش را».(147)
و از عبداللَّه بن عباس منقول است که: «کسی که سوره انعام را هر شب بخواند، در روز قیامت از جمله ایمنان باشد و به دیده خود هرگز جهنم را نبیند».(148)
و به سند معتبر از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: «سوره انعام را یک دفعه نازل ساختند و هفتاد هزار ملک مشایعت آن کردند و آواز بلند کرده بودند به تسبیح و تکبیر و تهلیل، تا به نزد حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم آوردند، پس هر که این سوره را بخواند آن هفتاد هزار ملک تسبیح بگویند از برای او تا روز قیامت».(149)
و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «اگر علتی داشته باشی که خوف هلاک از آن داشته باشی سوره انعام را بخوان که مکروهی به تو نمی‌رسد از آن علّت».(150)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه در شب اول ماه مبارک رمضان دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و از خدا سؤال نماید که کفایت شرّ دشمنان از او بکند، حق تعالی دور گرداند از او شرّ آنچه از آن ترسد و او را نگاه دارد از هر بیم و دردی».(151)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که را به خدا حاجتی باشد که بخواهد برآورده شود چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت بعد از حمد، سوره انعام بخواند و بعد از سوره این دعا را بخواند:
یا کَریمُ یاَ کَریمُ یا کَریمُ یا عَظیمُ یا عَظیمُ یا عَظیمُ یا اعْظَمَ مِنْ کُلِّ عَظیمٍ یاسَمیعَ الدُّعآءِ یامَنْ لاتُغیّرُهُ اللَّیالی والأَیّامُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ضَعْفی وَفَقْری وَفاقَتی وَمَسْکَنَتی فَاِنَّکَ اَعْلَمُ بِهامِنّی وَاَعْلَمُ بِحاجَتی یامَنْ رَحِمَ الشَّیْخَ یَعْقُوبَ حینَ رَدَّ عَلَیهِ یُوسُفَ قُرَّةَ عَیْنِه یامَنْ رَحِمَ اَیُّوبَ بَعْدَ طُولِ بَلائهِ یا مَنْ رَحِمَ مُحمَّداً صَلّی اللَّهُ عَلَیهِ وَالِهِ ومِنَ الْیُتْمِ آواهُ وَنَصَرهُ عَلی جَبابِرَةِ قُرَیْشٍ وَطَواغیتُها وَاَمْکَنَهُ مِنْهُمْ یامُغیثُ یامُغیثُ یامُغیثُ مکرّر بگوید.

به حق خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، اگر این نماز بکنی و این دعا بخوانی و جمیع حاجتهای خود را بطلبی، البته روا کند».(152)
و در طب الائمه از حضرت صادق‌علیه السلام، برای رفع خوره روایت کرده که «سوره انعام را با عسل بنویسند و بشویند و بخورند تا شفا یابند».(153)
«سورة الاعراف»
به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره اعراف را در هر ماه بخواند، در روز قیامت از جمله جماعتی باشد از دوستان خدا، که حق تعالی در شأن ایشان فرموده است: خوفی بر ایشان نیست و اندوهناک نمی‌شوند، و اگر در هر جمعه بخواند او را در قیامت حساب نکنند و به درستی که آیات محکمات در آن بسیار است، پس قرائت این سوره را ترک منمایید که گواهی می‌دهد در قیامت برای کسی که آن را خوانده باشد».(154)
و به سند معتبر از اصبغ بن نباته منقول است، «روزی حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمود: به حق آن خداوندی که محمدصلی الله علیه وآله وسلم را به راستی فرستاده است و اهل بیتش را گرامی داشته است؛ آنچه مردم طلب نمایند از اَحراز، از برای سوختن یا غرق شدن یا دزدی یا گریختن چهارپا یا کنیز و غلام، البته در قرآن هست؛ پس هر که خواهد از من سؤال نماید. شخصی برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! چیزی از قرآن به من تعلیم نما که مرا ایمن گرداند از سوختن و غرق شدن فرمود: «این دو آیه را بخوان»:
«اِنَّ وَلِیِّیِ اللَّهُ الَّذی نَزَّلَ الکِتابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصّالِحینَ وَما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیمةِ وَالسَّمواتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمینِهِ سُبْحانَهُ وَتَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ».
هرکه این دو آیه را بخواند از سوختن و غرق شدن ایمن شود، پس شخصی خواند و آتش در خانه‌های همسایگانش افتاد و او سالم ماند و به خانه او آتش نیفتاد.
شخص دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! چهارپایی دارم و چموشی می‌کند و من از آن می‌ترسم. حضرت فرمود: «در گوش راستش این آیه را بخوان»:
«وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمواتِ والْاَرْضِ طَوْعاً وَکَرْهاً وَ اِلَیْهِ تُرجَعُونَ».
پس آن شخص چنین کرد، چهار پایش نرم و هموار شد.
شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! در آن زمینی که من می‌باشم حیوانات درنده بسیار است و به خانه من داخل می‌شوند و تا حیوانی را ضایع نکنند در نمی‌روند؛ حضرت فرمود که: این دو آیه را بخوان:
«لَقَدْ جآئکُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِکُمْ عَزیزٌ عَلَیْهِ ماعَنِتُّمْ حَریصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنین

رَؤوفٌ رَحیمٌ* فَاِن تَوَلّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّهُ لااِلهَ اِلاّ هُوَ عَلَیْهِ تَوَکّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ».
آن مرد این دو آیه را خواند، دیگر درنده‌ها به خانه‌اش نیامدند.
شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! در شکم من صفرایی به هم رسیده است آیا آیه‌ای هست که موجب شفا گردد؟ حضرت فرمود: بلی، بی آن که درهم و دیناری خرج کنی به شکم خود آیةالکرسی بنویس و بشور و آن آب را بخور که این ذخیره باشد در شکم تو و باعث شفا می‌گردد به قدرت الهی.
شخص دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! برای گمشده چیزی به فرما، حضرت فرمود که: دو رکعت نماز بگزار و در هر دو رکعت سوره یس بخوان و بعد از آن بگو یا هادِیَ الضّالَّةِ رُدَّ عَلّی ضالّتی، آن مرد چنین کرد حق تعالی گمشده‌اش را به او برگردانید.
پس شخصی دیگر برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! بنده ای از من گریخته است فرمود که این آیه را بخوان:
«اَوْ کَظُلُماتٌ فِی بَحْرٍ لُجِّیٍّ یَغْشیهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحابٌ ظُلُمات بَعْضُها فُوقَ بَعْضٍ اِذا اَخْرَجَ یَدَهُ لَمْ یَکَدْ یَراها وَمَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللّهُ لَهُ نُوراً فَمالَهُ مِنْ نُورٍ».
چون این آیه را خواند، غلامش برگشت.
پس شخص دیگری برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! حرزی برای دزدی بفرما که دزد مال مرا بسیار می‌برد در شب، حضرت فرمود: چون به میان رختخواب می‌روی بخوان «قُلِ ادْعُوا للّهَ اَو اِدْعُوا الرَّحمنَ ایّاً مّا» تا آخر سوره بنی‌اسرائیل، بعد از آن حضرت فرمود: کسی که در شب در بیابانی تنها باشد و آیه سخره که «اِنَّ رَبَّکُمُ اللّهُ الّذی خَلَقَ السَّمواتِ وَالْاَرْضَ» تا «تَبارَکَ اللّهُ رَبُّ العالَمین» است، بخواند ملائکه او را محافظت و حراست نمایند و شیاطین از او دور شوند.
پس شخصی این را شنید و شبی به ده خرابی افتاد، شب در آنجا ماند و فراموش کرد که این آیه را بخواند چون خوابید، دو شیطان آمدند یکی دهانش را گرفت و رفیقش به او گفت که دست از او بردار و او را مهلت ده چون دست برداشت آن مرد بیدار شد و آیه سخره را خواند آن شیطان که دهانش را گرفته بود گفت به دیگری که من دست برداشتم و آیه را خواند خدا بینی ات را بر خاک بمالد؛ الحال حراست و نگهبانیش بکن تا صبح، چون صبح شد به خدمت حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام آمد و گفت: در سخن تو شفا و راستی دیدم و حالِ شب خود را نقل کرد، و بعد از طلوع آفتاب به آن محلی که شب خوابیده بود برگشت اثر موی شیطان بر زمین ظاهر بود که موی خود را بر خاک کشیده و رفته بود».(155)
«سورة الأنفال و سورة التّوبة»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره انفال و برائت را در هر ماه بخواند هرگز نفاق بر او راه نیابد و از شیعه امیرالمؤمنین‌علیه السلام باشد».(156)

«سورة یونس‌علیه السلام»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره یونس را در هر دو ماه یا سه ماه یک بار بخواند بیم آن نیست که از جمله جاهلان گردد، و در قیامت از جمله مقربان باشد».(157)

«سورة هود»

از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که سوره هود را در هر جمعه بخواند، حق تعالی او را در قیامت در زمره پیغمبران مبعوث گرداند و در قیامت گناهی از او ظاهر نشود».(158)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است: «هر که از غرق ترسد این آیات را بخواند:

«بِسْمِ اللّهِ مَجْریها وَمُرسیها اِنَّ رَبّی لَغَفُورٌ رَحیمٌ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِکِ الْحَقِّ الْمُبینِ وَمَا قَدَرُوا اللّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الِقیمَةِ وَالسَّمواتُ مَطْوِیّاتٌ بِیَمینِهِ سُبْحانَهُ وَتَعالی عَمّا یُشرِکُونَ».(159)

«سورة یوسُف»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره یوسف را در هر روز یا در هر شب بخواند در قیامت مبعوث شود جمال او مانند جمال حضرت یوسف‌علیه السلام باشد و در آن روز به او فزعی و خوفی نرسد و از نیکان بندگان صالح خدا باشد».(160)

«سورة رعد»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که بسیار سوره رعد را بخواند هر گز صاعقه به او نرسد و اگر چه ناصبی باشد، و اگر مؤمن باشد خدا او را داخل بهشت گرداند بی حساب، و شفاعت او را قبول فرماید در اهل بیت و برادران مؤمنش».(161)

«سورة ابراهیم و سورة الحجر»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره ابراهیم و سوره حجر را در دو رکعت نماز در هر جمعه بخواند، هر گز به او فقر و دیوانگی و بلیّه عظیمی نرسد».(162)

«سورة النحل»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر کس سوره نحل را در هر ماه بخواند در دنیا به قرض مبتلا نشود و هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهل تر آنها دیوانگی و خوره و پیسی باشد و مسکن او در جنَّت عدن باشد که در میان بهشت ها واقع است».(163)

«سورة بنی اسرائیل»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره بنی‌اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمیرد تا قائم آل محمد صلوات اللّه علیهم را دریابد و از اصحاب او باشد».(164) و منقول است که عمر بن حنظله به حضرت صادق‌علیه السلام شکایت نمود از صداع، حضرت فرمود: دست بر بالای سرت بگذار و این دو آیه را بخوان:
«قُلْ لَوْكانَ مَعَهُ الِهَةٌ كَما يَقُولُونَ اِذاً لاَابْتَغَوْا اِلى ذِى الْعَرْشِ سَبِيلاً* وَاِذا قيل لَهُمْ تَعالَوا اِلى ما اَنْزَلَ اللّهُ وَاِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُوداً».(165)
«سورة الكهف»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند نمیرد مگر شهید و خدا او را در زمره شهدا محشور گرداند و در قیامت با شهیدان بایستد».(166)
و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هرکه سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند کفاره گناهانی باشد که از جمعه تا جمعه دیگر کرده است».(167) و در روایت دیگر وارد شده است که کسی که در روز جمعه بعد از نماز ظهر و عصر بخواند همین ثواب را داشته باشد».(168)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که آیه «قُلْ اِنَّما اَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ» را تا آخر سوره بخواند در وقت خواب، از خوابگاه او تا کعبه نوری ساطع گردد که میان او پر باشد از ملائکه و تا صبح از برای او استغفار کنند».(169)
و در حدیث دیگر از حضرت صادق‌علیه السلام وارد شده است که: «هر که این آیه را در وقت خواب بخواند، هر وقت که خواهد بیدار شود».(170)
«سورة مريم»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر سوره مریم، نمیرد تا آنچه خواهد در خود و مال و فرزند ببیند و در آخرت از اصحاب عیسی بن مریم باشد و در آخرت به او بدهند مثل مُلکی که حضرت سلیمان‌علیه السلام در دنیا داشته است».(171)
«سورة طه»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «ترک مکنید سوره طه را که خدا این سوره را دوست می‌دارد، و هر که این سوره را می‌خواند دوست می‌دارد، و کسی که بر قرائتش مداومت نماید حق تعالی در قیامت نامه‌اش را به دست راستش دهد واو را بر گناهانی که در اسلام کرده است حساب نکند و در آخرت آن قدر مزد به او عطا فرماید که او راضی شود».(172)
«سورة الانبياء»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره انبیا را بخواند

از روی محبّت و خواهش نسبت به آن سوره، در باغستان های بهشت با همه پیغمبران رفاقت کند و در دنیا در نظر مردم با هیبت باشد».(173)

«سورة الحج»

از حضرت صادق‌علیه السلام مروی است که: «هر که در هر روز یک مرتبه بخواند در آن سال توفیق حج یابد، و اگر در آن سفر بمیرد داخل بهشت شود. راوی پرسید که اگر سنّی باشد چون است؟ فرمود: عذابش تخفیف می‌یابد».(174)

«سورة المؤمنون»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که در هر جمعه سوره مؤمنون بخواند، حق تعالی خاتمه او را به خیر گرداند و در فردوس اعلی منزلش با منزل پیغمبران باشد».(175)

«سورة النور»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که فرمود: «حفظ نمایید اموال و فروج خود را از حرام به تلاوت کردن سوره نور، و به این سوره زنان خود را نیز از حرام حفظ نمایید؛ به درستی که هر که این سوره را در هرشب یا در هر روز مداومت نماید هیچ یک از اهل خانه او زنا نکنند تا او بمیرد؛ چون بمیرد هفتاد هزار ملک تا قبر، او را مشایعت نمایند که همه از برای او دعا کنند و استغفار نمایند تا او را به قبر گذارند».(176)

و به سند معتبر منقول است که: «شخصی از وجع(177) و ضعف چشم به حضرت امام موسی‌علیه السلام شکایت نمود، حضرت فرمود: آیه نور را سه مرتبه در جامی بنویس، آن را بشور و در شیشه ضبط کن و مکرّر به دیده بکش راوی گفت: صد میل کمتر کشیدم که دیده‌ام صحیح تر از اول شد».(178)

«سورة الفرقان»

از حضرت امام موسی‌علیه السلام منقول است که: «ترک مکن تلاوت سوره فرقان را، به درستی که هر که در شب این سوره را بخواند حق تعالی او را حساب و عذاب نکند و منزلش در فردوس اعلی باشد».(179)

«سور الطواسین»

«شعراء، نمل و قصص»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سه طس را در شب جمعه بخواند، از اولیا و دوستان خدا باشد و در حفظ و حراست الهی باشد و در دنیا فقر و بدحالی به او نرسد و در آخرت از بهشت به او آن قدر بدهند که راضی باشد و زیاده از رضای او به او عطا فرمایند و حق تعالی صد زن از حورالعین به او کرامت فرماید».(180)

«سورة العنکبوت و سورة الرُّوم»

به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره

عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان بخواند واللّه که از اهل بهشت است و در این حکم استثنا نمی‌کنم و نمی‌ترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم هست».(181)

«سورة لقمان»

از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «کسی که سوره لقمان را در شب بخواند حق تعالی در آن شب ملکی چند موّکل گرداند بر او که او را از شیطان و لشکر هایش حفظ کند تا صبح شود و اگر در روز بخواند او را از شیطان و لشکرش حفظ نمایند تا شب».(182)

«سورة السَّجدَه»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره سجده را در هر شب جمعه بخواند، حق تعالی در قیامت نامه‌اش را به دست راست او دهد و او را حساب نفرماید، هر چند گناهکار باشد و در بهشت از رفقای محمد و اهل بیت او صلّی اللّه علیهم باشد».(183)

«سورة الاحزاب»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره احزاب را بسیار تلاوت نماید در قیامت در جوار حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم باشد» (184)، بعد از آن فرمود: «در سوره احزاب فضایح بسیاری از مردان و زنان قریش و غیر ایشان بود و درازتر از سوره بقره بود ولیکن کم کردند و تحریف دادند».(185)

«سورة سبأ و سورة فاطر»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر کس سوره سبا و سوره فاطر را در شب بخواند در حفظ و حراست الهی باشد و اگر در روز بخواند در آن روز مکروهی به او نرسد و حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آن قدر به او کرامت فرماید که بر خاطرش خطور نکرده باشد و آرزوهایش به آن نرسیده باشد».(186)

و به سند معتبر از حضرت امام موسی‌علیه السلام منقول است که: «هرکه در وقت خواب این آیه را بخواند:

«اِنَّ اللّهَ یُمْسِکُ السَّمواتِ وَ َالْاَرْضَ اَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا اِنْ اَمْسَکَهُما مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ کانَ حَلیماً غفوراً».

خانه بر سرش خراب نشود».(187)

و به سند معتبر دیگر منقول است که: «شخصی از اهل مرو به خدمت حضرت صادق‌علیه السلام شکایت نمود از درد سر، حضرت فرمود: نزدیک بیا، پس دست بر سر او گذاشتند و این آیه را خواندند: اِنَّ اللّٰه یُمْسِک تا آخر آیه».(188)

«سورة یس»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر چیزی را قلبی است و قلب قرآن سوره یس است؛ هر که این سوره را در روز بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد و خدا او را روزی فراوان عطا فرماید تا شام، و کسی که در شب پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک رابه او موکّل گرداند که او را از شرّ هر شیطان مردودی و هر آفتی حفظ نمایند، و اگر در روز بمیرد حق تعالی او را داخل بهشت گرداند و در غسل او سی هزار ملک حاضر شوند که از برای او استغفار کنند و مشایعت او نمایند تا قبرش با استغفار، و چون در لحدش گذارند آن ملائکه در میان قبرش ساکن گردند وعبادت الهی کنند و ثواب عبادت ایشان از آن او باشد، و قبرش را فراخ کنند تا چشم کار کند، و او را ایمن گرداند از فشار قبر، و پیوسته از قبر او نوری ساطع باشد تا اطراف آسمان تا وقتی که از قبر بیرون آید، پس حق تعالی او را از قبر بیرون آورد آن سی‌هزار ملک با او باشند و مشایعت او نمایند و با او سخن گویند و بر رویش خنده کنند و به هر خیری او را بشارت دهند تا او را از صراط و میزان بگذرانند و او را در مقام قرب به محلی بدارند که هیچ خلقی قُربَش از او بیشتر نباشد مگر ملائکه مقرّب و پیغمبر مرسل، و او با پیغمبران بایستد نزد حق تعالی.
و در هنگامی که مردم اندوه داشته باشند او اندوه نداشته باشد، و در حالتی که مردم جزع نمایند او جزع نکند، پس پروردگار عالم به او خطاب فرماید که: ای بنده من! هر که را خواهی شفاعت کن که شفاعت تو را قبول می‌نمایم و هر سؤالی که خواهی از من بکن که سؤالت را ردّ نمی‌کنم؛ پس او شفاعت کند و خدا قبول نماید، و او سؤال کند و خدا عطا فرماید، و دیگران را حساب کنند و او را حساب نکنند، و با دیگران در مقام حسابش باز ندارند و مذلّت و خواری در آن صحرا به او نرسد و هیچ گناهی از گناهان او را نگیرند، پس نامه خود را بگیرد و به جانب بهشت روان شود، پس مردم تعجّب کنند که سبحان اللّٰه! این بنده را هیچ گناه نبوده و از رفیقان پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه وآله وسلم باشد.(189)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه در عمر خود یک مرتبه سوره یس را بخواند حق تعالی به عدد هر خلقی که در دنیا است و هر خلقی که در آخرت است و هر خلقی که در میان آسمان است به عدد هر یک از ایشان دو هزار هزار حسنه از برای او بنویسد، و دو هزار هزار گناه از او محو فرماید و فقر و قرض و خانه برسرش فرود آمدن و به تعب و مشقّت و دیوانگی و خوره و وسواس و دردهای ضرر رساننده مبتلا نشود، و حق تعالی سکرات و اهوال مرگ را از او تخفیف دهد، و خود قبض روح او نماید و ضامن شود از برای او فراخی روزی را، در قیامت او را شاد گرداند و چندان ثواب به او کرامت فرماید که او راضی شود و حق تعالی خطاب فرماید به ملائکه آسمانها و زمین که

من از فلان بنده راضی شدم برای او استغفار نمایید».(190)
و به سند دیگر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام از بواسیر شکایت نمود، حضرت فرمود: یس را با عسل بنویس و حل کن و بخور».(191)
و در حدیث دیگر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «از برای رفع لکّ های سفید و برص که در بدن به هم رسد، سوره یس را با عسل بنویسند و بیاشامند».(192)
و در حدیث معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «تعلیم نمایید [به] فرزندان خود سوره یس را که آن گلدسته قرآن است».(193)
«سورة والصّآفّات»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره والصّافّات را در هر روز جمعه بخواند، پیوسته از جمیع آفتها و بلاها محفوظ باشد و در دنیا روزیش فراخ باشد و به بدن و مال و فرزندانش مکروهی نرسد نه از شیطان مردودی و نه از جبّار معاندی، و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد خدا او را شهید بمیراند وشهید مبعوث گرداند و با شهیدان او را داخل بهشت گرداند و در درجه شهیدان او را جای دهد».(194)
و به سند معتبر از سلیمان جعفری منقول است که: «حضرت امام موسی‌علیه السلام به فرزند خود قاسم فرمود: برخیز ای فرزند! بر بالای سر برادرت سوره والصَّافّات بخوان تا تمام کنی، او شروع به خواندن کرد چون به آیه «اَهُمْ اَشَّدُ خَلْقاً اَمْ مَنْ خَلَقْنا» رسید قبض روحش شد، چون جامه بر روی میّت کشیدند و بیرون آمدند، یعقوب بن جعفر به حضرت عرض کرد: چنین می‌دانستم که برای آسانی جان کندن، سوره یس را می‌باید خواند و شما فرمودید که والصّافّات بخوانیم حضرت فرمود: والصَّافّات را بر سر هر کس که به شدّتِ جان کندن گرفتار باشد بخوانند، البته حق تعالی راحتش را نزدیک می‌گرداند».(195)
به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «هرکه از گزیدن عقرب ترسد این آیات را بخواند:
«سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمینَ اِنّا کذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ اِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا المُؤْمِنین».(196)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «کسی خواهد که او را در قیامت به کیل وافی ثواب کامل بدهند، باید که بعد از هر نماز این آیه را بخواند:
«سُبْحانَ ربّکَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمین».(197)
و در حدیث دیگر وارد شده است که «از هر مجلس که برخیزند و این آیه را بخوانند کفاره گناهان آن مجلس می‌شود».(198)

«سورة ص»
از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه سوره ص را در شب جمعه بخواند حق تعالی از خیر دنیا و آخرت آن قدر به او عطا فرماید که به هیچ احدی از خلق عطا نفرموده باشد مگر به پیغمبر مرسلی یا ملک مقرّبی و او را داخل بهشت گرداند و هر که را او خواهد از اهل خانه‌اش حتی خادمی که او را خدمت می‌کرده است».(199)
«سورة الزُّمر»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره زمر را بخواند حق تعالی شرف دنیا و آخرت به او کرامت فرماید و او را عزیز گرداند بی‌مال و خویشان، به حدّی که هر که او را ببیند از او مهابتی در دلش به هم رسد و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند، و در بهشت از برای او هزار شهر بنا کنند که در هر شهری هزار قصر باشد و در هر قصری صد حوریه و از چشمه‌ها و حوران و درختان و میوه‌ها آنچه در قرآن وصف فرموده به او کرامت فرماید».(200)
«سور الحوامیم»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «سوره‌های «حم» گلستان قرآنند، پس حمد بگویید و شکر کنید خدا را به حفظ کردن و تلاوت نمودن آنها. و به درستی که بنده بر می‌خیزد و «حم»ها را تلاوت می‌نماید، و از دهان او شمیمی بیرون می‌آید، خوشبوتر از مشک ناب و عنبر. و به درستی که هر که در هر روز این سوره‌های شریف را تلاوت نماید، حق تعالی رحمت می‌فرستد بر او و بر همسایگان و دوستان و آشنایان و جمیع اقربا و خویشان او. و در قیامت برای او استغفار می‌کنند عرش و کرسی و ملائکه مقرّبان» (201)
و به سند دیگر، از آن حضرت منقول است که: «هر که حوامیم(202) را در شبی پیش از خوابیدن بخواند، در بهشت در درجه محمد و آل محمد و ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام باشد».(203)
و فرمود که: «حوامیم بیایند در روز قیامت به صورت خوشرو ترین مردم و خوشبوترین آنها با هزار هزار ملک، تا بایستند نزد عرش حق تعالی، پس ربّ اعلی خطاب کند ایشان را که، کی شما را تلاوت می‌کرد و حق تلاوت شما را ادا می‌نمود؟
پس گروه بسیار بر خیزند که عدد ایشان را به غیر از خدا نداند. و خدا خطاب نماید ایشان را که، خوب کردید و نیکو تلاوت کردید «حوامیم» را در زندگانی دنیا، به عزت و جلال خود سوگند یاد می‌کنم که امروز هر حاجتی که از من بطلبید روا[خواهم کرد] اگر چه جمیع بهشت باشد و جمیع آنچه به بندگان [شایسته] خود داده‌ام.
پس هر چه ایشان سئوال و آرزو کنند، حق تعالی به ایشان تفضل کند. پس

ایشان را به سوی منازل ایشان فرستد، که در بهشت برای ایشان مقرر ساخته. و مهیا کند برای ایشان در آن منازل آنچه چشمی ندیده و گوشی نشنیده و در خاطری خطور نکرده».(204)

«سورة المؤمن»

از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که سوره مؤمن را در هر شب بخواند حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و ایمان را از او سلب ننماید و آخرت را برای او بهتر از دنیا گرداند». (205)

«سورة حم سجده»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که حم سجده را بخواند حق تعالی در قیامت او را نوری عطا فرماید آن قدر که چشم کار کند، و او را سرور و شادی در آن روز کرامت فرماید، و در دنیا به حالی باشد که دیگران آرزوی حال او کنند».(206) و در روایتی است که: «هر که این سوره را در شب جمعه بخواند، حق تعالی این ثواب او را کرامت فرماید».

«سورة حمعسق»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر قرائت سوره حمعسق، چون در قیامت مبعوث شود روی او مانند برف سفید باشد و مانند آفتاب نورانی و چون به نزد عرش آید حق تعالی فرماید: ای بنده من! مداومت نمودی بر قرائت حمعسق و نمی‌دانستی که چه ثواب دارد و اگر منزلت آن سوره و ثوابش را می‌دانستی هرگز از خواندن او ملال به هم نمی‌رسانید ی و اکنون جزای خود را خواهی دانست. ای ملائکه! او را داخل بهشت گردانید و از برای او قصری مقرّر ساخته‌ام از یاقوت سرخ، و درها و کنگره‌ها و دریچه هایش از یاقوت سرخ است، و از لطافت از اندرون بیرون را می‌توان دید و از بیرون اندرون را می‌توان دید، و در آن قصر دختران باکره جوان از حورالعین و هزار کنیز و هزار غلام از پسران گوشواره در گوش، یا پیوسته در حسن پاینده، به او عطا کرده‌ام».(207)

«سورة حم زخرف»

از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه مداومت نماید بر قرائت سوره حم زخرف، خدا او را در قبر از جانوران زمین و از فشار قبر ایمن گرداند و چون او را به مقام حسنات بیاورند، به امر الهی او را داخل بهشت گردانند».(208)

«سورة الدّخان»

از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه سوره دخان را در نمازهای واجب و سنّت بخواند، حق تعالی او را در زمره ایمنان مبعوث گرداند و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب او را آسان کند

و نامه او را بدست راست او دهند».(209)
و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت امام محمد باقرعلیه السلام عرض نمود که چگونه شب قدر را بشناسم؟ فرمود که چون ماه مبارک رمضان بیاید هر شب صد مرتبه سوره دخان را بخوان، چون شب بیست و سوم شود تصدیق خواهی نمود به آنچه سؤال نمودی». (210)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هرکه این سوره را در شب جمعه بخواند، حق تعالی گناهان او را بیامرزد».(211)
«سورة الجاثیه»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره جاثیه را بخواند ثوابش آن است که جهنم را نبیند و آواز خروشش را نشنود و با رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم بوده باشد».(212)
«سورة الأحقاف»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که در هر شب یا در هر جمعه سوره احقاف را بخواند، در دنیا خوفی به او نرسد و از فزع روز قیامت ایمن گردد».(213)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «سوره‌های حم ریاحین بهشتند، پس چون توفیق خواندن آنها بیابید خدا را حمد و شکر بسیار کنید که توفیق تلاوت آنها به شما کرامت فرموده، به درستی که بنده ای که از خواب برخیزد و در نماز حوامیم بخواند از دهانش نسیمی خوشبوتر از مشک و عنبر بیرون آید و به درستی که حق تعالی رحم می‌کند تلاوت کننده و خواننده این سوره‌ها را و رحم می‌کند همسایگان و آشنایان و مصاحبان و خویشان او را در روز قیامت، عرش و کرسی و ملائکه مقرب از برای او استغفار می‌نمایند».(214)
«سورة محمدصلی الله علیه وآله وسلم»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره الَّذین کَفَروا را بخواند، گناه نکند و در دین خود شکّ به هم نرساند و به فقر هرگز مبتلا نشود و هرگز از پادشاهی خوفی به او نرسد و همیشه از شرک و کفر محفوظ باشد تا بمیرد، و چون بمیرد حق تعالی هزار ملک به قبر او فرستد که نماز کنند و ثواب نماز ایشان از او باشد و چون از قبر بیرون آید، آن هزار ملک او را مشایعت کنند تا او را به محل ایمنان از خوف های قیامت بدارند و در امان خدا و رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم باشد».(215)
«سورة الفتح»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «حفظ نمایید اموال و زنان و بنده های خود را به خواندن سوره انا فتحنا، به درستی که کسی که بر خواندن این سوره مداومت نماید در روز قیامت منادی از جانب ربّ العزّه

او را ندایی کند که همه خلایق بشنوند که تو از بندگان مخلص مایی. ای ملائکه! او را ملحق گردانید به بندگان شایسته من و او را داخل بهشت جاوید کنید واز شراب سَر به مُهر بهشت که با کافور ممزوج است به او بخورانید».(216)
و در بعضی روایات وارد شده است که: «هر که در شب ماه مبارک رمضان سوره انا فتحنا در نماز سنّت بخواند در آن سال از بلاها محفوظ باشد».(217)
و در حدیث دیگر منقول است که: «هر که در روز اول ماه مبارک رمضان دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا و در رکعت دوم حمد و هر سوره که خواهد بخواند، حق تعالی از او دور گرداند هر بدی را که در آن سال است، و پیوسته در حفظ و حمایت الهی باشد تا سال آینده».(218)
«سورة الحُجرَات»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره حجرات را بخواند در هر شبی یا در هر روزی، در بهشت از جماعتی باشد که به زیارت حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم مشرّف می‌شوند».(219)
«سورة ق»
از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره ق در نمازهای واجب و سنّت، خدا روزی او را فراخ گرداند و نامه‌اش را بدست راست او دهد و او را حساب آسان کند».(220)
«سورة الذاریات»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره ذاریات را در روز یا در شب بخواند خدا امر معیشت او را به اصلاح آورده و روزی او را وسعت دهد، و منوّر گرداند قبر او را به چراغی که نور بخشد تا روز قیامت».(221)
«سورة الطور»
از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات اللّٰه علیهما منقول است که: «هر که سوره طور را بخواند، حق تعالی خیر دنیا و آخرت را برای او جمع نماید».(222)
«سورة النَّجم»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره نجم را در هر شب یا در هر روز بخواند، در میان مردم به خیر و نام نیک زندگی نماید و گناهانش آمرزیده شود و محبوب دلهای مردم گردد».(223)
«سورة القمر»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اقتربت

الساعة را بخواند، چون از قبر بیرون آید بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار شود».(224)

«سورة الرَّحمن»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «ترک نکنید قرائت سوره الرحمن را و خواندن آن را در نماز، به درستی که این سوره در دل منافقان قرار نمی‌گیرد، و حق تعالی این سوره را در روز قیامت به بهترین صورتها در نهایت خوشبویی در صحرای محشر حاضر می‌گرداند و می‌آید در محل قرب و کرامت می‌ایستد، حق تعالی به او خطاب می‌فرماید: کی در زندگانی دنیا تو را در نماز می‌خواند و مداومت می‌نمود خواندن تو را؟ می‌گوید: خداوندا فلان و فلان، پس حق تعالی رو های ایشان را سفید می‌گرداند و می‌فرماید: هر که را خواهید شفاعت نمایید؛ پس ایشان آن قدر که خواهند شفاعت می‌نمایند، پس به ایشان می‌گویند که داخل بهشت شوید و در هر جا که خواهید ساکن شوید».(225)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «مستحب است که بعد از نماز صبح و روز جمعه سوره الرحمن را بخوانی و هر مرتبه که بگویی فَبایِّ آلآءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ بگویی لابِشَیءٍ مِنْ آلائِکَ رَبِّ اُکَذِّبُ».(226)

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: «هر که سوره الرحمن را بخواند و در هر مرتبه که بگوید، فَبایِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبان بگوید لابِشَیءٍ مِنْ آلائِکَ رَبِّ اُکَذِّبُ اگر در شب بخواند و در آن شب بمیرد، شهید مرده و اگر در روز بخواند و در آن روز بمیرد، شهید مرده باشد».(227)

«سورة الواقِعة»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه در هرشب جمعه سوره واقعه بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست او گرداند و در دنیا بدحالی و فقر و احتیاج نبیند و به هیچ آفتی و بلایی مبتلا نشود و از رفقای حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام باشد و این سوره مخصوص آن حضرت است».(228)

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که مشتاق بهشت و وصف آن باشد سوره اذا وقعت را بخواند و هر که خواهد وصف جهنم را ملاحظه نماید سوره الم سجده را بخواند».(229)

و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که سوره واقعه را در هر شب پیش از آن که بخوابد بخواند، در قیامت روی او مانند ماه شب چهارده نورانی باشد».(230)

و به سند معتبر از اسماعیل بن عبد الخالق منقول است که: «حضرت صادق‌علیه السلام فرمود: پدرم بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز نشسته می‌کردند، و در آن دو رکعت صد آیه می‌خواندند و می‌فرمودند: هر که این دو رکعت را بخواند و صد آیه در این دو رکعت بخواند، او را در آن شب از

غافلان ننویسند و اسماعیل گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این دو رکعت وتیره اذا وقعت و قل هو اللَّه می‌خواندند».(231)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هرکه در هر شب این سوره را بخواند، هرگز فقیر و پریشان نشود».(232)
«سورة الحدید و مجادله»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره حدید و مجادله را در نماز فریضه بخواند و مداومت نماید خدا او را عذاب نکند و در خودش و اهلش بدحالی و احتیاج نبیند».(233)
«سورة الحشر»
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که سوره حشر را بخواند جمیع خلق خدا از بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و حجب و آسمان های هفتگانه و زمینهای هفتگانه و هوا و باد و مرغان و درختان و کوهها و آفتاب و ماه و ملائکه همه بر او صلوات فرستند و از برای او استغفار کنند و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد با شهادت مرده باشد».(234)
«سورة الممتحنة»
از حضرت علی بن الحسین صلوات اللَّه علیهما منقول است که: «هرکه سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و سنّت بخواند، خدا دل او رابه ایمان امتحان نماید و دیده‌اش را نور بدهد و خود و فرزندانش را به فقر و دیوانگی مبتلا نکند».(235)
«سورة صَف»
از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه مداومت نماید بر خواندن سوره صف در نمازهای واجب و سنّت، خدا او را در صف ملائکه و انبیاعلیهم السلام جا دهد».(236)
«سورة الجمعة و سورة المنافقین»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «واجب و لازم است بر هرکه شیعه ما باشد که در نماز شام و خفتن شب جمعه، سوره جمعه و سبّح اسم ربّک الاعلی بخواند و در نماز ظهر، سوره جمعه و منافقین بخواند، چون چنین کند؛ چنان باشد که به عمل حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم عمل نموده باشد، و ثواب او نزد خدا بهشت باشد».(237)
«سورة تغابن»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره تغابن را در هر نماز واجبی بخواند، آن سوره روز قیامت شفیع او باشد و گواه عادلی باشد که شهادت دهد برای او نزد کسی که شهادت او را قبول فرماید. و از او جدا نشود تا او را داخل بهشت گرداند».(238)
و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه

سوره‌های مسبّحات را همه پیش از خواب بخواند، نمیرد تا حضرت قائم آل محمد صلوات اللّه علیهم اجمعین را درک نماید، و اگر بمیرد او را در جوار حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم جا دهند».(239)

«سورة الطّلاق و التَّحریم»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره طلاق و تحریم را در نماز واجب بخواند، خدا او را در قیامت پناه دهد از خوف و اندوه، و از آتش جهنم عافیت یابد. و او را داخل بهشت گرداند به سبب تلاوت کردن و محافظت نمودن حرمت این دو سوره، زیرا این دو سوره از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم اند».(240)

«سورة المُلک»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره تبارک الذی بیده الملک را در شب در نماز واجب پیش از خواب بخواند، پیوسته در امان الهی باشد تا صبح شود، و در روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود».(241)

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «سوره ملک مانعی است که از عذاب قبر منع می‌کند و نامش در تورات سورة الملک است، و هر که در شب بخواند بسیار عبادت و تلاوت کرده و نیکو کرده است، و در آن شب او را از غافلان ننویسند، و به درستی که من در نماز وتیره بعد از نماز خفتن، نشسته می‌خوانم و پدرم در روز و شب هر دو را می‌خواند».

و هر که این سوره را بخواند چون نکیر و منکر به قبر او درآیند چون از جانب پاهایش بیایند پاها به ایشان گویند که شما را از جانب ما راهی نیست؛ زیرا این بنده هر شب و روز برپا می‌ایستاد و سوره ملک را می‌خواند، و چون از جانب شکمش بیایند، شکمش به ایشان خطاب نماید که شما را از جانب من راهی نیست، به درستی که این بنده در من جا داده بود سوره ملک را، و چون از جانب زبان بیایند به ایشان گوید که شما را از جانب من راهی نیست، زیرا که این بنده هر شب و روز سوره ملک را تلاوت می‌نموده و بر من جاری می‌ساخت».(242)

«سورة قلم»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره ن والقلم را در نماز فریضه یا نافله بخواند، خدا او را ایمن گرداند از این که هر گز به فقر مبتلا شود، و چون بمیرد او را از فشار قبر نجات دهد».(243)

«سورة الحاقّة»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «بسیار بخوانید سوره حاقّه را، به درستی که خواندن آن در فرایض و نوافل از ایمان به خدا و رسول است، زیرا این سوره در واقعه حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام و معاویه

علیه الهاویه نازل شده است و هر که این سوره را بخواند تا هنگام مردن ایمان از او برطرف نشود».(244)

«سورة المعارج»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «بسیار بخوانید سوره سئل سائل را، که هر که این سوره را بسیار بخواند، حق تعالی در قیامت از هیچ گناه از او سؤال ننماید و او را در بهشت با رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم ساکن گرداند».(245)

«سورة نُوح»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که ایمان به خدا و خواندن قرآن دارد، باید که خواندن سوره نوح علیه السلام را ترک ننماید، به درستی که هر بنده که این سوره را برای خدا در نماز واجبی و سنّتی بخواند، خدا او را در مساکن نیکوکاران ساکن گرداند و سه بهشت دیگر او را کرامت فرماید و دویست حوریّه و چهار هزار زن به او تزویج فرماید». (246)

«سورة الجن»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره جن را بسیار بخواند، در دنیا از چشم جنیان و دمیدن ها و سحر و مکر ایشان محفوظ باشد، و در بهشت از رفقای حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم باشد».(247)

«سورة المُزَّمِّل»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره مزّمل را در نماز خفتن یا در نماز شب بخواند، شب و روز و آن سوره هر سه شاهد و گواه او باشند در قیامت، و خدا او را با زندگانی نیکو زنده دارد، و به مردن نیکو بمیراند».(248)

«سورة المدَّثِّر»

از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که در نماز واجب سوره مدّثّر را بخواند، بر خدا لازم است که او را در جوار حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم جا دهد، و در زندگانی دنیا هرگز شقاوت، او را در نیابد».(249)

«سورة القیامة»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید سوره لا اقسم را و به آن عمل نماید خدا او را با حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم محشور گرداند در بهترین صورتها، و آن حضرت او را بشارت فرماید و بر رویش خندد تا از صراط و میزان او را بگذراند». (250)

«سورة الدَّهر»

از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه سوره هل اتی عَلَی الأنسان را در هر صبح پنجشنبه بخواند، خدا به او هشتصد دختر باکره و چهار هزار زن و حورالعین کرامت فرماید و با حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم باشد».(251)
و به سند معتبر از علّی بن عمر منقول است که: «به خدمت امام علی النقی‌علیه السلام رفتم در روز سه شنبه، حضرت فرمود که دیروز تو را ندیدم! گفتم: نخواستم در روز دوشنبه حرکت کنم، حضرت فرمود: هر که خواهد که خدا او را از شرّ روز دوشنبه نگاه دارد باید در رکعت اول نماز صبح آن روز سوره هَلْ أَتی عَلَی الأنسان بخواند، چنانچه حق تعالی در آن سوره می‌فرماید: «پس خدا ایشان را نگاه داشت از شرّ آن روز و به استقبال ایشان فرستاد نصرت و خوشحالی و سرور و شادی را».(252)
و در حدیث رجاء بن ضحاک وارد است که: «حضرت امام رضاعلیه السلام در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه، در رکعت اول «هَلْ اَتی عَلَی الأنسان می‌خواندند و در رکعت دوم هَلْ اَتیکَ حَدیثُ الغاشیَه»».(253)
«سورة المرسلات و النّبأ و سورة النازعات»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره و المرسلات را بخواند، حق تعالی میان او و حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم را آشنایی بیندازد».(254)
«و هر که هر روز سوره عمَّ یتسآءلون را بخواند، از دنیا نرود تا توفیق زیارت کعبه بیابد».(255) «وهر که سوره نازعات را بخواند نمیرد مگر سیراب، و مبعوث نشود مگر سیراب، و داخل بهشت نشود مگر سیراب». (256)
«سورة عبس و سورة کُوِّرَتْ»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره عبس و تولّی و سوره اذا الشمس کُوِّرَتْ را بخواند، در حفظ الهی باشد از خیانت، و در سایه کرامت و مرحمت الهی باشد تا زنده [است]».(257)
«سورة الأنفطار و سورة المطفِّفین و سورة الاِنشقاق»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اذا السَّمآء انفطرت و اذا السّمآءُ انْشقّت را در فریضه یا نافله بسیار بخواند، خدا هیچ حاجت او را ردّ ننماید و او را هیچ مانعی از خدا دور نگرداند در آخرت، پیوسته او نظر به کرامتهای الهی نماید و خدا نظر رحمت به او بدارد تا از حساب خلایق فارغ شود».(258)
و به سند دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در نماز واجب سوره ویل للمطففین بسیار بخواند، حق تعالی در قیامت برات ایمنی از آتش جهنّم به او کرامت فرماید و او را بی‌حساب به بهشت برد».(259)
«سورة البروج»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره والسّمآء ذات البروج را در فرایض بخواند، چون سوره پیغمبران است، حق تعالی او را در قیامت با پیغمبران و مرسلان و صالحان محشور گرداند و با ایشان او را باز دارد».(260)

«سورة الطّارق»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره والسّمآء والطارق را در فرایض بخواند، او را در قیامت نزد خدا قدر و منزلت عظیم بوده باشد و از رفقای پیغمبران باشد در بهشت».(261)

«سورة الأَعلی»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره سَبِّح اسْمَ رَبِّکَ اْلأَعلی را در فریضه یا نافله بخواند، در روز قیامت به او گویند که از هر در از درهای بهشت که می‌خواهی داخل شو».(262)

«سورة الغاشیة»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره هَلْ اَتیکَ حَدیثُ الغاشِیَة در نماز واجب یا سنَّت، خدا او را فرو گیرد به رحمت خود در دنیا و آخرت، و در روز قیامت برات ایمنی از عذاب جهنم به او کرامت فرماید».(263)

«سورة الفجر»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «بخوانید سوره فجر را در نمازهای فریضه و نافله که آن سوره حضرت امام حسین‌علیه السلام است و هر که این سوره را بخواند در بهشت در جوار آن حضرت باشد».(264)

«سورة البلد»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره لا اُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَد را در نماز واجب بخواند، در دنیا از جمله صالحان معروف شود، و در آخرت معروف گردد که او را منزلت عظیم نزد حق تعالی هست، و در قیامت از رفقای پیغمبران و شهیدان و صالحان باشد».(265)

«سورة الشمس و سورة اللیل»

«و سورة الضّحی و سورة الم نشرح»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که بسیار بخواند در روزی یا در شبی سوره وَالشَّمْس وَ ضُحیها و سوره وَاْلَّلیْلِ اِذا یَغْشی و سوره وَالْضُّحی و اَلَمْ نَشْرَح را، هر چیز که نزد او حاضر باشد در قیامت برای او شهادت دهد، حتی مو و پوست و گوشت و خون و عروق و عصب ها و استخوانها و جمیع اعضای او، حق تعالی بفرماید که: من شهادت شما را قبول کردم از برای بنده خود، ای ملائکه! ببرید او را به بهشت و هر جا که او اختیار نماید به او عطا کنید. گوارا باد فضل و رحمت من از برای بنده من».(266)

«سورة التّین»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره وَالتّین را در فرایض و نوافل خود بخواند، عطا فرمایند به او از بهشت هر جا که به پسندد».(267)
«سورة العلق»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که در روز یا در شب سوره اِقْرَاء بِاسْمِ رَبِّکَ را بخواند، در آن روز یا در آن شب بمیرد، چنان باشد که شهید مرده باشد و خدا او را با شهیدان محشور گرداند، و چنان باشد که در راه خدا در میان لشکر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم جهاد کرده باشد».(268)
«سورة القدر»
به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْر را بلند بخواند، چنان باشد که شمشیر کشیده باشد و در راه خدا جهاد کند، و اگر آهسته بخواند، چنان باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود دست و پا زند، و هر که ده بار بخواند، خدا هزار گناه از گناهان او را محو نماید».(269)
و به روایت دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ را در نماز فریضه بخواند، منادی از جانب حق تعالی ندا فرماید که: خدا گناهان گذشته تو را آمرزید؛ عمل را از سر گیر».(270)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «هرکه پیش از طلوع آفتاب قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدْ و اِنَّا اَنْزَلْناه را بخواند در آن روز به گناهی مبتلا نشود؛ هر چند شیطان سعی نماید».(271)
و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم‌علیه السلام منقول است که: «به درستی که حق تعالی را در روز جمعه هزار نفحه و نسیم از رحمت خود هست. هر بنده ای را آنچه خواهد از او عطا می‌فرماید، پس هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْناه را بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه بخواند حق تعالی آن نفحه رحمت را و مثل آن را به او عطا فرماید».(272)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «چون شب ماه مبارک رمضان درآید، در هر شب هزار مرتبه اِنَّا اَنْزَلْناه را بخوان و چون شب بیست و سیم درآید، دل خود را محکم بدار و گوشهای خود را بگشا از برای شنیدن عجایب از آنچه خواهی دید».(273)
و به سندهای معتبر از آن حضرت منقول است که: «اگر کسی در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان اِنَّا اَنْزَلْناه را هزار مرتبه بخواند، چون صبح کند، یقین او شدید و محکم شده باشد به اعتراف نمودن به چیزی چند که مخصوص ما است از غرایب فضایل، و نیست این مگر به سبب چیزی که در خواب مشاهده نماید».(274)

و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که جامه نوی ببرد اِنَّا اَنْزَلْناه را سی و شش مرتبه بخواند و در هر مرتبه چون برسد به تنزّل الملائکة اندکی آب بردارد و بر جامه بپاشد، پاشیدن سهلی، پس دو رکعت نماز در آن جامه بخواند و دعا کند و در دعا بگوید: «اَلحَمْدُ لِلّهِ الَّذی رَزَقَنی ما اتَجَمَّلُ بِهِ فِی النّاسِ وَأُواری بِهِ عَوْرَتی وَ أُصَّلی فیهِ لِرَبّی» و حمد الهی بکند؛ پیوسته در فراخی نعمت باشد تا آن جامه کهنه شود».(275)

و به سند معتبر منقول است که: «چون حضرت امام رضاعلیه السلام جامه نو می‌پوشیدند، قدحی آب میطلبیدند و ده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْناه و ده مرتبه قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدْ و ده مرتبه قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُون بر آن ظرف می‌خواندند و بعد از آن، آن آب را بر جامه میپاشیدند و می‌فرمودند: هر که پیش از پوشیدن جامه چنین کند پیوسته در فراخی عیش باشد، مادامی که تاری از آن باقی باشد».(276)

و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «چون حق تعالی جامه نوی به کسی عطا فرماید، باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی بعد از حمد، آیة الکرسی و قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَد و اِنَّا اَنْزَلْناه بخواند، بعد از آن حمد کند خداوندی را که عورت او را به جامه پوشیده و او را در میان مردم زینت بخشیده و کلمه لا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللّه بسیار بگوید، و کسی که چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و به عدد هر تاری که در آن جامه باشد خدا ملکی موکل گرداند که تقدیس خدا کند و از برای او استغفار نماید و بر او دعا و ترحمّ کند».(277)

و در روایت دیگر وارد شده است که: «هر که قدحی برگیرد و آبی در آن قدح ریزد و سی و پنج مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْناه را بر آن قدح بخواند و آب را بر جامه خود بپاشد پیوسته در وسعت باشد تا آن جامه کهنه شود».(278)

و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «از برای عوذه از بلاها سبوی تازه می‌گیری و از آب پر می‌کنی و سی مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْناه فی لَیْلَةِ الْقَدْر بر آن سبو می‌خوانی، پس آن سبو را می‌آویزی و از آن آب می‌خوری و وضو می‌سازی و پیش از آن که آبش تمام شود آب بر رویش می‌ریزی».(279)

و از حضرت امام محمد تقی‌علیه السلام منقول است: «هر که در هر شبانه روز هفتاد و شش مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْناه بخواند، حق تعالی هزار ملک خلق کند که در سی و شش هزار سال، ثواب آن را بنویسند و حق تعالی ثواب آن را دو هزار هزار مرتبه مضاعف گرداند به این که بعد از طلوع صبح پیش از نماز، هفت مرتبه بخواند و بعد از نماز صبح ده مرتبه و در اول زوال، پیش از نافله ده مرتبه و بعد از نافله، بیست و یک مرتبه و بعد از نماز عصر، ده مرتبه و بعد از نماز خفتن، هفت مرتبه و چون به

رختخواب می‌رود، یازده مرتبه، چون چنین کند حق تعالی هفت چیز را به او کرامت فرماید:
اول: آن که شش روز ملائکه بر او صلوات فرستند.
دوم: آن که در امان خدا باشد از بلاها تا شام.
سوم: آن که حق تعالی نظر رحمت به سوی او افکند و درهای آسمان را برای او بگشاید.
چهارم: آن که حق تعالی خانه‌ای برای او خلق نماید که هر یک از طول و عرضش هشتاد ذراع و بلندیش شصت ذراع باشد، آن خانه را پر کند از ملائکه که برای او طلب آمرزش کنند تا روز قیامت، و حق تعالی مضاعف گرداند ثواب آن را دو هزار سال، هر روز هزار مرتبه.
پنجم: آن که ثواب اعمال جمیع خلایق را در یک روز به او عطا فرماید.
ششم: آن که در امان خدا باشد تا صبح.
هفتم: آن که حق تعالی ملکی خلق نماید که کف دست او بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین باشد و در موضع هر ذرّه از بدن او مویی باشد و هر مویی به قوّت جن و انس استغفار کنند برای صاحب این عمل تا روز قیامت».(280)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «نوری که در قیامت با مؤمنان می‌باشد، نور سوره اِنَّا اَنْزَلْناه فی لَیْلَةِ الْقَدْر است و فرمود: هر که این سوره را در نماز بخواند، نماز او در علیّین بالا رود و مقبول می‌شود و ثوابش مضاعف گردد، و هرکه این سوره را بخواند و دعا کند دعایش به لوح محفوظ بالا رود و مستجاب گردد، و هرکه این سوره را بخواند محبّت او در دلهای مردم به هم رسد، و هرکه حاجتی از کسی خواهد چون نزد او رود این سوره را بخواند تا حاجتش برآورده شود، و هرکه از پادشاهی یا ظالمی ترسد در وقتی که نظرش بر او می‌افتد این سوره را بخواند از شرّ او ایمن گردد، و کسی که با شخصی منازعه و دعوایی داشته باشد این سوره را بخواند بر خصم غالب آید، و خواننده این سوره هنوز فارغ نمی‌شود از خواندن که برات بیزاری او از آتش جهنم نوشته می‌شود». (281)
و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است: «هر که در شبی صد مرتبه این سوره را بخواند پیش از صبح بهشت را می‌بیند».(282)
و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت صادق‌علیه السلام عرض نمود که هشت دختر مرا به هم رسیده و روی پسر تا حال ندیده‌ام، دعا فرما که خدا مرا پسری کرامت فرماید، حضرت فرمود: چون می‌نشینی که مشغول جماع شوی دست راست خود را بر طرف راست ناف زن بگذار و هفت مرتبه اِنَّا اَنْزَلْناه بخوان و بعد از آن مشغول شو و چون حمل ظاهر شود در شب هر وقت که از پهلو به پهلو گردی باز دست

بر جانب راست نافش بگذار و هفت مرتبه آن سوره را بخوان، آن شخص گفت: چنین کردم، هفت پسر از پی یکدیگر خدا مرا روزی کرد».(283)
و به سند معتبر منقول است از ابی عمرو که گفت: «بسیار حالم پریشان شد از فقر و احتیاج، به خدمت حضرت امام محمد تقی‌علیه السلام نوشتم حال خود را، حضرت فرمود: مداومت کن بر قرائت سوره اِنَّا اَرْسَلْنا نُوحاً اِلی قَومِهِ، من یک سال خواندم و اثری ندیدم، بار دیگر به خدمت حضرت نوشتم حال خود را و عرض کردم که از خواندن آن سوره نفعی به من نرسید، حضرت به من نوشتند آن را که یک سال خوانده‌ای کافی است، الحال سوره اِنَّا اَنْزَلْناه را بخوان، من چنین کردم، بعد از اندک وقتی ابن ابی‌داود قرضم را ادا کرد، و وظیفه‌ای برای من و عیالم مقرر کرد و مرا وکیل کرد و به بصره فرستاد، و پانصد درهم برای من مقرّری قرار داد و من از بصره نامه نوشتم به خدمت حضرت امام علی النَّقی‌علیه السلام و به علی بن مهزیار دادم و فرستادم و در آن نامه نوشتم که به پدرت حال خود را عرض نمودم و به من چنین نوشت و عمل کردم، حالم خوب شده است می‌خواهم بفرمایی که آیا اکتفا کنم به خواندن سوره اِنَّا اَنْزَلْناه در نمازهای واجب و سنّت، یا در غیر نماز هم می‌باید خواند و اندازه اش بفرمایی که چه مقداری باید خواند؟ حضرت نوشتند: هیچ سوره از قرآن را ترک مکن نه کوچک و نه بزرگ، و از خواندن اِنَّا اَنْزَلْناه در شبانه روزی صد مرتبه کافی است».(284)
و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم‌علیه السلام منقول است: «هر که بعد از نماز عصر ده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْناه بخواند مثل اعمال جمیع خلایق از ثواب به او کرامت فرمایند».(285)
و به سند معتبر منقول است که: «حضرت امام محمد تقی‌علیه السلام چون در ماه تازه داخل می‌شدند، در روز اول ماه دو رکعت نماز می‌کردند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰه و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه اِنَّا اَنْزَلْناه می‌خواندند و بعد از نماز آنچه میسّر بود تصدّق می‌نمودند و سلامتی آن ماه را به این عمل می‌خریدند».(286)
و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است: «هرکه سوره اِنَّا اَنْزَلْناه را بعد از صبح ده مرتبه و نزد زوال شمس ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بخواند، دو هزار ملک در سی سال ثواب آن را بنویسند و فرمود: هر که هفت مرتبه بعد از طلوع صبح بخواند، هفتاد صف از ملائکه، هفتاد صلوات و هفتاد رحمت بر او بفرستند».(287)
و در حدیث دیگر فرمود: «هرکه سوره اِنَّا اَنْزَلْناه را هزار مرتبه در روز دوشنبه و هزار مرتبه در روز پنجشبه بخواند، حق تعالی از آن ملکی خلق نماید که کف دست او از هفت آسمان و هفت زمین بزرگتر باشد و در بدن او هزار هزار مو خلق کند و از هر مویی هزار هزار زبان بیافریند که هر

زبانی به قوّت جمیع انس و جن استغفار نمایند برای خواننده این سوره، و حق تعالی ثواب استغفار ایشان را دو هزار هزار مرتبه مضاعف گرداند». (288)
و به سند معتبر منقول است که: «ابوعلی بن راشد به خدمت حضرت امام علی النَّقیعلیه السلام عرض نمود که شما به محمد بن الفرج نوشته بودید بهترین سوره‌ها که در نماز واجب خوانند اِنَّا اَنْزَلْناه و قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد است و بر من دشوار است که این دو سوره را در نماز صبح بخوانم، حضرت فرمود: بر تو گران نباشد و اللّه که فضیلت در این دو سوره است».(289)
و به سند صحیح منقول است که: «حمیری به خدمت حضرت صاحب الامرعلیه السلام نوشت که از آباء شما به ما رسیده است حدیثی که عجب دارم از کسی که اِنَّا اَنْزَلْناه در نمازش نمی‌خواند چگونه نمازش مقبول می‌شود».(290)
و روایتی دیگر رسیده است: «نمازی که در آن قُلْ هُوَ اللَّه اَحَد نخوانند مُزَّکی و مقبول نیست و در روایت دیگر رسیده که هرکه در نماز واجبش سوره هُمَزَه را بخواند خیر دنیا به او می‌دهند، پس آیا جایز است که هُمَزَه و آن دو سوره را ترک نماید؟ حضرت در جواب نوشتند: ثواب این سوره‌ها که به شما رسیده، حق است و اگر سوره‌ای را که ثوابی در آن سوره به شما رسیده باشد، ترک کنید و قُلْ هُوَ اللّه و اِنَّا اَنْزَلْناه بخوانید از برای فضیلت این دو سوره ثواب این دو سوره را می‌یابید با ثواب آن سوره که ترک کرده‌اید؛ و اگر غیر این دو سوره را هم بخوانید، جایز است و نماز شما تمام و کامل است؛ ولیکن ترک افضل کرده خواهید بود».(291)
«سورة البیّنة»
از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره لَمْ یَکُن را بخواند از شرک بیزار گردد و دین پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم برای او کامل شود و در قیامت داخل مؤمنان کامل مبعوث شود و خدا او را حساب نماید حساب آسان».(292)
«سورة الزّلزلة»
به سند معتبر از حضرت صادقعلیه السلام منقول است که: «ملال به هم مرسانید از خواندن سوره اِذا زُلْزِلَتْ، به درستی که هر که در نمازهای نافله این سوره را بسیار خواند، هرگز خدا او را به زلزله و صاعقه و آفت های عظیم دنیا مبتلا نگرداند و او را به این آفتها نمیراند و در وقت جان کندن ملک بزرگواری از جانب پروردگارش به نزد او بیاید و بر بالای سرش بایستد و به ملک الموت از جانب حق تعالی بگوید: با رِفق و مدارا سر کن با دوست خدا، که خدا را به خواندن سوره اِذا زُلْزِلَتْ بسیار یاد می‌کرد و این سوره نیز سفارش به ملک الموت کند، پس ملک [الموت گوید: حق تعالی مرا چنین امر فرموده است که سخن او را بشنوم و اطاعت او بکنم

و تا امر نکند قبض روحش نکنم، پس ملک الموت نزد او باشد تا پرده از پیش دیده مؤمن برگیرند و جای خود را در بهشت ببیند و بعد از دیدن او را امر نماید که قبض روحم بکن، پس ملک الموت در نهایت ملایمت و آسانی قبض روح او بکند و هفتاد هزار ملک روح او را مشایعت کنند و به زودی به بهشت رسانند».(293)

و به سند معتبر از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که چهار مرتبه اِذا زُلْزِلَتْ بخواند چنان است که تمام قرآن را خوانده است».(294)

«سورة العادیات»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که مداومت نماید بر خواندن سوره والعادیات با حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام محشور شود و در بهشت از رفقای آن حضرت باشد».(295)

«سورة القارعة»

از حضرت امام محمّد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که سوره قارعه را بسیار تلاوت نماید خدا او را از فتنه دجَّال در دنیا و از حرارت جهنم در آخرت امان بخشد».(296)

«سورة التّکاثر»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اَلْهیکُمُ التَّکاثُر را در نماز واجب خواند حق تعالی ثواب صد شهید برای او بنویسد و هر که در نافله بخواند ثواب پنجاه شهید خدا برای او بنویسد و در نماز واجبش چهل صف از ملائکه با او نماز کنند».(297)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که سوره اَلْهیکُمُ التَّکاثُر را در وقت خواب بخواند خدا او را از عذاب قبر نگاه دارد».(298)

«سورة العصر»

از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که سوره والعصر را در نمازهای نافله بخواند خدا او را در روز قیامت با روی نورانی و دندان خندان و چشم روشن و خوشحال مبعوث گرداند تا او را داخل بهشت کند».(299)

«سورة الهُمَزَة»

از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره وَیْلٌ لِکُلِّ هُمَزَةِ را در نمازهای فریضه بخواند خدا فقر را از او دور گرداند و روزی او را فراخ نماید و او را به مرگ بد نمیراند».(300)

«سورة الفیل والقریش»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در نمازهای واجب سوره اَلَمْ تَرَ کَیْفَ را بخواند برای او شهادت دهند در قیامت هر دشت و

کوهی و کلوخی که او از جمله نماز گذاران بوده است و حق تعالی ندا فرماید: راست گفتید، شهادت شما را قبول کردم؛ ای ملائکه! او را بی حساب داخل بهشت کنید که من او را و عمل او را دوست می‌دارم». (301)
و همچنین از آن حضرت منقول است که: «هر که سوره لاِیلاف را بسیار تلاوت نماید چون مبعوث شود، بر اسبی از اسبان بهشت سوار شود تا بر سر مائده نور بنشیند».(302) بدان که مشهور میان علما آن است که یکی از این دو سوره را به تنهایی در نماز واجب نمی‌توان خواند، بلکه اگر خوانند باهم می‌باید خواند و همچنین است حکم وَالْضُّحی واَلَمْ نَشْرَحْ.
«سورة الماعون»
از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه سوره أَرَاَیْتَ اْلَّذی یُکَذِّبُ بالدّین را در نمازهای فریضه و نافله بخواند از جماعتی باشد که خدا نماز و روزه ایشان را قبول فرموده است و او را در قیامت به اعمال دنیا حساب نکنند».(303)
«سورة الکوثر»
از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام منقول است که: «هرکه سوره اِنَّا اَعْطَیْنا را در نمازهای فریضه و نافله بسیار بخواند خدا در قیامت او را از حوض کوثر آب دهد و او را در زیر درخت طوبی در جوار حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم جا دهد».(304)
«سورة الکافرون»
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُون و قُلْ هُوَ اللَّه را در نماز فریضه بخواند خدا او را و پدر و مادرش را و فرزند پدر و مادرش را بیامرزد، و اگر شقی باشد نام او را از دیوان اشقیا محو نماید و در دیوان سعدا بنویسد و او را در زندگی دنیا سعادتمند بدارد و او را شهید بمیراند و شهید مبعوث گرداند».(305)
و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «پدرم می‌فرمود: قُلْ هُوَ اللَّه ثلث قرآن است و قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُون ربع قرآن». (306)
و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: هر که وقتی که به رختخواب رود و قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُون و قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد بخواند خدای تعالی بیزاری از شرک از برای او بنویسد».(307)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم در سفری نماز کردند و ما به آن حضرت اقتدا کردیم در رکعت اول قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُون خواندند و در رکعت دوم قُلْ هُوَ اللَّهُ و چون فارغ شدند فرمودند: از برای شما ثلث قرآن و ربع قرآن خواندم».(308)

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «ترک مکن خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ و قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُون را در هفت نماز؛ در نافله صبح، و دو رکعت اول نماز پیشین، و دو رکعت اول نماز شام، و دو رکعت اول نماز شب، و نماز احرام، و نماز صبح اگر هوا بسیار روشن شده باشد و سوره طولانی نتوان خواند، و نماز طواف».(309)
و در روایت دیگر وارد شده است که: [امام صادق‌علیه السلام] «در این نمازها در رکعت اول قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد می‌خواند مگر در نافله صبح که در رکعت اوّل قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُون می‌خواند».(310)
«سورة النصر»
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره اِذا جاءَ نَصْرُ اللَّه را در نماز فریضه یا نافله بخواند خدا او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد، و چون از قبر بیرون آید با او نامه‌ای باشد گویا، در آن نامه امان از صراط و از آتش جهنم و صدای جهنم بوده باشد، و بر هر چیز که بگذرد او را بشارت به نیکی دهد تا داخل بهشت شود، و حق تعالی از برای او در دنیا از اسباب خیر آنقدر بگشاید که به خاطرش خطور نکرده باشد و آرزوی آن نداشته باشد».(311)
«سورة ابی لهب»
از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «چون سوره تَبَّتْ یَدا اَبی لَهَبْ را بخوانید لعن و نفرین کنید بر ابولهب که او از جمله تکذیب کنندگان بوده، تکذیب پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم و آنچه آورده است می‌نمود».(312)
«سورة الاخلاص»
به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که سوره قُلْ هُوَ اللَّه را یک مرتبه بخواند حق تعالی بر او برکت فرستد، و هر که دو مرتبه بخواند حق تعالی بر او و اهلش برکت فرستد، و هر که سه مرتبه بخواند حق تعالی به او و اهلش و به همسایگانش برکت دهد، و هر که دوازده مرتبه بخواند خدا در بهشت دوازده قصر از برای او بنا کند و کاتبان اعمال، به یکدیگر گویند که بیایید برویم به قصرهای برادر خود نظر کنیم، و هر که صد مرتبه بخواند خداوند عالمیان گناهان بیست و پنج سال او را بیامرزد به غیر از خون نا حق و مال مردم، و کسی که چهار صد مرتبه بخواند خدا او را اجر چهار صد شهید کرامت فرماید از شهیدان، که اسبان شان را پی کرده باشند و خونشان را ریخته باشند. و کسی که هزار مرتبه در شبانه روز بخواند نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند یا دیگری برای او ببیند».(313)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم بر سعد بن معاذ نماز کردند و فرمودند:

هفتاد هزار ملک بر او نماز کردند که جبرئیل علیه السلام در میان ایشان بود. از جبرئیل‌علیه السلام پرسیدم که به چه عمل مستحق این شده بود که شما بر او نماز کنید؟ گفت: به سبب این که قُلْ هُوَ اللَّه می‌خواند؛ ایستاده و نشسته و سواره و پیاده در رفتن و برگشتن».(314)
و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که صد مرتبه قُلْ هُوَ اللَّه را در وقت خواب بخواند خدای تعالی گناه پنجاه ساله او را بیامرزد».(315)
و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «خود را حفظ نمایید از شرّ مردم به خواندن سوره قُلْ هُوَ اللَّه، رو به جانب راست خود کن و بخوان، و به جانب چپ رو کن و بخوان، و به جانب راه خود رو کن و بخوان، و رو به پشت سر کن و بخوان، و به جانب بالای سر نظر کن و بخوان، و به جانب پایین نظر کن و بخوان؛ و اگر خواهی که نزد حاکم جابری روی چون نظرت بر او افتد سه مرتبه بخوان و هر یک مرتبه که می‌خوانی یک انگشت را عقد کن از دست چپ، و انگشتان را چنین نگاه دار تا از نزد او بیرون آیی».(316)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که یک روز بر او بگذرد و پنج نماز کند و در آن پنج نماز قُلْ هُوَ اللَّه نخواند، به او خطاب کنند که ای بنده خدا تو از نماز گزاران نیستی».(317)
و به سند معتبر دیگر منقول است از آن حضرت که: «هر که بر او یک هفته بگذرد و قُلْ هُوَ اللَّه در آن هفته نخواند و بمیرد بر دین ابی لهب مرده باشد».(318)
و در حدیث دیگر فرمود: «هر که او را مرضی پیش آید یا شدّتی رو دهد قُلْ هُوَ اللَّه از برای رفع آن نخواند، او از اهل آتش است».(319)
و در حدیث دیگر فرمود: «هر که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشد باید که بعد از نماز واجب، خواندن قُلْ هُوَ اللَّه را ترک ننماید؛ به درستی که هر که بعد از فریضه قُلْ هُوَ اللَّه بخواند، خدا به او خیر دنیا و آخرت کرامت فرماید، و گناهان او و پدر و مادر او را و فرزندان پدر و مادر او را بیامرزد».(320)
و به سند صحیح از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «هرکه سوره قُلْ هُوَ اللَّه را بعد از نماز صبح یازده مرتبه بخواند در آن روز بر او گناهی لازم نشود؛ هرچند بینی شیطان بر خاک مالیده شود».(321)
و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «کسی که به رختخواب رود و یازده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّه بخواند، خدا خانه او و خانه همسایگانش را حفظ نماید».(322)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «هرکه در وقت خواب قُلْ هُوَ اللَّه بخواند حق تعالی پنجاه هزار مَلَک موکل

گرداند که او را در آن شب حراست نمایند».(323)
و از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هرکه در وقت خواب قُلْ هُوَ اللَّه را بخواند گناه پنجاه ساله او آمرزیده شود».(324)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه یک مرتبه قُلْ هُوَ اللَّه اَحَد بخواند چنان باشد که ثلث قرآن و ثلث تورات و ثلث انجیل و ثلث زبور را خوانده باشد».(325)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «حق تعالی به عوض باغ فدک به حضرت فاطمه‌علیها السلام اطاعت تب را کرامت فرمود که تب مطیع آن حضرت باشد، پس هر که حضرت فاطمه‌علیها السلام و فرزندان او را دوست دارد و تبی به هم رساند و هزار مرتبه قُلْ هُوَ اللَّه اَحَد بخواند و به حق فاطمه سؤال نماید زوال تب را، تب او به امر الهی زایل گردد».(326)
و از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که را صداعی یا غیر آن عارض شود و دستهای خود را بگشاید و سوره فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّه و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِ الْفَلَقْ و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِ الْناسْ بخواند و دست بر روی خود بکشد، آن آزار بر طرف شود».(327)
«سورة الفلق و سورة النَّاس»
به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «سبب نزول معوّذتین آن بود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم تب به هم رسانیدند، جبرئیل‌علیه السلام این دو سوره را آورد و تعویذ آن حضرت گردانید».(328)
و به سند معتبر از صابر منقول است که: «حضرت صادق‌علیه السلام امامت ما کردند در نماز شام، معوّذتین خواندند و بعد از فراغ فرمودند: این دو سوره از قرآن است».(329)
و از حضرت امام رضاعلیه السلام به سند معتبر منقول است که: «هرکه در حدّ صبا(330) و طفولیت تعهد نماید در هر شبی خواندن قُلْ اَعُوذُ بِرَبِ الْفَلَقْ و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِ الْناسْ را هر یک سه مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّه را صد مرتبه و اگر نتواند پنجاه مرتبه، حق تعالی از او دور گرداند دیوانگی و مرض هایی را که عارض اطفال می‌شود و استسقا و فساد معده و غلبه خون را تا سنّ پیری، مادام که تعهد و مداومت بر این نماید».(331)
و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «@هرکه در سه رکعت وتر، معوّذتین و قُلْ هُوَ اللَّه بخواند به او خطاب کنند که ای بنده خدا بشارت باد تو را که خدا وترت را قبول کرد».(332)
و به سند صحیح از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکهٍ بعد

از نماز جمعه سوره حمد را یک مرتبه و هریک از معوّذتین و قُلْ هُوَ اللّه را هفت مرتبه و آیة الکرسی و آیة السخرة و آخر سوره برائت، «لَقَدْ جآءکُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِکُمْ ... الخ»، هریک را یک مرتبه بخواند کفاره گناهان او باشد از جمعه تا جمعه دیگر».(333)
از معمر بن خلاد منقول است که: «در خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام بودم در راه خراسان و وکیل آن حضرت بودم، و مرا امر فرمود که غالیه(334) راست کن، چون راست کردم و در شیشه کردم، حضرت را بسیار خوش آمد؛ پس فرمود: ای معمر! چشم زدن حق است از برای دفع تأثیر چشم زدن در کاغذی سوره حمد و قُلْ هُوَ اللّه و معوّذتین را بنویس و در غلاف شیشه غالیه بگذار».(335)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که فرمود: «تأثیر چشم زدن حق است و ایمن نیستی که چشم خودت در تو یا در دیگری تأثیر کند، پس اگر از تأثیر چشم بترسی سه مرتبه بگو: ماشآءَاللهُ لاقُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ الْعَلّیِ الْعَظیمِ. و اگر یکی از شما زینتی کند که خوشایند باشد چون از منزل خود بیرون رود قُلْ اَعُوذُ بِرَبِ الْفَلَقْ و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِ الْناسْ بخواند که از چشم به او ضرر نرسد به اذن خدا».(336)
و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «کسی که در خواب ترسد در وقت خواب معوّذتین و آیةالکرسی بخواند».(337)

تنویر دوم: در بیان فضل دعا وشرایط و آداب آن است

تنویر دوم: در بیان فضل دعا وشرایط و آداب آن

است و این مشتمل است بر چند نجم:

- z نجم اوّل: در بیان فضیلت دعا و فواید آن است
- z نجم دوم: در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا
- z نجم سوّم: در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها

بدان که افضل عبادات و نزدیکترین راههای قرب بنده به جناب قاضی الحاجات طریقه دعا و تضرّع و مناجات است، و به کثرت دعا و مناجات، یقین به ذات و صفات کمالیّه الهی زیاده می‌گردد، و توکّل و تفویض به جناب مقدّس او بیشتر می‌شود، و موجب قطع طمع ها و علایق از خلق می‌شود، و همین طریقه از جمیع ائمّه ما صلوات اللّه علیهم اجمعین منقول است که بعد از ادای فرایض و سنن پیوسته مشغول تضرّع و مناجات بوده‌اند، بخصوص حضرت سیِّد السَّاجدین‌علیه السلام، چنانچه حق تعالی می‌فرماید:
«وَ قالَ رَبُّكُمْ اُدْعُونی اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذینَ یَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ».(338)
یعنی: «گفت: پروردگار شما که بخوانید مرا در جمیع مطالب تا دعای شما را مستجاب کنم، به درستی که آن جماعت که تکبّر می‌نمایند و سرکشی می‌کنند از عبادت من، زود باشد که داخل جهنم شوند با مذلّت و خواری».
و در احادیث بسیار از ائمّه اطهارعلیهم السلام منقول است که: «مراد از عبادت در این آیه دعا است».(339) پس حق تعالی اوّل امر به دعا فرموده و دیگر وعده استجابت نموده، و بعد از آن، دعا را عبادت شمرده و ترک دعا را تکبّر خوانده و بر ترکش وعده دخول جهنم فرموده و در موضع دیگر می‌فرماید:
«وَاِذا سَاَلَكَ عِبادی عَنّی فَاِنّی قَریبٌ اُجیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجیبُوا لی وَلْیُؤْمِنُوا بی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ».(340)
که ترجمه‌اش این است: چون سؤال نمایند از تو بندگان من، از صفت من، یا نزدیکی و دوری من، یا کیفیّت دعا کردن من که آهسته دعا کنند یا بلند، پس بگو به ایشان که من نزدیکم به ایشان به علم و احاطه و لطف و رحمت، و مستجاب می‌گردانم دعای دعا کننده را در هنگامی که مرا خواند، پس باید که بندگان اجابت کنند مرا در دعا کردن که از ایشان طلبیده ام، یا آن که چون من اجابت می‌کنم در دعا باید که ایشان اجابت من کنند در جمیع تکالیف من، و باید که ایمان آورند به وعده من در اجابت دعا و در ایمان خود ثابت باشند، شاید که راه راست یابند و به رشد و صلاح خود پی برند.
و به سند معتبر منقول است که: «از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام پرسیدند: کدام عبادت بهتر و افضل است؟ حضرت فرمود: هیچ عبادتی بهتر نیست نزد حق تعالی از آن که از او سؤال نمایند، و از رحمت های غیر متناهی که نزد اوست طلب نمایند، و هیچ کس نزد خدا دشمن‌تر و بدتر

نیست از کسی که تکبّر کند از عبادت الهی که دعا است، و از عطا ها و رحمت های الهی سؤال ننماید».(341)
از میسر بن عبدالعزیز منقول است که: حضرت صادق‌علیه السلام فرمود: «ای میسر! دعا بکن و مگو که هر چه مقدّر شده است خواهد شد، به درستی که نزد خدا منزلتی هست که به آن نمی‌توان رسید مگر به دعا و مسألت، و اگر کسی دهان خود را ببندد و دعا نکند و سؤال ننماید از خدا، چیزی به او نمی‌دهد پس بطلب تا عطا کند. ای میسر! هر که دری را بسیار بکوبد البته برویش می‌گشایند».(342)
و در حدیث دیگر فرمود: «هر که از فضل خدا سؤال ننماید فقیر می‌شود». (343)
و در حدیث دیگر فرمود: «بر شما باد به دعا، به درستی که شما را قرب به خدا حاصل نمی‌شود به عبادتی مثل دعا، و ترک مکنید طلب کردنِ حاجت کوچکی را برای خوردی آن حاجت، به درستی که حاجت کوچک و بزرگ همه به دست خدا است».(344)
و در حدیث دیگر فرمود: «حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام می‌فرمود که: محبوب‌ترین اعمال نزد حق تعالی در زمین دعا است و فرمود: حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام دعا بسیار می‌کردند».(345)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «دعا حربه مؤمن است برای دفع دشمنان، و عمود دین است که به آن دین مؤمن برپاست و نور آسمان و زمین است».(346)
و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که: «به صحابه فرمودند: می‌خواهید دلالت کنم شما را بر حربه و سلاحی که شما را نجات دهد از شرّ دشمنان شما، و شما را روزی زیاده گرداند؟ گفتند: بلی. فرمود: دعا کنید و بخوانید پروردگار خود را در شب و روز، به درستی که حربه مؤمن دعاست».(347)
و حضرت امام رضاعلیه السلام فرمود: «برشما باد به حربه پیغمبران که آن دعاست».(348) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «دعا از نیزه تیز، کارگر تر است».(349) و فرمود: «دعا ردّ می‌کند قضا را هر چند از آسمان نازل شده و محکم گردیده باشد».(350) و فرمود: «بسیار دعا کنید که دعا کلید جمیع رحمت ها است، و موجب فیروزی به همه حاجت ها است، و به کرامتهای الهی نمی‌توان رسید مگر به دعا، و هر دری را که بسیار می‌کوبند البته به روی آدمی می‌گشایند».(351)
و در حدیث دیگر فرمود: «بر تو باد به دعا که شفای جمیع دردها است». (352)
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «هر بلایی که بر بنده مؤمن نازل شود و خدا او را دعا الهام نماید البته آن بلا، زود زایل

گردد. و هر بلایی که بر مؤمن نازل شود و توفیق دعا نیابد و ترک کند، البته آن بلا بطول می‌انجامد؛ پس بر شما باد به دعا و تضرّع به سوی خداوند عالمیان».(353)
و حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «دوا کنید بیماران خود را به تصدّق، ودفع کنید انواع بلاها را به دعا، و حفظ کنید مالهای خود را به دادن زکات؛ به درستی که هیچ مرغی به دام نمی‌افتد مگر آن که تسبیح خود را ترک نماید».(354)
و حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمود: «دفع کنید موجهای بلا را از خود به دعا پیش از آن که نازل گردد، به حق خداوندی که دانه را شکافته و انواع گیاه را از آن بیرون آورده، و خلایق را خلق فرموده، که بلا به سوی مؤمن تندتر می‌آید از سیلی که از بالای کوه به پایین آید و از دویدن اسبان تند، و هیچ نعمتی و طراوت عیشی از بندگان برطرف نمی‌شود مگر به گناهان ایشان، اگر استقبال کنند بلا را به دعا و تضرّع و انابت و توبه، بر ایشان نازل نخواهد شد، و اگر وقتی که بلا نازل شود و نعمت از ایشان زایل گردد به خدا پناه برند و تضرّع نمایند با نیَّت های درست، و سستی نورزند در عبادت و بندگی، و ترک گناهان بکنند؛ البته خدا هر فاسدی را برای ایشان به اصلاح می‌آورد و هر نعمتی را که از ایشان سلب نموده، به ایشان بر می‌گرداند».(355)
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «سه چیز است که به آنها هیچ [چیز] ضرر نمی‌کند، دعا کردن در هنگام بلاها و شدّت ها، و استغفار کردن بعد از گناه، و شکر کردن در وقت نعمت».(356)
و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی روزی‌های مؤمنان را از جاهای چند مقرر فرموده که گمان نداشته باشند، زیرا بنده هرگاه نداند که روزیش از کجا می‌رسد، دعا بسیار می‌کند».(357)
و در حدیث دیگر فرمود: «هر که را چهار چیز عطا فرمایند، او را از چهار چیز محروم نمی‌گردانند؛ هر که را دعا دادند از اجابت محروم نمی‌سازند، و هر که را استغفار کرامت کردند توبه‌اش را قبول می‌فرمایند، و هر که را شکر عطا کردند نعمتش را زیاده می‌کنند، و هر که را صبر دادند از اجر و ثواب محروم نمی‌گردانند».(358)

نجم دوم: «در توضیح مجملی از شرایط و آداب دعا»

بدان که چون دعا مکالمه و سخن گفتن و عرض نیاز کردن است به حضرت قاضی الحاجات، باید که آدمی معنی دعا را بداند و بفهمد، و با حضور قلب دعا کند، و لااقل آدابی [را] که در حاجت طلبیدن از مخلوقین - که در عجز و ناتوانی مثل اویند - رعایت می‌نماید، همان قدر را در حاجت طلبیدن از خداوند عظیم الشأن - که خالق و رازق ومالک جمیع امور اوست - رعایت کند؛ و ظاهر است که اگر کسی حاجتی به مخلوقی عرض کند چند چیز را رعایت می‌کند:

اول، آن که بداند که چه می‌گوید، و اگر از روی مستی و بی خبری حرفی گوید با بزرگی، و دلش از آنچه می‌گوید خبر نداشته باشد، اگر سیاستش نکنند به سخنش نیز اعتنایی نخواهند کرد، پس در هنگام مناجات با خداوند خود، باید که دلش خبر داشته باشد از آنچه بر زبانش جاری می‌شود، و از روی جدّ و جهد و اهتمام طلب نماید، و به حاجت خود بی اعتنا نباشد.

چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «حق تعالی قبول نمی‌فرماید دعایی را که از دل غافل صادر شود و فرمود: چون برای میّت خود دعا کنید چنین دعا نکنید که دل شما از آن غافل باشد، ولیکن باید که جهد وسعی کنید از برای او در دعا».(359) و حضرت صادق‌علیه السلام فرمود: «خدا مستجاب نمی‌کند دعایی را که با دل سخت و صاحب قساوت دعا کنند».(360)

و در حدیث دیگر فرمود: «خدا مستجاب نمی‌کند دعایی را که با دل فراموش کارِ غافل کنند. پس هر گاه دعا کنید دل خود را با خدا دارید و یقین کنید که دعای شما مستجاب است».(361)

دوم، آن که کسی را که شخصی برای دفع شداید به او پناه می‌برد البته پیوسته ملازمت او می‌کند، و در غیر حال شدت به او پناه می‌برد، تا هنگام شدت و بلایی که رو می‌دهد، روی آن داشته باشد که به او پناه برد، همچنین باید که در درگاه خالق در حالت نعمت دعا و تضرع کند، و خدا را به سبب وفور نعمت فراموش نکند، تا در حال شدت ها و سختیها که پناه به او برند، حاجت به زودی برآورده شود، با آن که هیچ آنی نیست که بنده را، صد هزار گونه احتیاج در امور دنیا و آخرت، به جناب مقدّس ایزدی نباشد.

چنانچه به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام منقول است که: «کسی که پیش از نزول بلا پیوسته دعا کند، چون بلا نازل شود دعایش مستجاب [است] و ملائکه می‌گویند: این صدای آشنایی است، و دعای او را از آسمان منع نمی‌کنند؛ و کسی که پیش از نزول بلا پیوسته دعا نکند،

بعد از بلا دعایش مستجاب نیست و ملائکه می‌گویند که: ما این صدا را نمی‌شناسیم. و در حدیث دیگر فرمود که: کسی که پیش از نزول بلایی ترسد و پیش از نزول آن بلا دعاکند برای رفع آن بلا، خدا آن بلا را هرگز به او ننماید».(362)
و در حدیث دیگر فرمود: «کسی که خواهد دعای او در شدّت ها مستجاب شود باید که در هنگام رخا و نعمت دعا بسیار بکند».(363) و بر این مضمون احادیث بسیار است.
سوم، آن که کسی که به مخلوقی حاجتی دارد، خدمات شایسته برای او می‌کند که مرضیّ طبع او باشد، و از چیزهایی که کراهت دارد اجتناب می‌نماید تا چون حاجتی از او بخواهد برآورده شود، همچنین در درگاه خدا هر که عبادت و بندگی و اطاعت الهی بیشتر کرده است دعایش به اجابت نزدیک‌تر است؛ چنان که امیرالمؤمنین‌علیه السلام در این حدیث فرموده‌اند: «دعای بی عملِ صالح، از باب تیر انداختن از کمان بی زه است».(364)
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که: «بهترین دعاها آن است که صادر شود از سینه پاکیزه از عیب‌ها و صفات ذمیمه و دل پرهیزکار؛ و در مناجات [است] سبب نجات؛ و به اخلاص در اعمال، خلاصی از عقاب حاصل می‌شود؛ پس هرگاه فزع و خوف شما بسیار شود پناه به خداوند خود برید».(365)
و به سند معتبر منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت صادق‌علیه السلام عرض نمود که حق تعالی می‌فرماید: دعا کنید تا دعای شما را مستجاب گردانم، و ما دعا می‌کنیم و مستجاب نمی‌شود. حضرت فرمود: دعای شما برای آن مستجاب نمی‌شود که وفا نمی‌کنید به پیمان هایی که حق تعالی از شما گرفته است در عمل نمودن به اوامر و ترک نمودن مناهی، و حق تعالی می‌فرماید: وفا کنید به عهد و پیمان من تا وفا کنم به عهد و پیمان شما، واللّه! اگر شما وفا کنید از برای خدا، خدا نیز وفا می‌کند از برای شما».(366)
و از نوف بکالی منقول است که: «حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمود: حق تعالی وحی نمود به حضرت عیسی علیه السلام که بگو به گروه بنی اسرائیل داخل خانه‌ای از خانه‌های من نشوید مگر با دلهای طاهر و پاک، و دیده‌های خاشع و دستهای پاکیزه از کثافت حرام و شبهه، و بگو به ایشان که بدانید از هیچ یک از شما دعایی مستجاب نمی‌کنم هر گاه مظلمه کسی نزد او باشد، و مال کسی به ظلم در ذمّه او باشد».(367)
و در ابواب سابقه گذشت حدیثی که هر که خواهد که دعایش مستجاب شود باید کسبش را حلال کند، و این امر بسی ظاهر است که هر چند آدمی را قرب زیاده می‌شود دعایش به قبول نزدیک‌تر است، چنانچه نزد

پادشاهان ظاهر هر که قربش بیشتر است حاجتش روا تر است.
و ایضاً چنانچه سابقاً تحقیق کردیم، هر چند مناسبت میان فاعل و قابل بیشتر می‌شود قابلیّت استفاضه زیاده می‌شود، و مانعی که از فیض هست از طرف قابل است، هر چند قابل کاملتر می‌شود مانع کمتر می‌شود و قابلیّت رحمت، زیاده می‌شود و فیض بیشتر فایض می‌شود.
چهارم، از شرایط استجابت دعا، کمال معرفت آن خداوندی است که از او حاجتی می‌طلبد، و چنانچه در گذشته مجملی اشاره کردیم که هر کسی خدای را به قدر معرفت شناخته، در خور آن معرفت از او فیض می‌برد و از خداوندِ شناخته خود سؤال می‌کند؛ پس هرقدر که از مراتب قدرت و رحمت و کرم و عظمت و جلال و سایر صفات کمال را تمام و کامل می‌شناسد تأثیرات آن صفات به او زیاده عاید می‌گردد؛ و به این معنی اشاره دارد آن حدیث که به اسناد بسیار منقول است که: «من نزد گمان نیکویی که بنده ام به من دارد هستم، هر قدر که گمان او به من نیکوتر است، من به او نیکوتر معامله می‌نمایم».(368)
و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که: «جماعتی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمودند که چه علت دارد که ما دعا می‌کنیم و دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ حضرت فرمود: زیرا شما کسی را دعا می‌کنید که نمی‌شناسید».(369)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «چون دعا کنی گمان کن که حاجت در خانه تو است».(370)
و در حدیث دیگر فرمود: «اگر کسی از شما خواهد که از خدا هر حاجتی که سؤال نماید به او عطا کند، باید که از همه مردم مأیوس و نا امید باشد و از غیر خدا امید نداشته باشد. پس چون خدا این حالت را از دل او یابد هرچه سؤال کند به او عطا نماید».(371) و این معنی در باب سؤال از مخلوقین هم ظاهر است که هر که عظمت پادشاهی را بیشتر [می‌داند] و وسعت ملک و خزانه و کرم او را بیشتر می‌داند، توقع عطا از او زیاده دارد، و پادشاه نیز در خور متوقع او و شناسایی او به او عطا می‌کند. در این باب سخن بسیار است و این رساله گنجایش تفصیل آن ندارد.
پنجم، از شرایط استجابت، مبالغه و الحاح در دعاست، و الحاح نزد مخلوقین، به اعتبار تنگی حوصله و قلّت کرم ایشان بد نما است، اما حق تعالی دوست می‌دارد به سبب وسعت لطف و رحمت نامتناهی که نزد او [است] در سؤال مبالغه و الحاح نمایند.
چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: «واللّه! الحاح نمی‌نماید بنده مؤمنی بر حاجت خود، مگر این که حق تعالی حاجت او را برمی‌آورد».(372) و حضرت صادق علیه السلام فرمود: «حق تعالی مکروه و دشمن می‌دارد الحاح کردن مردم را بر یکدیگر در سؤال، و این را

از برای خود پسندیده و دوست می‌دارد که از او سؤال نمایند و از آنچه نزد اوست طلب نمایند».(373)
و حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «حق تعالی رحم کند بر بنده ای که طلب نماید از حق تعالی حاجتی را، پس الحاح نماید در دعا، خواه مستجاب شود دعای او و خواه نشود».(374)
و حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام فرمود: بنده چون دعا می‌کند حق تعالی پیوسته در مقام برآوردن حاجت اوست، مادام که استعجال نکند».(375)
و در حدیث دیگر فرمود: «حق تعالی مراد بندگان خود را می‌داند در هنگامی که او را دعا می‌کنند، ولکن دوست می‌دارد که حاجتهای خود را بیان کنند و نزد او ذکر کنند».(376)
ششم، از آداب دعا مخفی گردانیدن دعاست، زیرا که کریمان مخفی حاجت را طلبیدن، دوست‌تر می‌دارند. و دعای پنهان به اخلاص نزدیک‌تر، و از ریا دورتر است.
چنانچه از حضرت علی بن موسی الرضاعلیهما السلام منقول است که: «یک دعای مخفی به جا آوری بهتر است از هفتاد دعا که اظهار نمایی و علانیه به جا آوری».(377)
و اگر حاجت عظیمی داشته باشد استعانت به دعای مؤمنان بجوید و در مجامع ایشان دعا کند نیز خوبست. و اگر منظور ناچیز دانستن خود و حقیر شمردن دعای خود باشد و از ریا ایمن باشد، در مجامع دعا کردن بهتر است. و برکات انفاس مؤمنان و اجتماعات ایشان بسیار است، و خود را در میان رحمت های عامی که برایشان نازل می‌شود داخل گردانیدن، فوز عظیم است.
چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «چهل نفر که جمع شوند دعا کنند البته دعای ایشان مستجاب است، و اگر چهل نفر به هم نرسد چهار نفر که هر یک ده مرتبه خدا را در حاجتی بخوانند البته حق تعالی دعای ایشان را مستجاب می‌کند، و اگر چهار نفر نباشند و یک نفر خدا را چهل مرتبه در حاجتی بخواند البته خداوند عزیز جبّار دعایش را مستجاب می‌گرداند».(378)
و در حدیث دیگر فرمود: «چهار نفر جمع نمی‌شوند برای دعا مگر آن که وقتی که متفرق می‌شوند دعای ایشان مستجاب شده است، و فرمود: پدرم را حاجتی که رو می‌داد زنان و اطفال را جمع می‌فرمود و دعا می‌کرد و ایشان آمین می‌گفتند».(379)
و در حدیث دیگر فرمود: «دعا خواننده و آمین گوینده در ثواب شریکند».(380)
هفتم، رعایت نمودن اوقاتی است که مظنّه استجابت دعا است، زیرا که

حق تعالی بعضی از زمانها و مکانها را در استجابت دخیل گردانیده است.
چنانچه از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «طلب نمایید دعا را در چهار ساعت؛ نزد وزیدن بادها، و گردیدن سایه‌ها یعنی اول پیشین، (381) و نزد آمدن باران، و نزد ریختن اول قطره از خون مؤمنی که شهید شود بر زمین، به درستی که درهای آسمان را در این اوقات می‌گشایند». (382)
و در حدیث دیگر فرمود: «دعا در چهار محل مستجاب است؛ در نماز وتر، و بعد از نماز صبح، و بعد از نماز شام، و بعد از نماز ظهر».(383)
و حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمود: «غنیمت شمارید دعا را در چهار وقت؛ نزد خواندن قرآن، و نزد اذان، و نزد آمدن باران، و نزد ملاقات کردن دو صف برای شهادت».(384)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بهترین وقتها که خدا را بخوانید سحرها است».(385) و منقول است که: «چون حضرت صادق‌علیه السلام اراده طلب حاجتی داشتند نزد زوال شمس طلب می‌نمودند، و چون این اراده می‌نمودند اول چیزی تصدّق می‌کردند و خود را به بوی خوش، خوشبو می‌کردند و به مسجد می‌رفتند و حاجات خود را می‌طلبیدند».(386)
و حضرت امام محمد باقرعلیه السلام فرمودند: «حق تعالی از بندگان خود دوست می‌دارد هر بنده را که بسیار دعا کند؛ پس بر شما باد به دعا کردن در سحر تا طلوع آفتاب، به درستی که این ساعتی است که درهای آسمان گشوده می‌شود و روزی‌ها قسمت می‌شوند، و حاجتهای عظیم برآورده می‌شود».(387)
و حضرت صادق‌علیه السلام فرمود: «در شب ساعتی هست که هرکه توفیق بیابد که در آن ساعت نماز کند و خدا را بخواند، البته دعایش مستجاب است در هر شبی که باشد، و آن بعد از نصف شب است تا به قدر سدس(388) شب بگذرد».(389)
و در حدیث دیگر فرمود: «سه وقت است حاجت بنده از خدا محجوب نمی‌شود، بعد از نماز واجب، و نزد آمدن باران، و نزد ظاهر شدن معجزه از حجتهای خدا در زمین».(390)
و حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمود: «کسی را که به سوی پروردگار خود حاجتی باشد در سه ساعت طلب نماید: در ساعتی در روز جمعه، و ساعتی که زوال شمس می‌شود که در آن وقت بادهای رحمت می‌وزد و درهای آسمان گشاده می‌شود و رحمت الهی نازل می‌گردد و خروس به آواز می‌آید؛ و یک ساعت در آخر شب نزدیک طلوع صبح، به درستی که در سحر دو ملک ندا می‌کنند از جانب حق تعالی، که آیا کسی هست که در این وقت توبه کند تا توبه‌اش را قبول کنیم؟ آیا کسی هست که سؤال کند و به

او عطا کنیم؟ آیا کسی هست که طلب آمرزش کند تا گناهش را بیامرزیم؟ آیا کسی هست که حاجتی داشته باشد و عرض کند تا حاجتش را برآوریم؟ پس اجابت نمایید در آن وقت داعی خدا را؛ و طلب نمایید روزی را در مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب که آن، دخیل تر است در روزی از سفرها کردن برای تجارت، و آن ساعتی است که خدا در میان بندگان خود روزی قسمت می‌فرماید».(391)

و فرمود: «درهای آسمان را برای شما می‌گشایند در پنج وقت: نزد آمدن باران، و نزد جهاد فی سبیل اللَّه، و نزد اذان، و نزد خواندن قرآن، و نزد زوال آفتاب، و نزد طلوع صبح».(392)

و حضرت صادق‌علیه السلام فرمود: «ساعتی که در آن ساعت دعا مستجاب می‌شود در روز جمعه، وقتی است که امام از خطبه فارغ شود تا وقتی که مردم به نماز برخیزند؛ و ساعت دیگر، آخر روز جمعه است تا فرو رفتن آفتاب».(393) و در حدیث دیگر فرمود: «ساعت استجابت اوّل زوال است».(394)

و از حضرت امام زین العابدین‌علیه السلام منقول است که: «حضرت فاطمه‌علیها السلام فرمود: از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می‌فرمود: در روز جمعه ساعتی هست که هر مسلمانی در آن ساعت از خدا چیزی طلب نماید البته به او عطا فرماید، گفتم: یا رسول اللَّه! کدام ساعت است؟ فرمود: وقتی که نصف قرص آفتاب فرو رود. پس حضرت امام زین العابدین‌علیه السلام فرمود که: حضرت فاطمه‌علیها السلام به غلام خود می‌فرمود: برو بر بلندی و چون ببینی که نصف قرص آفتاب غروب کرد، مرا اعلام کن که من دعا کنم».(395)

و به سندهای معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که فرمود: «بر تو باد به دعا کردن در وقتی که در سجود باشی که بنده در سجود از جمیع احوال به خدا نزدیک‌تر است».(396)

هشتم، از شرایط و آداب دعا، تضرّع و زیادت مذلّت و شکستگی است؛ چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرگاه شما را رقّت به هم رسد دعا کنید که دل را رقّت حاصل نمی‌شود، مگر وقتی که از برای خدا خالص گردد و متوجه خدا شود، و آن علامت استجابت است».(397)

و در حدیث دیگر فرمود: «چون بدن تو قُشَعْریره(398) آید و بلرزد و چشمانت گریان شود، پس در دعا اهتمام کن که رحمت الهی متوجه تو گردیده و هنگام اجابت است».(399)

و در حدیث دیگر فرمود: «اگر از امری خایف باشی یا حاجتی به خدا داشته باشی، اول خدای را به بزرگی و عظمت یاد کن و بر او ثنا کن چنان که او سزاوار است، و صلوات بر محمّد و آل او صلوات اللَّه علیهم اجمعین

بفرست و حاجت خود را بطلب، و خود را به گریه بدار و سعی کن که گریه کنی اگر چه به مقدار سر مگسی باشد، به درستی که پدرم می‌فرمود که: نزدیکترین حالات بنده به خدا در هنگامی است که در سجده باشد و گریان باشد».(400)
و تضرّعاتی که به دست می‌باشد در حالت دعا، موافق احادیث معتبره آن است که: اگر هنگام رغبت و رجا باشد، کف دست را به سوی آسمان کنی، چنانچه دست پیش کسی داری که چیزی به دستت دهد؛ و اگر حالت خوف و بیم باشد، پشت دستها را به آسمان می‌داری، یعنی من از اعمال خود ناامید شده‌ام، و از کثرت بدی اعمال روی طلب از تو ندارم؛ و در حالت تضرّع انگشت سبّابه راست را به جانب راست و چپ حرکت می‌دهی که نمی‌دانم از اصحاب یمینم یا از اصحاب شمال، و از نیکوکارانم نزد تو یا از بدکاران؛ و در هنگام تبتّل و انقطاع، انگشت سبّابه دست چپ را بلند می‌کنی و پست می‌کنی، مانند کسی که به ابرام چیز از کسی طلبد، یا اشاره به آن است که نمی‌دانم مرا بلند می‌کنی یا پست خواهی گذاشت؛ و در هنگامی که گریه بسیار شود و اسباب و علامت اجابت ظاهر گردد، دستها را از جانب سر بلند می‌کنی یا از پیش روی خود پیش می‌بری، که گویا حاجتم را داده‌اند، و دست فراز می‌کنم که بگیرم».(401)
ای عزیز! ببین که حق تعالی به آن مرتبه جلال و عظمت و استغنا و بی‌نیازی، با گدایان خوان احسانش چه نحو سلوک کرده، و ایشان را رخصت چه گستاخی ها داده و به آن رفعت شأن، خود را چه نزدیک گردانیده، و به این وسائل بندگان را به آشنایی خود خوانده، و بندگان با نهایت احتیاج و پستی چه مستغنیانه(402) با پروردگار خود سلوک می‌نمایند، و رو از چنین خداوند کریمی که پیوسته خوان احسانش را برای نیکوکار و بد کار کشیده می‌گردانند، و رو به عاجزان و لئیمان ممکنات می‌برند و از رحمت های خدا، خود را محروم می‌گردانند.
نهم، بدان که کسی را که حاجتی به درگاه بزرگی باشد اوّل یساولان(403) و دربانان آن درگاه را از خود خشنود می‌گرداند که دخول مجلس پادشاه او را به آسانی حاصل شود و حاجتش زودتر برآورده شود؛ دربانان درگاه مالک الملوک، فقرا و مسکینانند، باید که پیش از طلب حاجت تصدّقی بکند تا حاجتش زودتر برآورده شود.
چنانچه از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که فرمود: «هرگاه از شما احدی بیمار شود طبیب را می‌طلبد و به او چیزی می‌دهد، و اگر حاجتی به پادشاهی دارد رشوه به دربانان می‌دهد؛ پس اگر حاجتی به خدا داشته باشد باید که تصدقی بکند خواه کم و خواه زیاد».
دهم، آن که اگر کسی حاجتی دارد، گاه هست که در درگاه کریمان حاجت دیگران را وسیله حاجت خود می‌کند؛ به این که یا اوّل حاِجت دیگران را

مقدم می‌دارد که آن کریم را خوش آید که او اهتمام به شأن دیگران زیاده از خود دارد و این معنی موجب زیادتی حاجت روایی او است؛ یا آن که آن حاجتی که خود دارد برای دیگران می‌طلبد تا کریم بداند که با وجود احتیاج خود، آن حاجت را برای دیگران می‌طلبد، پس آن حاجت را برای او نیز بر وجه اکمل روا کند؛ یا آن که در هنگام حاجت خواستن، دیگران را با خود شریک می‌گرداند، و این معنی نیز خوش آیند طبع کریمان است که آدمی همین در فکر خود نباشد و دیگران را در وقتی که احسانی به او می‌رسد فراموش نکند، چنانچه حق تعالی در سوره فاتحة الکتاب حین تعلیم بندگان فرموده که در عرض عبادت و طلب استعانت، دیگران را با خود شریک کند.
و حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «چون یکی از شما دعا بکند و مخصوص خود نگرداند، دعا به استجابت نزدیک‌تر می‌شود».(404)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه چهل مؤمن را مقدم دارد و از برای ایشان دعا کند و بعد از آن برای خود دعا کند، دعایش مستجاب می‌گردد».(405)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هیچ دعایی زودتر مستجاب نمی‌شود از دعای غایبی برای غایبی».(406)
حضرت امام محمد باقرعلیه السلام فرمود: «نزدیکترین دعاها به اجابت، دعای مؤمنی است که از برای برادرِ مؤمن خود کند غایبانه، پس ملکی موکّل است به دعای او که می‌گوید: آمین؛ و از برای تو خدا دوبرابر آنچه از برای برادر خود دعا کردی عطا می‌فرماید».(407)
و حضرت صادق‌علیه السلام فرمود که: «دعا از برای برادر مؤمن خود غایبانه کردن، باعث زیادتی روزی می‌شود و بلاها را دفع می‌کند».(408)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر مؤمنی که از برای مؤمنین و مؤمنات دعا کند، خدا به عدد هر مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد، از اول تا آخر دنیا، به مثل آنچه برای ایشان دعا کرده است به او برگرداند؛ و به درستی که بنده را در قیامت امر کنند که به جهنم برند، پس ملائکه او را کِشند که به جهنم برند، در آن حال مؤمنان و مؤمنات گویند: پروردگارا! این بنده در دنیا برای ما دعا می‌کرد ما را شفاعت ده در حق او، پس خدا ایشان را شفیع او گرداند و به شفاعت ایشان نجات یابد».(409)
و از ابراهیم بن هاشم منقول است که گفت: «عبداللَّه بن جندب را در عرفات دیدم که هیچ کس وقوف را از او بهتر بجا نیاورد، پیوسته دست به آسمان بلند کرده و آب دیده بر دو طرف روی او جاری بود به حدی که بر زمین می‌ریخت، و چون مردم فارغ شدند و برگشتند، به او گفتم که هرگز وقوفی به خوبی تو ندیده‌ام! گفت: واللَّه که دعا نکردم مگر از برای برادران مؤمن خود؛ زیرا از حضرت امام موسی کاظم‌علیه السلام شنیدم

که می‌فرمود: هر که برای برادر مؤمن خود دعا کند در غیبت او، از عرش او را ندا کنند که از برای تو باد صد هزار برابر آنچه از برای او دعا کردی، و نخواستم که صد هزار برابر محقق مضمون را ترک کنم برای یکی که ندانم مستجاب می‌شود یا نه».(410)
و از حضرت علی بن الحسین صلوات اللّه علیهما منقول است که: «هرگاه ملائکه می‌شنوند که مؤمنی برای برادر مؤمن خود غایبانه دعا می‌کند، یا او را به نیکی یاد می‌کند، به او می‌گویند که نیکو برادری هستی تو از برای برادر خود، دعای خیر از برای او می‌کنی و او از تو غایب است، و او را به نیکی یاد می‌کنی. حق تعالی به تو عطا فرمود دو برابر آنچه از برای او دعا کردی، و بر تو ثنا گفت دو برابر آنچه تو بر برادر خود ثنا گفتی، و تو را است فضل و زیادتی بر او؛ و اگر بشنوند که برادر خود را به بدی یاد می‌کند و بر او نفرین می‌کند، به او می‌گویند که بد برادری هستی برای برادر خود، باز ایست از بد گویی و نفرین او، ای آن کسی که خدا گناهان و عیبهای تو را پوشیده است، متوجّه احوال خود شو، به عیوب خود نظر کن و خدا را شکر کن که عیبهای تو را پوشیده است و بدان که خدا بنده خود را بهْ(411) از تو می‌شناسد».(412)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «چون ظلمی برکسی واقع شود و نفرین کند بر کسی که بر او ظلم کرده است، حق سبحانه و تعالی می‌فرماید: شخصی دیگر هست که گمان می‌کند تو بر او ظلم کرده‌ای و تو را نفرین می‌کند، اگر می‌خواهی نفرین تو را و او را هر دو مستجاب گردانم، و اگر می‌خواهی هر دو را تأخیر کنم تا عفو و رحمت من هر دو را فراگیرد».(413)
یازدهم، از جمله آداب دعا آن است که: خدای را پیش از طلبیدن حاجت، به بزرگواری و عظمت و جود و کرم ستایش کند، و نعمتهای او را بر خود و دیگران یاد کند، و او را بر آن نعمتها شکر کند؛ چنان که اگر کسی به نزد بزرگی می‌رود که مطلبی عرض کند از آداب نیست که ابتدا شروع به مطلبی کند، بلکه آداب آن است که پیش از مطلب او را ستایشی در خور بزرگواری او بکند؛ و حق تعالی در سوره کریمه حمد این آداب را تعلیم فرموده است که پیش از عرض حاجت، حمد و ثنا فرموده و خود را به رحمانیّت و رحیمیّت و سایر صفات لطف و رحمت ستایش فرموده، و بعد از آن عبادت را به وسیله امام الحاجه عرض کرده، زیرا حاجت طلبان را ارمغانی در خور توانایی خود گذرانیدن مناسب است، و بعد از آن طلب استعانت و هدایت را تعلیم فرموده.
و ایضاً حمد الهی و نعمتهای خود نمودن، موافق وعده الهی موجب مزید نعمت است و حسن طلبی است که: تو خداوندی که پیوسته احسان کرده‌ای، اگر اکنون نیز احسان نمایی، بعید نیست. و نعمتهای خدا را بر

دیگران یاد کردن نیز حُسن طلبی است که چون به همه عالم احسان کردی سزاوار است که به من نیز احسان بکنی؛ چنان که شخصی نزد بزرگی می‌رود و قصیده‌ای یا نثری را برای او می‌خواند و کَرَمهای او را یاد می‌کند که بر او نیز کرم کند.

و بنابر این وارد شده است که «بهترین دعاها، الحمدللّه است».(414)

و ایضاً، «چون گناهان آدمی موجب محرومی از خیرات و سعادات است، پیش از دعا، استغفار از گناهان باید کرد تا موجب رفع موانع شود، و به حمد و ثنا او را قربی به جانب مقدس ایزدی حاصل شود که حاجتش به زودی برآورده شود، و بر این مضامین احادیث بسیار است».(415)

چنانچه منقول است که: «مفضل به خدمت حضرت صادق‌علیه السلام عرض نمود که دعای جامعی مرا تعلیم فرما. حضرت فرمود: حمد الهی بکن که چون حمد الهی کردی، هر که نماز می‌کند برای تو دعا می‌کند؛ می‌گوید سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَه؛ یعنی خدا مستجاب کند دعای حمد کنندگان خود را».(416)

و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه یکی از شما خواهد که از خداوند خود حاجتی سؤال نماید از حوایج دنیا و آخرت، باید که ابتدا کند به ثنا و مدح خداوند عالمیان و صلوات بر محمدصلی الله علیه وآله وسلم، بعد از آن حاجت خود را بطلبد».(417)

و در حدیث دیگر فرمود: «اوّل خدا را به صفات کمال مدح کن، پس ثنا کن او را بر نعمتها و شکر کن. پس اقرار به گناه خود بکن و بعد از آن سؤال کن، واللّه که هیچ بنده ای از گناه به در نمی‌آید مگر به اقرار گناهان خود».(418)

و در حدیث دیگر فرمود: «هرگاه حاجتی داشته باشید حمد و ثنای پروردگار خود بگویید، به درستی که کسی که حاجتی از پادشاهی طلب می‌نماید از برای او مهیّا می‌کند از ستایش، بهترین سخنانی را که بر آن قدرت دارد که او را به آن سخن بستاید».(419)

و فرمود: «بدرستی که شخصی داخل مسجد حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم شد، و دو رکعت نماز کرد، و از خدا حاجتی سؤال کرد، حضرت فرمود: این بنده تعجیل کرد بر خداوند خود، دیگری آمد و دو رکعت نماز کرد و بعد از آن خدا را ثنا گفت و صلوات بر پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم فرستاد. حضرت فرمود: حاجت خود را به طلب که خدا عطا می‌فرماید».(420)

دوازدهم، از شرایط دعا، صلوات فرستادن است بر محمد و آل محمدصلی الله علیه وآله وسلم، زیرا اگر کسی حاجتی به درگاه پادشاهی دارد مناسب این است که تحفه برای مقرّبان آن پادشاه بفرستد تا ایشان شفیع او باشند؛ و اگر ایشان هم شفاعت نکنند، چون آن پادشاه مطلّع می‌شود [که]

به ایشان تحفه داده و مقرّبان او را نوازش فرموده، او را خوش می‌آید و حاجتش را روا می‌کند. و ایضاً کسی که محبوب بزرگواری است، نزد آن بزرگوار مدح او کردن و از برای او مطلب طلبیدن هر چند محتاج آن طلب نباشد، آن محبوب، آن بزرگوار را خوش می‌آید که محبوب او را ستایش می‌کنند، و به این اسباب صلوات موجب قبول دعا می‌گردد.
نکته لطیف کاملی در این باب در بیان شفاعت کبری گذشت، و تفصیل این سخن را در شرح صحیفه کامله بیان کرده‌ایم.
و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «دعا محجوب است از آسمان و مستجاب نمی‌شود تا صلوات بر محمد و آل او صلوات اللّه علیهم فرستند».(421)
و در حدیث دیگر فرمود: «هر که دعا کند و پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم را یاد نکند دعا بر بالای سرش ایستاده، بال می‌زند؛ و چون صلوات فرستاد بالا می‌رود».(422)
و در حدیث دیگر فرمود: «هرکه را به خدا حاجتی باشد، اول صلوات بر محمّد و آل محمّدصلی الله علیه وآله وسلم بفرستد و بعد از آن حاجت خود را بطلبد؛ پس دعای خود را ختم کند به صلوات بر محمد وآل محمد صلوات اللّه علیهم. به درستی که خدا کریم تر است از آن که دو طرف دعا را قبول فرماید و میان را ردّ کند، زیرا صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام البتّه مقبول است و ردّ نمی‌شود.(423)
و فرمود: «چون نام پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم مذکور شود بسیار صلوات بر او بفرستید که هر که یک صلوات بر آن حضرت بفرستد حق تعالی بر او هزار صلوات بفرستد در هزار صف از ملائکه، و هیچ خلقی نماند مگر آن که بر او صلوات فرستند به سبب صلوات خدا و ملائکه بر او، پس کسی که به چنین رحمتی رغبت ننماید، او جاهل و غافل است و خدا و رسول و اهل بیت از او بیزارند».(424)
و حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «صلوات بر من و اهل بیت من، نفاق را از دل برطرف می‌کند».(425) و به روایت دیگر فرمود: «صداهای خود را بلند کنید به صلوات بر من که نفاق را زایل می‌گرداند».(426)
و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه بگوید: «یا رَبِّ صَلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» صد حاجت او برآورده شود که سی حاجت از حاجتهای دنیا باشد».(427)
و به روایت دیگر فرمود: «هیچ عملی در اعمال میزان، سنگین تر از صلوات نیست، و به درستی که اعمال شخصی را در قیامت به میزان می‌گذارند سبک می‌آید؛ حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم صلوات بر خود را در میزان او می‌گذارد، سنگین می‌شود و بر اعمالش زیادتی

می‌کند».(428)
و به سند معتبر منقول است که: «حضرت صادق علیه السلام به صباح بن سبابه فرمود: می‌خواهی تو را چیزی تعلیم نمایم که خدا به سبب آن، تو را از آتش جهنم نگاه دارد، گفت: بلی. فرمود: بعد از نماز صبح صد نوبت بگو: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تا خدا روی تو را از گرمی آتش دوزخ نگاه دارد».(429)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هرکه در روز جمعه صد مرتبه بر من صلوات بفرستد حق تعالی شصت حاجت او را برآورد؛ سی حاجت دنیا و سی حاجت آخرت».(430)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «چون شب جمعه می‌شود، نازل می‌شوند از آسمان ملائکه به عدد ذرات هوا یا به عدد مورچگان، و قلم های طلا و لوح های نقره در دست دارند و نمی‌نویسند تا روز شنبه عمل را بغیر از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم، پس در این شب و روز بسیار صلوات بفرستید».(431) و فرمود: «سنّت مؤکّد است که در هر روز جمعه بر محمدصلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت او هزار مرتبه صلوات بفرستند و در روزهای دیگر صد مرتبه».
و حضرت امام محمد باقرعلیه السلام فرمود: «هیچ عملی در روز جمعه بهتر نیست از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات اللّٰه علیهم».(432)
و به سند دیگر منقول است که: «هر که بعد از عصر روز جمعه بگوید:
«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصیآءِ الْمَرْضِیّینَ بِاَفْضَلِ صَلَواتِکَ وَبارِکْ عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکاتِکَ وَالسَّلامُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ».
حق تعالی صد هزار حسنه در نامه عملش ثبت نماید، و صد هزار گناهش را محو نماید، و صد هزار حاجتش را برآورده و صد هزار درجه برای او بلند کند».(433)
و در روایت دیگر آن است که: «اگر هفت مرتبه بخواند، خدا به عدد هر بنده حسنه به او عطا فرماید و عملش در آن روز مقبول گردد، و چون در قیامت مبعوث شود، در میان دو چشمش نوری ساطع باشد».(434) و در بعضی احادیث، این زیادتی هست: «والسّلامُ عَلَیهِ وَعَلَیْهِمْ وَ عَلی اَرْواحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ وَرَحَمْةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ»، هر یک را بخوانند خوب است.(435)
و حضرت امام رضاعلیه السلام فرمود: «هر که قادر نباشد بر چیزی که کفاره گناهان خود را بدهد، صلوات بر محمد و آل محمد صلوات اللّٰه علیهم بفرستد که گناهانش را درهم می‌شکند».(436)
و حضرت امام علی النقی علیه السلام فرمود: «حق تعالی ابراهیم را خلیل خود گردانید؛ برای آن که صلوات بر محمد وآل محمد بسیار می‌فرستاد».(437)
و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هرکه این

نحو بر محمد و آل محمد صلوات فرستد: «صَلَواتُاللّهِ وَصَلَواتُ مَلائِکَتِهِ وَاَنْبیائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِیعِ خَلْقِهِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلامَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ». از گناهان پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده است».(438)

و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام به سند معتبر منقول است که: «چون عطسه کنید، بگویید: اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِ الْعالَمینَ وَصَلَّی اللّهِ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ».(439)

به سند معتبر دیگر منقول است که: «کسی که صدای عطسه کسی را بشنود و حمد الهی بکند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد، هرگز به درد دندان و درد چشم مبتلا نشود».(440)

و به سندهای معتبر بسیار از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «فرمود: صلوات فرستید بر من و آل من و هر که صلوات نفرستد بر من و آل من، بوی بهشت را نشنود با آن که بوی بهشت از پانصد سال راه شنیده می‌شود».(441)

و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: به حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام فرمود: «بشارت می‌دهم تو را که جبرئیل‌علیه السلام مرا خبر داد، کسی که از امت من صلوات فرستد بر من و بعد از آن صلوات بر آل من بفرستد، درهای آسمان برای او گشوده می‌شود و ملائکه هفتاد صلوات بر او می‌فرستند، و اگر گناهکار باشد می‌ریزد گناهانش، چنانکه برگ از درختان می‌ریزد، و حق تعالی می‌فرماید: لبیک ای بنده من و سعدیک! تو را اجابت کردم و مدد و اعانت تو می‌نمایم، و به ملائکه می‌فرماید: ای ملائکه من! شما هفتاد صلوات بر او فرستادید، من هفتصد صلوات بر او می‌فرستم. و اگر بر من صلوات بفرستد و بر اهل بیت من صلوات نفرستد میان صلوات او و آسمان هفتاد حجاب بهم رسد و حق تعالی می‌فرماید که: «لالَبیّک و لاسَعْدیْک» اجابت تو نمی‌کنم و مدد و اعانت تو نمی‌نمایم، ای ملائکه من دعای او را بالا مَیارید، مگر این که با پیغمبر من عترت او را ملحق گرداند؛ پس دعای او پیوسته در حجاب است تا ملحق گرداند به من اهل بیت مرا».(442)

ظاهر احادیث معتبره آن است که هر وقت که نام مبارک آن حضرت مذکور شود، صلوات بر او و آل اطهار فرستادن واجب است.(443)

و در احادیث معتبره وارد است که فرمود: «کسی که من نزد او مذکور شوم و صلوات بر من نفرستد که گناهانش آمرزیده شود، پس او دور است از رحمت الهی».(444)

و در احادیث دیگر فرمود: «بخیل و بدترین بخیلان کسی است که من نزد او مذکور شوم و صلوات بر من نفرستد».(445)

و در حدیث دیگر فرمود: «هر که صلوات مرا فراموش کند راه بهشت را

گم کرده است».(446)
و به سند معتبر از مالک جهنی منقول است که گفت: «من گلی به دست حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام دادم، حضرت گرفتند و بو کردند و بر دیده‌های خود گذاشتند و بعد از آن فرمودند: هر که گلی را بگیرد و بو کند و بر چشمانش گذارد و بگوید «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، هنوز آن گل را بر زمین نگذاشته که خدا او را بیامرزد».(447)

نجم سوّم: «در بیان سبب مستجاب نشدن بعضی از دعاها»

بدان که چون حق سبحانه و تعالی وعده فرموده است که دعای بندگان خود را مستجاب گرداند، البته خُلف در وعده الهی نمی‌باشد، پس این که دعاها اثر استجابتش ظاهر نمی‌شود به چند وجه جواب می‌توان گفت:
وجه اول: آن که چون حق تعالی حکیم علیم است، کارهای او البته منوط به حکمت و مصلحت می‌باشد، پس وعده[ای که فرموده مشروط به حکمت است؛ یعنی اگر مصلحت شما باشد مستجاب می‌کنم، چنانچه اگر کریمی گوید: هر که از من چیزی می‌طلبد عطا می‌کنم، و شخصی بیاید و بگوید: افعی کشنده به دست من بده و یا زهر قاتلی را بده بخورم؛ و آن سائل ضرر آنها را نداند و دادن به او موجب هلاک او گردد، البته عطا نکردن در چنین حال به کرم انسب(448) است، بلکه عطا کردن جور است، و ظاهر است که اکثر آروزهای خلایق موجب ضرر ایشان است که نمی‌دانند و از روی جهالت سؤال می‌نمایند.
و حضرت امام زین العابدین‌علیه السلام در دعای طلب حاجات صحیفه کامله به این معنی اشاره فرموده: «ای خداوندی که متبدّل نمی‌سازد حکمت او را، وسیله‌ها».(449)
اگر کسی گوید: هرگاه چنین باشد دعا چه فایده دارد؟ زیرا هر چه صلاح بندگان در آن است البته خدای تعالی به عمل می‌آورد.
در جواب می‌گویم: ممکن است که یک امری بدون دعا، مصلحت در عطای او نباشد و مصلحت مشروط به دعا باشد.
پس امور بر سه قسم است:
بعضی آن است که بدون دعا، مصلحت در عطای آن هست، آن را بدون دعا کرامت می‌فرماید.
و بعضی هست که با دعا نیز مصلحت در دادن آن نیست، آن را مطلقاً منع می‌فرماید.
و بعضی هست که با دعا، مصلحت در عطای آن هست و بی دعا مصلحت نیست؛ چنین امری عطایش موقوف به دعا است، و چون آدمی تمیز این امور به عقل خود نمی‌تواند کرد، باید که در جمیع امور محتمله که به عقل خود خوب داند دعا بکند، و اگر حاصل نشود عطایش موقوف به دعا است، و اگر حاصل نشد از دعا مأیوس نشود و بداند که البته صلاح او در آن چیز نبوده که حق تعالی دعایش را مستجاب نکرده با آن که اصل دعا کردن عبادتی است بهترین عبادت ها، و موجب قرب می‌شود.
چنانچه حضرت صادق‌علیه السلام فرمود: «دعا کن و مگو که آنچه مقدّر شده است خواهد شد، به درستی که دعا عبادت است».(450) و تفصیل

این کلام بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء اللّه.
وجه دوم: آن است که هر چیز را شرطی چند می‌باشد و چند مانعی است، که تا آن شرایط به عمل نیاید و آن موانع بر طرف نشود، ثمره بر آن فعل مترتّب نمی‌شود؛ مثل آن که حق تعالی فرموده که: نماز کنید تا شما را بیامرزم، نماز را شرایطی هست که اگر بدون آن شرایط به عمل آورد مقبول نیست. پس اگر کسی نماز بی‌وضو بکند نماز نکرده است و مستحق آمرزش نیست.
و همچنین مانعی چند از تأثیر می‌دارد و چنانچه فرموده‌اند: «نماز موجب قرب است».(451) اگر کسی نماز کند و جمیع قبایح را بجا آورد تأثیر آن قبایح که موجب بُعد و حرمان است، مانع است از تأثیر نماز در قرب و همچنین اگر طبیبی گوید که ریوند(452) مسهل است، یعنی اگر با شرایطی که مقرر است بخورند و چیزی که منافی عمل او باشد بجا نیاورند اسهال می‌کند، پس اگر ریوند را بدون سَحْق(453) که یکی از شرایط عمل آن است با یک مثقال تریاک که منافی عمل آن است بخورد و عمل نکند، گفته طبیب خطا نخواهد بود.
و همچنین دعا را شرایط هست، چنانچه در گذشته دانستی از تضرّع و زاری و اهتمام و خداشناسی و عبادت و ترک معاصی و خوردن حلال و تقدیم حمد و ثنا و صلوات و غیر اینها از شرایط و رفع موانعی که گذشت. پس به هر یک از اینها که اخلال کند و دعایش مستجاب نشود، منافات با وعده الهی ندارد، و چون این معنی در ضمن احادیثی که قبلاً در باب شرایط مذکور شد به وضوح پیوسته، به همین اکتفا می‌نماییم.
وجه سوم: آن است که گاه هست که حق تعالی دعایی را مستجاب می‌فرماید و مصلحت در تأخیر آن می‌داند، یا برای این که در این وقت به او ضرر می‌رساند یا می‌خواهد که او دعا کند و درجات او در مراتب قرب، بلند گردد، و اگر بزودی حاجت او را برآوَرَد ترک دعا می‌کند و به آن درجات عالیه فایز نمی‌گردد. و بسیار باشد که حاجت مؤمنی را مستجاب گردانند و بعد از چندین سال به او دهند.
چنانچه منقول است که: «از حضرت صادق‌علیه السلام پرسیدند: آیا می‌شود که دعای کسی مستجاب شود و در رسانیدن به او تأخیر شود؟ فرمود: بلی تا بیست سال».(454) و در حدیث دیگر فرمود: «از وقتی که موسی و هارون علیهما السلام بر فرعون و قومش نفرین کردند(455) و حق تعالی فرمود که دعای شما مستجاب شد(456) تا وقتی که خدا فرعون را هلاک کرد چهل سال گذشت».(457)
و به سند صحیح منقول است که: «ابن ابی نصر به خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام عرض نمود که: چندین سال است که از خدا حاجتی سؤال می‌کنم و روا نمی‌گردد، و از دیر شدن این حاجت در دلم چیزی به هم

رسیده. حضرت فرمود: ای احمد! زینهار که شیطان را بر خود راه مده که تو را از رحمت خدا نا امید گرداند. به درستی که حضرت امام محمد باقرعلیه السلام فرمود: به درستی که مؤمن از حق تعالی حاجتی سئوال می‌نماید و خدا تأخیر می‌اندازد استجابت او را، برای این که دوست می‌دارد شنیدن آواز وی و ناله و زاری او را».
پس حضرت امام رضاعلیه السلام فرمود که: «و اللَّه! که آنچه خدا تأخیر می‌کند و از مؤمنان منع می‌فرماید در دنیا، و در آخرت به ایشان می‌دهد، بهتر است از آنچه در دنیا به ایشان می‌دهد».
بدرستی که حضرت امام محمد باقرعلیه السلام می‌فرمود: سزاوار این است که دعای مؤمن در هنگام نعمت و رخا مثل دعای او باشد در وقت شدّت و بلا، و چنین نباشد که همین که به او عطا کنند سست شود و دعا را کم کند، پس باید که مؤمن را هرگز از دعا ملال حاصل نشود. به درستی که دعا را رتبه و منزلت عظیم نزد خدا هست و بر تو باد به صبر کردن در بلاها و تنگی ها، و طلب حلال نمودن و صله رحم کردن. و زینهار که بپرهیز از عداوت کردن و معارضه نمودن با مردم، به درستی که ما اهل بیت صله رحم می‌کنیم با کسی که از ما قطع می‌کند، و احسان می‌کنیم با کسی که با ما بدی می‌کند. واللّٰه! که در این امر، عافیت نیکو مشاهده می‌نماییم.
و بدان که صاحب نعمت در دنیا اگر سؤالی کند و به او عطا کنند، دیگر چیزی غیر آن سؤال خواهد کرد و نعمت الهی در نظر او سهل خواهد شد. و چون نعمت الهی بر مسلمان بسیار شد او را خطر عظیم هست به جهت حقوقی که از خدا بر او واجب می‌شود، و بیم آن هست که فریفته شود و حقوق الهی را ادا ننماید و موجب طغیان او گردد.
بگو به من که اگر سخنی به تو بگویم اعتماد بر گفته من خواهی کرد؟ گفتم: فدای تو گردم! اگر به فرموده شما اعتماد نکنم، به گفته که اعتماد خواهم کرد؟! و حال آن که تو حجت خدایی بر خلق.
فرمود: پس اعتماد به فرموده خدا بیشتر داشته باش، بدرستی که خدا به تو وعده کرده، آیا خدا نفرموده است که «چون بندگان از تو سؤال نمایند از حال من، بگو که من به ایشان نزدیکم؛ مستجاب می‌کنم دعای دعا کننده‌ای که مرا بخواند» (458) و می‌فرماید: «نا امید مَشوید از رحمت الهی» (459) و می‌فرماید: «خدا وعده می‌کند شما را مغفرت عظیم از جانب خود و فضل بسیار» (460)، پس باید که اعتماد شما بر خدا زیاده باشد از اعتماد بر دیگران، و در خاطر خود راه مَدهید به غیر از گمان نیک به خداوند، تا گناهان شما آمرزیده شود».(461)
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «بسیار است که حق تعالی دعای شخصی را مستجاب می‌فرماید و تأخیر می‌نماید تا مدتی، که او زیاده دعا کند».(462)

و در حدیث دیگر فرمود: «گاه هست که بنده دعا می‌کند، پس حق تعالی می‌فرماید به دو ملک که موکلند به او که من حاجت او را مستجاب کردم، ولیکن الحال به او مَدهید تا او دعا کند، که من دوست می‌دارم آواز او را بشنوم، و گاه هست که بنده دعا می‌کند، پس حق تعالی می‌فرماید: زود حاجتش را بدهید که من صدای او را دشمن می‌دارم».(463)
و در حدیث دیگر فرمود: «پیوسته مؤمن با خیر و حالت نیکو است و امیدوار رحمت حق تعالی است مادام که استعجال نکند، که نا امید شود و ترک دعا کند. راوی گفت: چگونه استعجال کند؟ فرمود: استعجال آن است که گوید: این قدر مدّت دعا کردم و اجابت را نمی‌بینم».(464)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «روزی حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام در کوه بیت المقدّس می‌گشت که چراگاهی برای گوسفندان خود پیدا کند، ناگاه صدای شخصی به گوشش رسید. از پی صدا رفت. دید شخصی مشغول نماز است و طولش دوازده شبر است. چون فارغ شد، حضرت خلیل اللّٰه پرسید: ای بنده خدا از برای که نماز می‌کنی؟ گفت: از برای خدای آسمان.
حضرت ابراهیم‌علیه السلام پرسید: آیا به غیر از تو، کسی از قوم تو باقی مانده است؟ گفت: نه، پرسید که: خوراک تو از کجا به دست تو می‌آید؟ گفت: در تابستان میوه این درخت را جمع می‌کنم و در زمستان به آن معاش می‌کنم. فرمود: منزلت در کجا است؟ اشاره به کوهی کرد که در برابر بود.
حضرت ابراهیم‌علیه السلام فرمود: مرا با خود نمی‌بری که امشب با تو بسر بریم. گفت: در میان راه آب عظیمی هست که نمی‌توان گذشت! حضرت فرمود: تو چگونه عبور می‌نمایی. گفت: بر روی آب راه می‌روم. حضرت فرمود: مرا با خود ببر، شاید که خدا به من هم این کرامت بفرماید که بر روی آب راه روم چنانکه به تو کرامت فرموده. پس عابد دست حضرت ابراهیم‌علیه السلام را گرفت و با هم رفتند. چون به آب رسیدند هر دو روی آب روان شدند و گذشتند. چون به خانه عابد رسیدند، حضرت ابراهیم‌علیه السلام فرمود: کدام روز عظیم‌تر است؟ عابد گفت: روز جزا، که مظالم بندگان را از یکدیگر می‌گیرند. حضرت فرمود: بیا دست برداریم و خدا را بخوانیم که ما را از شرّ آن روز ایمن گرداند. عابد گفت که: دعای مرا چه می‌کنی؟ واللّٰه! که سه سال است که برای مطلبی دعا می‌کنم و هنوز مستجاب نشده است.
حضرت ابراهیم‌علیه السلام فرمود: می‌خواهی تو را خبر دهم که برای چه دعای تو را حبس کرده‌اند. گفت: بلی. فرمود: حق تعالی چون بنده ای را دوست می‌دارد، دعای او را حبس می‌نماید و زود بر نمی‌آورد تا او بسیار مناجات کند و از جناب مقدس او سؤال نماید و تضرع کند؛ و چون بنده ای

را دشمن می‌دارد، دعایش را زود مستجاب می‌گرداند یا نا امیدی در دل او می‌افکند که دیگر دعا نکند.
بعد از آن فرمود که: حاجت تو چه چیز بود؟ گفت: روزی گلّه گوسفندی بر من گذشت و پسر نیکو رویی با آن گله بود و آن پسر، گیسوی مشکبویی داشت، پرسیدم که این گوسفندان از کیست؟ گفت: از ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام. پس من دعا کردم که خداوندا! اگر تو را در زمین خلیل و دوستی هست به من بنما. ابراهیم‌علیه السلام فرمود: خدا دعای تو را مستجاب گردانیده، منم ابراهیم، دوستِ خداوندِ رحمن. پس حضرت با او معانقه فرمود و چون حضرت پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم مبعوث شدند مصافحه مقرر شد».(465)
وجه چهارم: آن است که حق - سبحانه و تعالی - بعضی از بندگان را که حاجتی طلبند و صلاح ایشان در آن نباشد، اضعاف مضاعفِ آن حاجت را در دنیا و آخرت به ایشان کرامت می‌فرماید؛ پس دعای ایشان را رد نفرموده و حاجت ایشان را بر وجه اکمل روا کرده است، چنانکه اگر کسی از پادشاهی، فلسی طلب نماید و آن پادشاه در عوض، جواهری به او عطا کند که صد هزار تومان قیمت آن باشد، هیچ عاقل نمی‌گوید که حاجت او را رد کرده است، بلکه او را مدح می‌کنند که اضعاف مضاعف آنچه سائل طلبیده به او عطا فرموده.
پس در درگاه پادشاه پادشاهان، این گدایان جاهل و سائلان نادان، مطالب خسیسه را منظور نظر خود می‌گردانند، و از حق تعالی سؤال می‌نمایند، و آن کریم علی الاطلاق، نعمتهای بی انتها و رحمت های بی عدد و احصا در برابر، عطا می‌فرماید، و قدر آنها را نمی‌دانند، و از عدم حصول آن مطلب خسیس شکایت می‌نمایند، اما آنچه در آخرت به ایشان کرامت می‌فرماید، درجات رفیعه و مراتب عالیه بهشت است که نامزد محرومان حاجات دنیا و ناکامان عرصه نیستی و فنا گردانیده.
چنانچه به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «گاه هست که بنده در حاجتی خدا را می‌خواند و حق تعالی می‌فرماید: اجابت دعای او را تأخیر کنید که من مشتاق آواز و دعای اویم؛ پس چون روز قیامت می‌شود حق تعالی می‌فرماید: ای بنده من! مرا خواندی در دنیا و اجابت تو را تأخیر کردم و فلان ثواب را به عوض، برای تو مقرر ساخته‌ام. و در فلان حاجت دیگر مرا خواندی و اجابت تو را تأخیر کردم و فلان ثواب عظیم را به عوض، به تو داده‌ام، پس آن مؤمن از بسیاری عطا ها و ثواب‌ها که مشاهده نماید، آرزو کند که ای کاش هیچ دعای من در دنیا مستجاب نمی‌شد» (466). و اما آنچه در دنیا عطا می‌فرماید، مراتب قرب و کمالات نامتناهی است که لازم دعا است.
ای عزیز! بدان که - حق سبحانه - و تعالی بندگان نادان را به نوعی، از

روی غایتِ لطف و مهربانی، با طبع جهول ایشان مدارا می‌نماید و به دام و دانه خواهش‌های طبع سرکش ایشان، از روی حکمت، ایشان را به ساحت کبریایی خود می‌کشاند؛ چنانچه بلا تشبیه، بازی(467) را، پادشاهی خواهد شکار کند، اگر اول به او گوید که بیا که من تو را بر سر دست خود می‌گیرم، و شهباز اوج عزّتت می‌گردانم، هیچ فایده در تسخیر آن نمی‌کند، بلکه اول او را به طعمه و دانه، آشنای دام خود می‌گرداند و چون قابل شد، بر روی دست خویشش جا می‌دهد، و به هر جایش که می‌فرستد به زودی بر می‌گردد.
و اگر پدر مهربان، طفلی را خواهد که به کسب علوم و حقایق فرستد، اگر صد هزار دلیل و برهان برای او بگوید فایده نمی‌کند، بلکه او را به جوز و مویز و وعده قبای رنگین و عبای زرّین به مکتب آشنا می‌کند، و چون لذت فهم حقایق و حکمتها را یافت، به سیاست‌های عظیم، اورا از آن شغل باز نمی‌توان داشت. همچنین این حیوانات عدیم الشعور(468) و طفل طبعان مغرور، چون فضیلتی و کمالی و لذتّی و بهره‌ای بغیر از خوردنی و پوشیدنی و دینار و درهم و خیل و حشم و سایر لذّات جسمانی نیافته‌اند، حکیم مطلق و کریم لایزال، با نهایت مرتبه عظمت و استغنا و جلال، ایشان را به درگاه خود خوانده که: هر چه خواهید از من بطلبید، و نمک آش خود را از من بخواهید، و سبزی طعام را از من بطلبید، تا آن که از این راه، رو به درگاه او آورند و از بسیاری دعا و توسل و مناجات - با نهایت بیگانگی - به مرتبه آشنایی و قرب فایز گردند و لذّت مناجات او بیابند و از خلق، رو برتافته، در جمیع امور رو به او داشته باشند.
زهی کرم بی انتها! که به دام و دانه و نمک و سبزی، ما را به ساحت قرب خود می‌رساند و به وسیله خواهش‌های نفسانی، مقرب حضرت یزدانی می‌گرداند. و آن جاهل نادان، شبهه می‌کند یا دلگیر است که حاجتم برآورده نشده است «اِنَّ الْاِنْسانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ».(469)
مگر نمی‌دانی که اصل دعا کردن، عبادتی است و در این ضمن، بندگی خدا کرده‌ای، و با مالک الملوک مناجات کرده‌ای، و ثواب های آخرت تحصیل نموده‌ای، و پا بر بساط قرب خداوند جبّار گذاشته‌ای و خداوند عالم را انیس و هم راز خود گردانیده ای، و به سمع یقین و ایمان، لبیک ها از عرش رفعت شنیده‌ای. و اگر معنی مناجات و لذت آن را بفهمی، و رازهای نهان را به گوش دل بشنوی، و دلداری ها و بنده نوازی های آن محبوب حقیقی را در هنگام تضرّع و دعا ادراک نمایی، حاجت‌ها و آروزهای خود را کَم خواهی کرد، [که] اگر رخصت دخول مجلس پادشاهان عاجز [دنیا] بیابی، و گوشه چشم التفاتی از ایشان ببینی، تمام حاجتهای خود را فراموش می‌کنی.
هیهات، هیهات!! جسم خاکی را همین بس نیست که او را با جناب ربّ

الارباب، به مشافهه رخصت مکالمه و عرض حاجات داده‌اند، و کلیدهای خزاین رحمت را به زبانش سپرده‌اند، و متکفّل امور و مصالح او گردیده‌اند.
و حضرت ربّ العزّه می‌فرماید که: تو دعا بکن و خیر خود را به من گذار؛ و او سرکشی می‌کند و از روی علمِ ناقص و جهل کامل خود، بر آن جناب گستاخی می‌کند، و تحکّم می‌نماید. اگر غفلت، عقل ها را پریشان نکرده بود، بایست که کسی که این احادیث متواتره را بشنود که حضرت عزّت می‌فرماید: حاجت او را بر مَیاورید، که من آواز او را دوست می‌دارم و مشتاق ناله اویم»، در ناکامی حاجت بر نیامدن، از شوق، به کام دل بمیرد و دیگر دست جانش دامان خواهش نگیرد.
چون سخن نازک شد و عبارت نارسا است و مطلب وسیع، سخن را مختصر کرده، ختم می‌کنم این مبحث را، به ذکر جماعتی که دعای ایشان مستجاب است و جمعی که دعای ایشان مستجاب نیست.
به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «سه کس است که دعای ایشان مستجاب است؛ کسی که به حج بیت اللّٰه الحرام رود دعایش مستجاب است؛ پس نیک به احوال بازماندگانشان برسید تا در حق شما دعا کنند. و کسی که به جهاد فی سبیل اللّٰه رود؛ پس نیکو خلافت کنید در اهل ایشان. و کسی که بیمار باشد دعایش مستجاب است؛ پس او را به خشم مَیاورید و دلتنگ نگردانید».(470)
و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «پنج دعا است که از پروردگار عالم محجوب نمی‌گردد: دعای امام عادل، و دعای مظلوم، - حق تعالی به او می‌فرماید: البته از برای تو انتقام می‌کشم اگر چه بعد از مدتی باشد - و دعای فرزند صالح از برای پدر و مادرش، و دعای پدر صالح از برای فرزندش، و دعای مؤمن از برای برادر مؤمنش غایبانه؛ حق تعالی می‌فرماید: تو را دو برابر او کرامت کردم».(471)
و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بپرهیزید از نفرین مظلوم، که دعای او را از حجاب ها می‌گذرانند تا آن که حق تعالی به سوی او نظر می‌فرماید و می‌فرماید: بلند کنید دعای او را که من مستجاب می‌کنم. و بپرهیزید از نفرین پدر، که از شمشیر تیز تندتر است». (472)
و در حدیث دیگر فرمود: «چهار کَس اند که دعای ایشان ردّ نمی‌شود تا آن که درهای آسمان برای ایشان گشوده می‌شود، و دعای ایشان به عرش می‌رسد: دعای پدر از برای فرزند، و نفرین مظلوم بر ظالم، و دعای کسی که به عمره رفته باشد، تا برگردد، و دعای روزه دار تا افطار نماید».(473)
و از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام منقول است که: «سه دعا است که از حق تعالی محجوب نمی‌شود: دعای پدر برای فرزند اگر به او نیکی کرده، و نفرین پدر بر فرزند اگر عاق او گردد؛ و نفرین مظلوم بر ظالم، و

دعای مظلوم برای کسی که او را یاری کند و حقّ او را از ظالم بگیرد؛ و دعای مؤمنی که در حق برادر مؤمنی دعا کند که به او مواسات و احسان کرده باشد برای خشنودی اهل بیت رسول خدا صلوات اللَّه علیهم، و نفرینی که مؤمن بر کسی کند که محتاج به او شده باشد و مضطر باشد و او قدرت بر مواسات و احسان به او داشته باشد و نکند».(474)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «پنج کس اند که دعای ایشان مستجاب نیست: مردی که حق تعالی طلاق زنش را به دست او گذاشته و آن زن، او را آزار می‌کند و مالی دارد که مهر او را بدهد و او را رها کند و نمی‌کند و بر او نفرین می‌کند؛ و کسی که غلامش سه مرتبه بگریزد و او را نفروشد و بر او نفرین کند، باز چون بگریزد دعا کند که خدا او را به او برگرداند؛ و شخصی که در زیر دیوار خم شده شکسته گذرد و تند نگذرد و دعا کند که بر سرش نیاید؛ و شخصی که مالی به کسی قرض دهد و گواه نگیرد، و دعا کند که خدا مالش را به او رساند؛ و شخصی که قدرت بر طلب روزی داشته باشد و در خانه خود بنشیند و طلب نکند و گوید که خدایا مرا روزی ده».(475)

تنویر سوّم: در ذکر بعضی از اذکار و دعوات و تعقیبات است که به اسانید معتبره منقول گردیده است و این مشتمل بر چند باب است:

باب اول: «در بیان فضیلت اذکار است و آن مشتمل است بر چند فصل»

فصل اول: «در فضیلت تسبیحات اربع است»

به سند معتبر از حضرت امام حسن‌علیه السلام منقول است که: «جمعی از یهود به خدمت حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم آمدند و اعلم ایشان از چند مسأله سؤال نمود، و چون جواب شنید[ند] مسلمان شدند. و از جمله مسأله ها این بود که پرسید: یا محمدصلی الله علیه وآله وسلم! مرا خبر ده از کلماتی که حق تعالی آنها را برای حضرت ابراهیم‌علیه السلام اختیار نمود در هنگامی که خانه کعبه را بنا کرد، حضرت فرمود: بلی، این کلمات بود: «سُبْحانَ اللَّه وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ اَكْبَرُ».
یهودی پرسید: چه ثواب دارد کسی که این کلمات را بگوید؟ حضرت فرمود: چون بنده، سبحان اللّٰه می‌گوید، با او تسبیح می‌گویند آنچه در زیر عرشند، پس به گوینده تسبیح ده برابر ثواب تسبیح آنها عطا می‌کند. و چون الحمدللّٰه می‌گوید، حق تعالی نعیم دنیا را به او کرامت می‌فرماید و وصل می‌کند آن را به نعیم آخرت، و این کلمه‌ای است که چون اهل بهشت داخل بهشت می‌شوند این کلمه را می‌گویند، و سخنانی که در دنیا می‌گفته‌اند همه منقطع می‌شود به غیر این سخن.
و اما «لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ» پس بهشت جزای آن است، چنانچه حق تعالی می‌فرماید: «هَلْ جَزآءُ الْاِحْسان اِلاَّ الْاِحْسان» یعنی نیست جزای «لااِلهَ اِلاَّ اللّٰه» مگر بهشت. یهودی گفت: راست می‌گویی ای محمدصلی الله علیه وآله وسلم!(476)
به سند معتبر دیگر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که «سبحان اللّٰه» می‌گوید، حق تعالی برای او در بهشت درختی غرس می‌نماید؛ و کسی که «اَلْحمْدُ لِلّٰه» می‌گوید، درختی برای او می‌کارد؛ و کسی که «لا اله الا اللّٰه» می‌گوید، درختی برای او می‌کارد؛ و کسی که «اللّٰه اکبر» می‌گوید، درختی برای او غرس می‌نماید.
شخصی از قریش به حضرت عرض نمود: پس ما در بهشت درخت بسیار داریم. حضرت فرمود: بلی؛ ولیکن بپرهیزید از این که آتشی بفرستید که آن درختان را بسوزاند، زیرا که حق تعالی می‌فرماید که: ای گروه مؤمنان! اطاعت نمایید خدا و رسول را و باطل مَکنید عملهای خود را».(477)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «فقرا به خدمت حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم آمدند و گفتند: یا رسول اللّٰه! اغنیا را مالی هست که به آن بنده آزاد کنند، و ما نداریم؛ و ایشان را مالی هست که به آن حج کنند، و ما را نیست؛ و ایشان مال دارند که به آن تصدق کنند،و ما نداریم؛ و ایشان مال دارند که به وسیله آن در راه خدا جهاد کنند، و ما نداریم.

حضرت فرمود: هر که صد مرتبه «اللّه اکبر» بگوید بهتر است از صد مرتبه بنده آزاد کردن، و هر که صد مرتبه «سبحان اللّه» بگوید بهتر است از صد شتر با خود بردن به حج که بکشند آنها را از برای خدا، و هر که صد مرتبه «الحمدللّه» بگوید بهتر است از صد اسب که زین و لجام کرده مردم را سوار کنند و به جهاد فرستند، و هر که صد مرتبه «لااِله اِلاَّ اللّه» بگوید کسی از او در آن روز عملش بهتر نباشد مگر کسی که زیاده از صد مرتبه بگوید. پس چون این خبر به اغنیا رسید ایشان نیز این اعمال را بجا آوردند. فقرا به خدمت آن حضرت آمدند و گفتند که اغنیا نیز این کارها کردند؛ حضرت فرمود که این فضل خداست به هر که می‌خواهد عطا می‌فرماید». (478)
و به سند معتبر از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: «حق تعالی بر خود واجب گردانیده است که هر مؤمنی صد مرتبه «اللّه اکبر» بگوید و صد مرتبه «الحمدللّه» و صد مرتبه «سبحان اللّه» و صد مرتبه «لا اِلهَ الاَّ اللّه» بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید «اللّهُمَّ زَوِّجْنی مِنَ الْحُورالْعینِ» البته حق تعالی حوریّه‌ای در بهشت به او کرامت فرماید؛ و این پانصد کلمه مهر آن حوریّه باشد. پس از این جهت حق تعالی به حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم و حی فرمود که مِهر زنان مؤمنه را پانصد درهم، سنّت گرداند».(479)
و به سند معتبر منقول است که: بسیار بگویید: «لااِلهَ اِلاَّ اللّه وَاللّهُ اَکْبَر» را که هیچ چیز نزد خدا محبوب‌تر از این دو کلمه نیست».(480)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «سبحان اللّه» نصف میزان اعمال است، و «الحمد اللّه» پر می‌کند میزان اعمال را، و «اللّه اکبر» ما بین آسمان و زمین را پر می‌کند».(481)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بسیار بگویید «سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَ لااِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ»، به درستی که این کلمات می‌آیند در روز قیامت با خیرات و ثواب های عظیم که از پیش رو و عقب خود دارند، و اینهایند باقیات صالحات، یعنی امور شایسته که از برای آدمی باقی می‌ماند نفع آنها، و حق تعالی فرموده است که باقیات صالحات بهتر و پاینده تر است از متاع های زندگانی دنیا».(482)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم روزی به اصحاب خود التفات نموده، فرمودند که: برای خود سپرها اخذ کنید و مهیّا سازید، صحابه گفتند: مگر دشمنی به ما روی آورده است که سپر از برای دفع ضرر ایشان مهیّا می‌باید کرد؟ فرمود: نه، ولیکن از برای دفع آتش جهنم از خود بگویید: «سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَ َلااِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ».(483)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: هر

که بگوید «سُبْحانَ اللّه» نه از روی تعجّب، حق تعالی از آن تسبیح مرغی خلق فرماید که آن مرغ را زبانی بوده باشد، و در میان ملائکه مسبّحان تسبیح الهی کند تا روز قیامت، و همچنین است «اَلْحَمْدُ لِلّهِ» و «لااِلهَ اِلاّ اللّهُ» و «اللّهُ اَکْبَرُ».(484)

از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «حق تعالی به حضرت موسی‌علیه السلام خطاب فرمود: اگر آسمانها و ساکنان آنها و زمینهای هفت گانه در یک کفّه ترازو باشند و «لااِلهَ اِلاَّ اللّه» در کفّه دیگر، این بر آنها زیادتی می‌کند».(485)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: تلقین کنید مرده‌های خود را در وقت جان کندن به «لااِلهَ اِلاَّ اللّه» که گناهان را خراب می‌کند و در هم می‌کشند. صحابه گفتند: یارسول اللّه! کسی که در صحّت بگوید چون است؟ حضرت فرمود: این بیشتر باعث درهم شکستن و برطرف شدن گناهان می‌شود، به درستی که «لا اِلهَ اِلاَّ اللّه» مونس من است در حال حیات و نزد مردن و در هنگام مبعوث شدن، همانا جبرئیل‌علیه السلام به من گفت که یا محمّدصلی الله علیه وآله وسلم! در قیامت جمعی را خواهی دید که از قبرها رو سفید مبعوث می‌شوند، و به آواز بلند می‌گویند: «لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ» و جمعی روسیاه می‌شوند و فریاد می‌کنند یاوَیْلاهُ یاثُبوراهُ».(486)
و به سند دیگر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «قیمت بهشت «لا اله الا اللّه» است».(487)
و به سند دیگر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که «لا اِلهَ اِلاَّ اللّه» بگوید برای او درختی در بهشت بکارند از یاقوت سرخ که ریشه اش از مشک سفید باشد، و میوه‌اش از عسل شیرین‌تر و از برف سفیدتر باشد، و از مشک خوشبوتر و در آن درخت میوه‌ها باشد به شکل پستان دختران باکره که چون شکافته شود هفتاد حلّه از میان آن بیرون آید».(488)
و از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «هر بنده مسلمانی که «لا اِلهَ اِلاَّ اللّه» بگوید آن کلمه بالا رود، و هر سقفی را بشکافد، و به هر گناهی از گناهان او که برسد محو نماید، تا چون به حسنات او رسد قرار گیرد».(489)
و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هیچ عملی ثوابش عظیم‌تر از شهادت «لااِلهَ اِلاَّ اللّه» نیست».(490)
و به سند صحیح از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بهترین عبادت ها گفتن «لااِلهَ اِلاَّ اللّه» است».(491)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه صد مرتبه «لا اِلهَ ِلاَّ اللّه» بگوید، عمل او در آن روز بهترین اعمال مردم باشد

مگر کسی که بیشتر از او این کلمه را گفته باشد».(492)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که فرمود: «هر عبادتی را اندازه[ای هست که به آن منتهی می‌شود، مگر ذکر حق تعالی که آن را حدّی نیست که به آن منتهی شود؛ چنانچه حق تعالی نمازهای پنجگانه را واجب گردانیده است، کسی که آنها را ادا نماید به حدّش رسانیده است؛ و همچنین کسی که روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد، فرضش را ادا کرده است؛ و کسی که یک مرتبه حج کند، اندازه اش به عمل آمده است؛ به غیر ذکر و یاد خدا که حق تعالی به اندک راضی نشده است، و اندازه و نهایتی برای آن مقرّر نساخته است. بعد از آن این آیه را خواندند: «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کثیراً وَسَبِّحُوهُ بُکْرَةً وَاَصیلاً» که ترجمه ظاهر لفظش این است که: ای گروه مؤمنان! یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار، و تسبیح و تنزیه کنید او را در بامداد و پسین، پس نهایتی برای ذکر مقرّر نساخت. بعد از آن فرمود: پدرم بسیار یاد خدا می‌کرد، با او که راه می‌رفتم مشغول ذکر بود، و چون با او طعام می‌خوردم او را مشغول ذکر می‌دیدم، و چون با مردم سخن می‌گفت سخن گفتن او را از یاد خدا باز نمی‌داشت، و پیوسته می‌دیدم که زبانش به کامش چسبیده بود و مشغول ذکر «لا اِلهَ اِلاَّ اللَّه» بود، و در صبح ما را جمع می‌کرد و امر می‌فرمود که مشغول ذکر و یاد خدا باشیم تا طلوع آفتاب، و می‌فرمود که هر که قرآن می‌تواند خواند قرآن را بخواند، و هر که قرآن نمی‌تواند خواند ذکر خدا بکند، و خانه‌ای که در آن قرآن می‌خوانند و یاد خدا می‌کنند برکت آن خانه بسیار می‌شود، و شیاطین از آن خانه دوری می‌کنند، و آن خانه روشنی می‌دهد اهل آسمان را، چنانچه ستاره‌های روشن، اهل زمین را روشنی می‌دهند؛ و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نمی‌شود، و یاد خدا در آن نمی‌کنند، برکت آن خانه کم است، و ملائکه از آن خانه دوری می‌کنند، و شیاطین در آنجا حاضر می‌باشند».(493)
و حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «آیا شما را خبر دهم به بهترین اعمال که بیشتر موجب رفع درجات شما گردد و نزد خداوند شما، مقبول تر باشد از برای شما، از دینار و درهم، و بهتر باشد از برای شما از این که با دشمنان دین ملاقات کنید، و بکشید و کشته شوید؟ گفتند: بلی.
فرمود: یاد خدا بسیار کنید. پس فرمود: شخصی به خدمت حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم آمد و پرسید که بهترین اهل این مسجد کیست؟ فرمود: هرکه ذکر خدا بیشتر کند. فرمود که: هر که را خدا زبانِ ذکر کننده عطا فرماید، همانا خیر دنیا و آخرت به او کرامت فرموده است».(494)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که خدا را بسیار یاد کند او را بسیار دوست دارد، و هر که ذکر خدا

بسیار کند حق تعالی دو برات برای او بنویسد، یکی بیزاری از آتش جهنم و یکی بیزاری از نفاق».(495)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که «لا اِلهَ اِلاَّ اللّه» را از روی اخلاص بگوید داخل بهشت شود، و اخلاص او آن است که این کلمه طیّبه او را مانع شود از مرتکب شدن هر چیزی که خدا آن را حرام کرده است».(496)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که «لا اِلهَ اِلاَّ اللّه» بگوید بر غیر وجه تعجّب، خدا از آن کلمه مرغی خلق فرماید که تا روز قیامت بر بالای سر گوینده آن کلمه بال زند، و ذکر خدا کند، و ثوابش از او باشد».(497)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «تلقین کنید مرده‌های خود را به «لا اِلهَ اِلاَّ اللّه» به درستی که هر که آخر کلامش «لا اِلهَ اِلاَّ اللّه» باشد داخل بهشت می‌شود».(498)
و به سند معتبر از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: «چون حضرت نوح‌علیه السلام داخل کشتی شد حق تعالی به او وحی نمود که هر وقت خوف غرق شدن داشته باشی هزار مرتبه «لا اِلهَ اِلاَّ اللّه» بگو».(499)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «جبرئیل‌علیه السلام به نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: یا محمد! خوشا به حال کسی از امت تو که بگوید: «لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ».(500)
و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه صد مرتبه «لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبینُ» بگوید، خداوند عزیز جبّار او را پناه دهد از فقر، و وحشت قبرِ او را به انس مبدّل گرداند، و سبب توانگری او گردد، و چنان باشد که درِ بهشت را کوبد».(501)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز سی مرتبه این تهلیل را بخواند رو کند به توانگری، و پشت کند به درویشی و فقر، و در بهشت را بکوبد».(502)
و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هر که هر روز پانزده مرتبه این تهلیل را بگوید: «لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ حَقّاً حَقّاً لااِلهَ اِلاَّ اللّهُ ایماناً و تَصْدیقاً لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ عُبودِیَّةً وَرِقّاً» حق تعالی روی رحمت خود را به سوی او بدارد، و از او روی لطف بر نتابد تا او را داخل بهشت گرداند».(503)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هر که بگوید: «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّاللّهُ وَحْدَهُ لاشَریکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسولُهُ» حق تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد، و به روایت دیگر دو هزار هزار حسنه برای او ثبت نماید».(504)

و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز ده مرتبه این دعا را بخواند «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لاشَریکَ لَهُ اِلهاً واحِداً اَحَداً صَمَداً لَمْ یَتَخِّذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً» بنویسد حق تعالی عزّ شأنه از برای او چهل و پنج هزار حسنه، و محو کند از نامه گناهان او چهل و پنج هزار گناه، و بلند گرداند از برای او چهل و پنج هزار درجه.» (505) و در روایت دیگر وارد شده است که: «این دعا، حرزی باشد برای او در آن روز از شرّ شیطان و مردمِ صاحب سلطنت؛ و در آن روز گناه کبیره او را فرا نگیرد».(506)

و به روایت دیگر وارده شده است که: «هرکه در هر روزی این دعا را بخواند، حق تعالی برای او چهل و پنج هزار درجه بلند گرداند، و چنان باشد که در آن روز دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد، و حق تعالی در بهشت خانه‌ای برای او بنا فرماید».(507)

فصل سوم: «در فضیلت تسبیح است»

به سند معتبر از یونس بن یعقوب منقول است که: «[او] از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام سؤال نمود: کسی که صد مرتبه «سُبْحانَ اللّٰه» بگوید [آیا]او ذکر بسیار کرده، و به فرموده خدا در این که امر به ذکر کثیر نموده، عمل کرده است؟ فرمود: بلی».(508)

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هرکه بگوید: «سُبْحانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحانَ اللّهِ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ» حق تعالی سه هزار حسنه از برای او ثبت نماید، و سه هزار گناه از او محو نماید، و سه هزار درجه از برای او مرتفع گرداند، و مرغی در بهشت از برای او خلق نماید که تسبیح الهی کند، و ثواب تسبیحش از او باشد».(509)

و از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که فرمود: «چون بنده «سُبْحانَ اللّٰه» می‌گوید جمیع ملائکه بر او صلوات می‌فرستند».(510)

و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر کسی سی مرتبه بگوید: «سُبْحانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظیم» رو کند به توانگری، و پشت کند از فقر، و بکوبد در بهشت را».(511)

و از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هرکه بگوید: «سُبْحانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِه» ایزد تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد، و هزار هزار گناه از او محو نماید، و هزار هزار درجه برای او بلند کند؛ و هر که زیاده بگوید، خدا ثوابش را زیاده کند؛ و هر که استغفار کند، خدا گناهش را بیامرزد».(512)

و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه هر روز سی مرتبه «سُبْحانَ اللّٰه» بگوید حق تعالی از او دفع نماید هفتاد نوع از بلا را که سهل‌تر آنها فقر باشد».(513) و به سند دیگر همین مضمون از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است.(514)

و به سند دیگر از آن حضرت منقول است که: «حق سبحانه و تعالی چون نور مقدس نبوی‌صلی الله علیه وآله وسلم را خلقت نمود او را در حجاب القُدرة دوازده هزار سال ساکن گردانید، و در آن جا آن حضرت این تسبیح می‌گفتند: «سُبْحانَ رَبّیَ الْاَعْلی [وَ بِحَمْدِه » و در حجاب العظمه یازده هزار سال ماندند و این تسبیح را می‌گفتند: «سُبْحانَ عالم السِّر» و در حجاب المِنّه ده هزار سال ماندند واین تسبیح را می‌گفتند: «سُبْحانَ مَنْ هُوَ قائِمٌ لایَلْهُوا» و در حجاب الرّحمه نه هزار سال ساکن بودند و این تسبیح را می‌گفتند: «سُبْحانَ الرَّفیعُ اْلأَعْلی و در حجاب السعاده هشت هزار سال بودند و این تسبیح را می‌گفتند: «سُبْحانَ مَنْ هُوَ دآئِمٌ لایَسْهو» و در حجاب الکرامه هفت هزار سال به این تسبیح مشغول بودند: «سُبْحانَ مَنْ هُوَ غَنیٌّ

لایَفْتَقِرُ» و در حجابِ المنزله شش هزار سال به این تسبیح مشغول بودند: «سُبْحانَ الْعَلیمِ الْکَریمْ» و در حجاب الهدایه پنج هزار سال ماندند و این تسبیح می‌فرمودند: «سُبْحانَ ذِی الْعَرْشِ الْعَظیم» و در حجاب النبوّه چهار هزار سال سکنی داشتند به این تسبیح [مشغول بودند]: «سُبْحانَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ» و در حجاب الرّفعه سه هزار سال ماندند و این تسبیح می‌گفتند: «سُبْحانَ ذیِ الْمُلْکِ وَالْمَلَکُوتِ» و در حجاب الهیبه دو هزار سال بودند و خدا را این تسبیح می‌نمودند: «سُبْحانَ اللّه وَ بِحَمْدِه» و در حجابُ الشَّفاعه هزار سال به این تسبیح اشتغال داشتند: «سُبْحانَ رَبّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهْ».(515)

به سند معتبر منقول است که: «از حضرت صادق‌علیه السلام پرسیدند که کدام عمل نزد خدا بهترین اعمال است؟ فرمود: حمد او کردن».(516) و از حضرت علی بن الحسین صلوات اللّه علیهما منقول است که: «هرکه بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلّهِ» شکر جمیع نعمتهای خدا را ادا کرده است».(517)
و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه التَّحیَّة والثَّنآء منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که را خدا نعمتی به او کرامت فرماید حمد الهی بکند، و هر که روزی او دیر برسد استغفار بکند، و هر که را اندوهی رو دهد یا کار دشواری پیش آید بگوید: «لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ باللَّهِ».(518)
و به سند معتبر دیگر از حضرت امام رضا علیه التَّحیَّة والثَّنآء منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم را امری رو می‌داد که موجب سرور بود می‌فرمود: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتِ» و چون امری رو می‌داد که مورث الم(519) بود می‌فرمود: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلی کُلِّ حالٍ».(520)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم هر روز حمد الهی می‌کردند سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدن، به این حمد که «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ کَثیراً عَلی کُلِّ حالٍ».(521)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «چون کسی را ببینی که به بلایی مبتلا گردیده است، سه مرتبه این تحمید را آهسته بخوان که او نشنود: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی عافانِی مِمَّا ابْتَلاکَ بِهِ وَلَوْ شآءَ فَعَل» بعد از آن فرمود: هر که در این حال این دعا را بخواند، هرگز به آن نوع بلا مبتلا نشود».(522)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام مروی است که: «هرکه بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ کَما هُوَ اَهْلُهُ» کاتبان اعمال از نوشتن باز می‌مانند و می‌گویند: خداوندا! ما غیب را نمی‌دانیم، یعنی حمدی را که تو سزاواری ثواب آن را نمی‌دانیم؛ حق تعالی در جواب ایشان می‌فرماید که: آنچه بنده من گفته شما بنویسید و ثوابش بر من است».(523)
و به سند معتبر دیگر ازآن حضرت منقول است که: «هر که هر روز هفت مرتبه بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلی کلِّ نِعْمَةٍ کانَتْ اَوْهِیَ کائِنَةٌ» شکر نعمتهای گذشته و آینده را ادا کرده است».(524)

فصل پنجم: «در فضیلت استغفار است»

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «خود را خوشبو و معطّر گردانید به استغفار، تا رسوا نکند شما را بوی های بد گناهان».(525)
و در حدیث دیگر فرمود: «استغفار روزی را زیاد می‌کند».(526)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «بهترین دعاها استغفار است».(527)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «چون بنده استغفار بسیار کند، صحیفه عملش که بالا می‌رود می‌درخشد و نور می‌دهد».(528)
و از حضرت علی بن الحسین صلوات اللَّه علیهما منقول است که: «هرکه بگوید: «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ» او متکبّر و جبّار نیست».(529)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «استغفار کردن و گفتن «لا اِلهَ اِلاَّ اللَّه» بهترین عبادات است».(530)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم در مجلسی که می‌نشستند هر چند اندک بود بر نمی‌خاستند تا بیست و پنج مرتبه استغفار نمی‌کردند».(531)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم هفتاد مرتبه می‌فرمودند: «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و هفتاد مرتبه می‌فرمودند: اَتُوبُ اِلی اللَّه».(532)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه گناهی می‌کند هفت ساعت او را مهلت می‌دهند؛ پس اگر این استغفار را سه مرتبه خواند بر او نمی‌نویسند «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الّذی لااِلهَ اِلاَّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ».(533)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در روزی صد مرتبه بگوید «اَسْتَغْفِرُاللّهَ» حق تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد، و خیری نیست در بنده ای که روزی هفتصد گناه بکند».(534)
و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر مؤمنی که در شبانه روز چهل گناه کبیره بکند و با ندامت و پشیمانی بگوید: «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الّذی لااِلهَ اِلاَّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ بَدیعُ السَّمواتِ وَالْاَرْضِ ذَالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ یُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ یَتُوبَ عَلَیَّ» البته حق تعالی آن گناهان را بیامرزد، و خیری نیست در بنده[ای]که شبانه روزی چهل گناه کبیره بکند».(535)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول‌صلی

الله علیه وآله وسلم در هر روز و شبی صد مرتبه توبه و استغفار می‌کردند با آن که گناهی از آن حضرت هرگز صادر نمی‌شد».(536)

فصل ششم: «در فضیلت اذکار متفرقه است»

به سند معتبر از حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام منقول است که فرمود: «عجب دارم از کسی که او را خوفی از دشمنی یا غیر آن باشد، چرا پناه به این کلمه نمی‌برد که: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ» زیرا حق تعالی می‌فرماید: آن جماعتی که این کلمه را گفتند، برگشتند با نعمتی عظیم از جانب خدا و فضل بسیار، و به ایشان نرسید بدی.
و عجب دارم از کسی که غمی او را عارض می‌شود؛ چرا پناه نمی‌برد به این کلمه که حضرت یونس‌علیه السلام در شکم ماهی گفت: «لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّی كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ» زیرا حق تعالی بعد از آن می‌فرماید: پس ما دعای یونس را مستجاب کردیم و او را از غم نجات دادیم، و چنان که او را نجات دادیم، همچنین نجات می‌دهیم مؤمنان را.
[و عجب دارم از کسی که دشمنان در مقام مکر او باشند، چرا پناه نمی‌برد به این آیه که: «اُفَوِّضُ اَمْری اِلَی اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ بَصيرٌ بِالْعِبادِ» زیرا حق تعالی می‌فرماید که: چون مؤمن آل فرعون این کلمه را گفت، خدا او را حفظ کرد و نگاه داشت از بدی های آنچه مکر نسبت به او کرده بودند].(537)
و عجب دارم از کسی که اراده مال و متاع دنیا داشته باشد، چرا پناه نمی‌برد به این کلمه که: «ماشآءَ اللَّهُ لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ» زیرا حق تعالی می‌فرماید: برادر مؤمن به برادر کافر گفت که چرا داخل باغ خود که شدی این کلمه را نگفتی؟ اگر مرا چنین می‌بینی که مال و فرزندم از تو کمتر است، پس شاید پروردگار من بهتر از بهشت تو، به من عطا فرماید، و «شاید» را، حق تعالی در مقام جزم اطلاق می‌کند».(538)
و به سندهای معتبر از آن حضرت صلوات اللَّه علیه منقول است که: «شخصی به خدمت حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم آمده شکایت نمود از وسوسه سینه و بسیاری قرض و احتیاج. حضرت فرمود که: مکرر این کلمات را بخوان:
«تَوَكَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لایَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ یَكُنْ لَهُ شَریكٌ فِی الْمُلْكِ وَلَمْ یَكَنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبیراً.»
بعد از اندک وقتی آن مرد به خدمت آن حضرت آمد و گفت: به برکت آن دعا، حق تعالی وسوسه سینه مرا بر طرف کرد، و قرض مرا مؤدّی ساخت، و روزی مرا فراخ گردانید».(539)
و به سند صحیح دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: حضرت آدم‌علیه السلام به حق تعالی شکایت کرد از وسوسه خاطر و اندوه، جبرئیل‌علیه السلام نازل شد و گفت: یا آدم! بگو: «لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ» چون آدم‌علیه السلام این کلمه را گفت

وسوسه و اندوه از او بر طرف شد».(540)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هرکه نعمتهای الهی بر او بسیار شود بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ» و کسی که فقر و احتیاج بر او زیادتی کند بسیار بگوید: «لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلیِّ الْعَظیم» به درستی که این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت، و در آن شفای هفتاد و دو درد هست که کمتر آنها همّ و اندوه است».(541)
و به سند صحیح از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که در شب معراج حق تعالی به حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم وحی فرمود که: «به تو عطا می‌کنم دو کلمه از خزینه های عرش خود: «لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ ولامَلْجَأَ مِنْکَ اِلاَّ اِلَیْکَ».(542)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که را اندوهی عارض شود بگوید: «لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلّیِ الْعَظیم».(543)
و در حدیث دیگر منقول است که: «ابوذر رَحِمهُ اللَّه گفت که حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم مرا وصیت نمود که این کلمه را زیاد بگویم».(544)
و به سند صحیح از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه هر روز صد مرتبه «لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ» بگوید، حق تعالی از او هفتاد نوع از بلا دفع نماید که سهل‌تر آنها غم واندوه باشد».(545)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هرکه دعا کند و ختم کند دعای خود را به گفتن «ماشاءَ اللَّهُ لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ» البته دعای او مستجاب شود».(546)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که هفتاد مرتبه بگوید «ماشاءَ اللَّهُ لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ» حق تعالی بگرداند از او هفتاد نوع از انواع بلا که کمتر آنها آن باشد که دیوانه شود و به سبب دیوانگی هلاک بشود».(547)
و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که: «خدا را مَلَکی هست موکّل به آسمان اول، اسماعیل نام دارد، چون بنده هفت نوبت می‌گوید: «یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ» آن ملک می‌گوید: اَرْحَمُ الرّاحمین صدای تو را شنید هر حاجتی که داری بطلب تا عطا کند».(548)
و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هرکه ده مرتبه بگوید: «یا اَللَّه» حق تعالی به او خطاب فرماید که: لبّیک! چه حاجت داری و همچنین اگر ده مرتبه «یا رِبِّ» بگوید، همین خطاب کنند او را».(549)
همچنین به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «هر که بگوید: «یارَبّیَ اللَّه» آن قدر که یک نفس او وفا کند، به او خطاب فرماید حق

تعالی که: لبّیک! حاجت خود را بگو».(550)
و در حدیث دیگر فرمود: «بعضی از فرزندان پدرم بیمار شدند. پدرم بر او گذشت، فرمود: ده مرتبه بگو «یا اَللّه» که هیچ یک از مؤمنان ده مرتبه این کلمه را نمی‌گوید مگر آن که پروردگار عالم می‌فرماید که: لبّیک ای بنده من! حاجت خود را سؤال کن».(551)
و به سند معتبر از امام رضاعلیه السلام منقول است که فرمود: «پدرم را در خواب دیدم، فرمود که: هرگاه به شدّتی و سختی گرفتار شوی بسیار بگو «یا رؤفُ یا رَحیمُ».(552)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که به بعضی از اصحاب خود فرمود: «می‌خواهی به تو تعلیم کنم اسم اعظم الهی را، بخوان سوره حمد و سوره «قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَد» و آیةالکرسی و سوره «إِنَّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْر» پس رو به قبله کن و هر حاجت که داری از خدا بطلب».(553)
و به سند معتبر از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: «اسم اکبر خدا «یاحَیُّ یاقَیُّومُ» است».(554) و به روایت دیگر از حضرت علی بن الحسین صلوات اللّه علیهما منقول است که: «این دعا مشتمل است بر اسم اعظم:
«یا اَللّهُ یااَللّهُ وَحْدَکَ وَحْدَکَ لاشَریکَ لَکَ اَنْتَ الْمَنّانُ بَدیعُ السَّمواتِ وَالْاَرْض ذُوالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ وَ ذُوالْاَسْماءِ الْعِظامِ وَذُوالْعِزِّ الَّذی لایُرامُ وَاِلهُکُمْ اِلهٌ واحِدٌ لا اِلهَ اِلاّهُوَ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعینَ.» بعد از خواندن این دعا، هر حاجتی که داری بطلب».(555)
و به سند معتبر از سکّین بن عمّار مروی است که گفت: «شبی در مکّه خوابیده بودم. شخصی به خواب من آمد و گفت: برخیز که شخصی خدا را در زیر میزاب به اسم اعظم «رَبُّ الاربابُ» می‌خواند. بیدار شدم و به خواب رفتم؛ پس بار دیگر مرا صدا زد و همان سخن را گفت. بیدار شدم و باز به خواب رفتم؛ در مرتبه سوّم مرا صدا زد که برخیز که موسی بن جعفرعلیهما السلام خدا را به اسم اعظم می‌خواند در تحت میزاب، سکّین می‌گوید که: برخاستم و غسل کردم، چون به نزد حجر آمدم، شخصی را دیدم که جامه خود را بر سر پیچیده و در سجده است؛ در پشت سر آن حضرت نشستم، این دعا را می‌خواندند «یانُور یا قُدُّوسُ» سه مرتبه، «یاحَیُّ یا قَیُّومُ» سه مرتبه، «یاحَیُّ لایَمُوتُ» سه مرتبه، «یاحَیُّ حینَ لاحَیَّ» سه مرتبه، «یا حَیُّ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ» سه مرتبه، «اَسْئَلُکَ بِلااِلهَ اِلاّ اَنْتْ» سه مرتبه، «اَسْئَلُکَ بِاَنْ لااِلهَ اِلاَّ اَنْتَ» سه مرتبه، «اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ بِسْمِاللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ الْعَزیزِ الْمُبینِ» سه مرتبه؛ سکّین گفت که آن حضرت مکرّر این دعا را خواندند تا من حفظ کردم».(556)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که:

«هر مؤمنی که این کلمات را بخواند من ضامن اویم در دنیا و آخرت؛ اما در دنیا، پس ملائکه او را بشارت دهند در هنگام مردن؛ و اما در آخرت، پس حق تعالی به عدد هر کلمه خانه‌ای در بهشت به او کرامت فرماید، و دعا این است: «یا اَسْمَعَ السَّامِعینَ وَیااَبْصَرَ النّاظرینَ وَیااَسْرعَ الحاسِبینَ وَیااَرْحَمَ الرَّاحِمینَ وَ یا اَحْکَمَ الْحاکمینَ».(557)

باب دوّم: «در بیان اذکاری که مخصوص وقتی چندند»

به سندهای معتبر از حضرت امام موسی کاظمعلیه السلام منقول است که: «چون از نماز شام فارغ شوی از جای خود حرکت مکن تا صد مرتبه بگویی: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلیِّ الْعَظیمِ» و همچنین صد مرتبه بگوید بعد از نماز صبح؛ به درستی که هر که در این دو وقت این را بخواند، حق تعالی از او دفع کند صد نوع از انواع بلا را که کمتر آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان باشد».(558)

و از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که: «هرکه صد مرتبه این کلمات را بخواند بعد از نماز صبح، به اسم اعظم الهی نزدیکتر است از سیاهی چشم به سفیدی آن، به درستی که اسم اعظم در این کلمات داخل است».(559)

و به چندین سند معتبر از حضرت صادقعلیه السلام منقول است که: «هر که این کلمات را بعد از نماز صبح و شام هفت مرتبه بخواند، حق تعالی از او هفتاد نوع از بلا دفع کند که کمترش قولنج و پیسی و دیوانگی و خوره باشد، و اگر نامش در نامه اشقیا باشد محو کنند و در نامه سعدا ثبت نمایند».(560) و در روایت دیگر سه مرتبه واقع شده است با همین ثواب.(561)

و به سند معتبر از حضرت صادقعلیه السلام منقول است که: «هر که صد مرتبه بعد از نماز صبح بگوید: «ماشآءَ اللَّهُ لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِّیِ الْعَظیمِ» در آن روز نبیند امری را که مکروه او باشد».(562)

و به سندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادقعلیه السلام منقول است که: «هرکه پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب ده مرتبه این تهلیل را بخواند که: «لااِلهَ اِلاَّاللَّهُ وَحَدْهُ لاشَریکَ لَه، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمیتُ وَیُحْیی وَیُمیتُ وُهُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شیئی قَدیرٌ». کفاره گناهان او باشد در آن روز؛(563) و به روایت دیگر خدا را ملاقات نکند بنده به بهتر از عمل او، مگر کسی که عمل او را کرده باشد».(564)

و در روایت دیگر وارد شده است که: «سنّت واجب است که این تهلیل را ده مرتبه بخوانند و ده مرتبه بگویند: «اَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمیعِ الْعَلیمِ مِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطینِ وَ اَعُوذُ بِاللَّهِ اَنْ یَحْضُرُونَ اِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ» و فرمود که اگر این ذکر را در این وقت فراموش کنی قضا کن چنانکه نماز را قضا می‌کنی و احادیث در فضیلت این دو ذکر بسیار است».(565)

و به سند معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه در وقت طلوع صبح، ده مرتبه این تهلیل را بگوید که گذشت؛ و

ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد؛ و سی و پنج مرتبه «سُبْحانَ اللّٰه» و سی وپنج مرتبه «لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰه» و سی و پنج نوبت «اَلْحَمْدُلِلّٰه» بگوید، او را در آن صباح از غافلان ننویسند، و اگر همین اذکار را در شام بگوید، او را در آن شب از غافلان ننویسند».(566)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که در وقت شام صد مرتبه «اَللّٰهُ اَکْبَر» بگوید، چنان باشد که صد بنده آزاد کرده باشد».(567)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «هرکه صد مرتبه «اللّٰهُ اَکْبَر» بگوید پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از فرو رفتن آن، حق تعالی ثواب صد بنده آزاد کردن در نامه عملش بنویسد». (568)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که: در فرزند آدم سیصد و شصت رگ هست که صد و هشتاد رگ از آنها متحرّک است و صد و هشتاد رگ دیگر ساکن، که اگر یکی از رگهای متحرّک ساکن شود یا یکی از رگهای ساکن متحرّک شود، او را خواب نمی‌برد؛ بنابر این حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم در هر صبح و هر شام سیصد و شصت مرتبه می‌گفتند: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ کَثیراً عَلی کُلِّ حالٍ».(569)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هرکه در صبح چهار مرتبه بگوید: «اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ»، به تحقیق که شکر آن روز را ادا کرده است؛ و همچنین اگر در شام چهار مرتبه بگوید، شکر آن شب را ادا کرده است».(570)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم بر شخصی گذشتند که باغ خود را درخت می‌کاشت، حضرت ایستادند و فرمودند که می‌خواهی تو را دلالت کنم بر درخت کِشتنی، که اصلش ثابت تر و میوه‌اش زود رس تر و نیکوتر و باقی تر باشد؟ گفت: بلی. فرمود: در هر صبح و شام بگو: «سُبْحانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُلِلّٰهِ وَ لااِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ» تا آن که حق تعالی به عدد هر تسبیحی ده درخت در بهشت به تو کرامت فرماید از انواع میوه‌ها».(571)
و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «در صبح این دعا را بخوان: «اَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤمِناً عَلی دینِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ وَ دینِ الْاَوْصیآءِ وَ سُنَّتِهِمْ امَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلانِیَتِهِمْ وَ شاهِدِهِمْ وَ غائِبِهِمْ وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ وَ عَلِیٌّ وَ الْاَوْصیآءِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ وَ اَرْغَبُ اِلیَ اللّٰهِ فیما رَغِبُوا اِلَیْهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ».(572)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «هرکه در صبح و شام سه نوبت بگوید:

«رَضیتُ بِاللّهِ رَبّاً وَ بِالاِسْلامِ دیناً وَ بِمُحَمَّدٍ صَلّی اللّهُ عَلَیْهِ و الِهِ نَبیّاً وَ بِالْقُرانِ بَلاغاً وَ بِعَلیٍّ اِماماً وبِالْاَوْصیآءِ مِنْ وُلْدِهِ اَئمَّةً».
البته بر حق تعالی لازم است که در روز قیامت او را راضی گرداند». (573)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که:
«هر بنده که قبل از طلوع آفتاب این دعا بخواند:
«اَللَّهُ اَکْبَرُ اَللَّهُ اَکْبَرُ کَبیراً وَسُبْحانَ اللّهِ بُکْرَةً وَاَصیلاً وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ کَثیراً لاشَریکَ لَهُ وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».
ملکی مبادرت نماید و این دعا را در میان بال خود بگیرد و به آسمان برد، و چون به آسمان اوّل درآید ملائکه به او گویند که چه چیز داری؟ در جواب گوید که: شخصی از مؤمنان به این کلمات تکلّم نموده؛ و کلمات را بر ایشان بخواند، ملائکه گویند که: خدا رحم کند آن کسی را که این کلمات را خوانده است و گناهان او را بیامرزد؛ پس به هر آسمان که گذرد ملائکه از او سؤال کنند، و چون جواب گوید همین دعا کنند؛ و آن ملک این کلمات را ببرد ودر دیوان کنوز که اعمال خالص مؤمنان در آنجا مثبت است، ثبت نماید».(574)
و به سند عالی از ابو حمزه ثمالی منقول است که: «از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام سؤال نمود از تفسیر آنچه حق تعالی در شأن حضرت ابراهیم‌علیه السلام فرموده که حقوق الهی و اوامر او را وافی و تمام ادا نمود، حضرت فرمود که چون صبح می‌کرد سه مرتبه می‌گفت:
«اَصْبَحْتُ وَرَبّی مَحْمُوداً اَصْبَحْتُ لااُشْرِکُ بِاللَّهِ شَیْئاً وَلا اَدْعُوا مَعَ اللَّهِ اِلهاً وَ لا اَتَّخِذُ مِنْ دُوْنِهِ وَلِیّاً».
و همچنین در شام سه مرتبه می‌فرمود. و اگر در شام خوانند به جای «اَصْبَحْتُ» در هر دو جا «اَمْسَیْتُ» می‌باید گفت».(575)
و به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام منقول است که:
«چون حضرت نوح‌علیه السلام در هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را می‌خواندند:
«اَللّهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ اَنَّهُ ما اَصْبَحَ بی مِنْ نِعْمَةٍ اَوْعافِیَةٍ فی دینٍ اَوْدُنیا فَمِنْکَ وَحْدَکَ لاشَریکَ لَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الشُّکْرُ بِها عَلَیَّ حَتّی تَرْضی وَبَعْدَ الرِّضا».
به این سبب حق تعالی او را عبد شکور فرمود؛ یعنی بنده بسیار شکر کننده. و اگر در شام خوانَد چنین بگوید: «اَنَّهُ ما اَمْسی بی مِنْ نِعْمَةٍ». (576)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که:
«هرکه در صبح انگشتر عقیق در دست راست خود داشته باشد، و پیش از آن که به احدی نظر کند نگین عقیق را به کف دست خود بگرداند و به آن نگین نظر کند، و سوره «اِنَّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ» بخواند، پس این دعا[را]

بخواند که:
«آمَنْتُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لاشَریکَ لَهُ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَامَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلانِیَتِهِمْ وَظاهِرِهِمْ وَباطِنِهِمْ وَاَوَّلِهِمْ وَاخِرِهِمْ».
حق تعالی او را در آن روز از شرّ جمیع بلاهای آسمان و زمین حفظ نماید». (577)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هرکه بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار بگوید، خدا او را بیامرزد اگر چه هفتاد هزار گناه کرده باشد».(578)
وبه سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنینعلیه السلام منقول است که: «هرکه در وقت شام سه مرتبه بگوید: «سُبْحانَ اللَّهِ حینَ تُمْسُونَ وَحینَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فی السَّمواتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِیّاً وَحینَ تُظْهِرُونَ» هیچ خیری در آن شب از وی فوت نشود، و جمیع شرور و بدی های آن شب از او رفع شود؛ و همچنین اگر در صبح سه مرتبه بخواند، هیچ خیری در آن روز از وی فوت نشود، و جمیع شرور آن روز از او دور شود».(579)
و به سند معتبر از حضرت صادقعلیه السلام منقول است که: «هرکه بعد از نماز شام سه مرتبه بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی یَفْعَلُ مایَشاءُ وَلا یَفْعَلُ مایَشاءُ غَیْرُهُ» حق تعالی به او خیر بسیار کرامت فرماید».(580)
و به سند صحیح منقول است از حضرت صادقعلیه السلام که: «حضرت رسالت پناه، محمدصلی الله علیه وآله وسلم فرمود که: چون به معراج رفتم ملائکه مرا دعایی تعلیم نمودند که هر صبح و شام می‌خوانم:
«اَللَّهُمَّ اِنَّ ظُلْمی اَصْبَحَ مُسْتَجیراً بِعَفْوِکَ وَذَنْبی اَصْبَحَ مُسْتَجیراً بِمَغْفِرَتِکَ وَذُلّی اَصْبَحَ مُسْتَجیراً بِعِزَّتِکَ وَفَقْری اَصْبَحَ مُسْتَجیراً بِغِناکَ وَوَجْهِیَ الْبالی اَصْبَحَ مُسْتَجیراً بِوَجْهِکَ الْباقی الذّی لایَفْنی .(581)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «شیبه هذلی به خدمت حضرت رسولصلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: یا رسول اللَّه! من پیر شده‌ام، و قوتم ضعیف شده است، و از اعمالی که عادت کرده بودم - از نماز و روزه و حج و جهاد – باز مانده‌ام، پس مرا کلامی تعلیم فرما که حق تعالی مرا به آن نفع دهد، و سبک کن بر من، یا رسول اللَّه!
حضرت فرمود که: اعاده کن این سخن را تا آن که سه مرتبه این کلام را اعاده نمود، حضرت فرمود: بر دور تو هیچ درختی و کلوخی نماند مگر آن که گریست به سبب ترحّم بر تو، پس چون نماز صبح بکنی ده مرتبه بگو: «سُبْحانَ اللَّهِ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ وَلاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلیِّ الْعَظیم»، به درستی که حق تعالی تو را عافیت می‌دهد به سبب این ذکر از کوری و دیوانگی و خوره و فقر وضعف و پیری.
گفت: یا رسول اللَّه! این برای دنیاست از برای آخرت چه چیز باید خواند؟

فرمود: بعد از هر نماز بگو:
«اَللّهُمَّ اهْدِنی مِنْ عِنْدِکَ وَاَفِضْ عَلَّیَ مِنْ فَضْلِکَ وَانْشُرْ عَلَّیَ مِنْ رَحْمَتِکَ وَاَنْزِلْ عَلَّیَ مِنْ بَرَکاتِکَ».
بعد از آن فرمود که: اگر کسی این دعا را عمداً ترک نکند تا از دنیا برود، در قیامت هشت درِ بهشت را برای او بگشایند که از هر دری که خواهد داخل شود».(582)
و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: «هر که هر روز بیست و پنج نوبت بگوید: «اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمِینَ وَالْمُسْلِماتِ» حق تعالی به عدد هر مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد تا روز قیامت، حسنه در نامه عمل او بنویسد، و گناه از او محو کند، و درجه از برای او بلند گرداند».(583)
و به سند معتبر از هلقام منقول است که: «به حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام عرض نمود که: دعایی تعلیم من نما که جامع مطالب دنیا و آخرت باشد، حضرت فرمود که: بعد از صبح تا طلوع آفتاب بگو: «سُبْحانَ اللّهِ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَاَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ»، هلقام گفت: که من بد حال تر و پریشان تر از جمیع اهل بیت خود بودم، و به برکت این دعا امروز حالم از همه بهتر است».(584)
شیخ طوسی علیه الرّحمة و الرضوان، در تعقیب نماز صبح فرموده که: «صد نوبت بگوید: «اَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ»، و صد نوبت بگوید: «اَسْئَلُ اللّهَ الْعافِیَةَ»، و صد مرتبه «اَسْتَجیرُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ وَاَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ»، و صد نوبت اَسْئَلُ اللّهَ الْحُورَ الْعینَ»، و صد نوبت سوره «قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَد» بخواند و صد مرتبه بگوید: «صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، و صد نوبت بگوید: «سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّهِ الْعَلیِّ الْعَظیم»، و ده نوبت آیة الکرسی، و ده نوبت سوره «اِنّا اَنْزَلْناهُ» بخواند، و ده نوبت این دعا را بخواند:
«اَللّهُمَّ اَقْذِفْ فی قُلُوبِ الْعِبادِ مَحَبَّتی وَضَمِّنِ السَّمواتِ وَالْاَرْضَ رِزْقی وَاَلْقِ الرُّعْبَ فی قُلُوبِ اَعْدائِکَ مِنّی وَانْشُرْ رَحْمَتِکَ لی وَاَتْمِمْ نِعْمَتَکَ عَلَیَّ وَاجْعَلْها مَوْصُولَةً بِکَرامَتِکَ اِیّایَ وَاَوْزِعْنی شُکْرَکَ وَاَوْجِبْ لِیَ الْمَزیدَ مِنْ لَدُنْکَ وَلاتُنْسِنی ذِکْرَکَ وَلا تَجْعَلْنی مِنَ الْغافِلینَ».(585)

بدان که بهترین تعقیبات تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات اللَّه علیها است: سی و چهار مرتبه «اَللَّهُ اکْبَر»، و سی و سه مرتبه «اَلْحَمْدُ لِلّه»، و سی و سه مرتبه «سُبْحان اللَّه»، چنان که به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «عبادت کرده نمی‌شود خدا به تحمیدی که بهتر باشد از تسبیح فاطمه‌علیها السلام؛ و اگر از آن چیزی بهتر می‌بود حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم آن را به فاطمه‌علیها السلام عطا می‌فرمود».(586)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «تسبیح حضرت فاطمه‌علیها السلام را در عقب هر نماز هر که هر روز بخواند، محبوب‌تر است نزد من از این که هزار رکعت نماز در هر روز بکند». (587)
و در حدیث دیگر فرمود که: «هر که تسبیح فاطمه‌علیها السلام را بخواند و بعد از آن «لا اِلهَ اِلاَّ اللَّه» بگوید، گناهانش آمرزیده شود».(588)
و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: «روزی حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم به اصحاب خود فرمود: آنچه دارید از جامها و ظرفها، اگر جمع کنید و بر روی هم گذارید به آسمان می‌رسد؟
گفتند: نه، یارسول اللَّه.
فرمود: می‌خواهید که شما را دلالت کنم بر عملی که اصلش بر زمین است و شاخش در آسمان؟
گفتند: بلی، یا رسول اللَّه!
فرمود: هر یک از شما که از نماز واجب خود فارغ شود، سی نوبت بگوید: «سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ واللَّهُ اَکْبَرُ»، به درستی که اصل این کلمات در زمین است و شاخش در آسمان، و دفع می‌کند سوختن و غرق شدن و خانه خراب شدن و به چاه افتادن و مرگهای بد را از خواننده خود، و اینهایند باقیات صالحات».(589)
و به سند معتبر دیگر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه چهل مرتبه این تسبیحات اربع را بعد از هر نماز فریضه بخواند، پیش از آن که پای خود را از قبله بگرداند، هر حاجتی که از خدا سؤال کند به او عطا فرماید».(590)
و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام مروی است که: «هرکه بعد از نماز فریضه پیش از آن که پاهای خود را از حالت تشهد تغییر دهد، سه مرتبه بگوید: «اَسْتَغْفِرُاللَّهَ الَّذی لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذَاالْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ»، حق تعالی گناهان او را بیامرزد، اگرچه مثل کف

دریاها باشد».(591)
و به سند صحیح از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام مروی است که فرمود: «کمتر چیزی که مجزی است از دعا بعد از نماز فریضه، این است که بگویی:
«اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئلُکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍاَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ وَ اَعُوذُبِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ اَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئلُکَ عافِیَتَکَ فی اُموری کُلِّها وَ اَعُوذُبِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَ عَذابِ الاخِرَةِ».(592)
و به سند معتبر دیگر منقول است که: «محمد بن ابراهیم به خدمت حضرت امام موسی‌علیه السلام نوشت که می‌خواهم که دعایی تعلیم من فرمایی که بعد از نماز بخوانم، و حق تعالی به سبب آن خیر دنیا و آخرت را برای من جمع نماید، حضرت فرمود بگو:
«اَعُوذُ بِوَجْهِکَ الْکَریم وَ عِزَّتَکَ الّتی لا تُرامُ وَ قُدْرَتِکَ الّتی لایَمْتَنِعُ مِنْها شَیئٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَ الاخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ الاَوْجاعِ کُلِّها».(593)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه بعد از نماز واجب سی مرتبه «سُبْحان اللّه» بگوید، بر بدنش گناهی نماند مگر آن که بریزد».(594)
و به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «کسی که خواهد که چون از دنیا برود از گناهان پاک باشد مانند طلای بی‌غش، و مظلمه احدی نزد او نباشد که از او طلب نماید، باید که بعد از نمازهای پنجگانه دوازده مرتبه «قُلْ هُوَ اللّهُ احد» بخواند، پس دست خود را به جانب آسمان بگشاید و بگوید:
«اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ الْمُخْزُونِ الطُّهْرِ الطّاهِرِ الْمُبارَکِ وَ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیم و سُلْطانِکَ الْقَدیم یا واهِبَ الْعَطایا وَ یا مُطْلِقَ الْاُساری وَ یا فَکّاکَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ اَسئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی مِنَ النّارِوَ اَنْ تُخْرِجَنی مِنَ الدُّنیا امِناً وَ تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ سالِماً وَ اَنْ تَجْعَلَ دُعآئی اَوَّلَهُ فَلاحاً وَ اَوْسَطَهُ نَجاحاً وَ اخِرَهُ صَلاحاً اِنَّکَ أنْتَ عَلاّمُ الْغُیُوبِ».
بعد از آن فرمود که: این از دعاهای مخفی است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم تعلیم من نمود، و امر فرمود که تعلیم حضرت امام حسن و حضرت امام حسین - صلوات اللّه علیهما - نمایم».(595)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم فتح مکه نمودند، نماز ظهر را نزد حجر الاسود با اصحاب خود ادا نمودند؛ و چون سلام گفتند، سه مرتبه دست برداشتند و سه مرتبه اللّه اکبر گفتند، پس این دعا خواندند:
«لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ اَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ الاَحْزابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَ یُمیتُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیئٍ

قَديرٌ».
پس رو به اصحاب خود کردند و فرمودند که ترک مکنید این سه تکبیر و این دعا را، بعد از هر نماز واجب؛ به درستی که هر که بعد از سلام نماز این را بخواند به تحقیق که ادا کرده است آنچه بر او واجب است از شکر حق تعالی و تقویت اسلام و اهل اسلام».(596)
و به سند صحیح منقول است از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی که به خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام عرض کردم: چگونه صلوات و سلام بعد از نماز واجب بر حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم می‌باید فرستاد؟ حضرت فرمود که بگو:
«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَبْنَ عَبْدِاللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوَةَ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمِینَ اللَّهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ رَسُوْلُ اللَّه وَاَشْهَدُ اَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللَّهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمّتِکَ وَ جاهَدْتَ فی سَبیلِ رَبِّکَ وَ عَبَدْتَهُ حَتّی اَتیکَ الْیَقینُ فَجَزاکَ اللَّهُ خَیْراً یا رَسُولَ اللَّهِ اَفْضَلَ ما جَزی نَبیّاً عَنْ اُمَّتِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اِبْراهیمِ وَ الِ اِبْراهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ».(597)
و موافق احادیث معتبره می‌باید بعد از هر نماز بگوید:
«اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اَعِذْنا مِنَ النّارِ وَارْزُقْنَا الجَنَّةَ وَ زَوِّجْنا مِنَ الْحُورِ الْعینِ».(598)
و به سند معتبر منقول است که: «حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام از جای نماز خود بر نمی‌خاستند تا چهار ملعون و چهار ملعونه را لعنت نمی‌کردند پس باید که بعد از هر نماز بگوید: «اَللّهُمَّ الْعَنْ الْجِبْتَر وَ الزِّریقَ وَ الثّالِثَ وَ الرّابِعَ فُلانَةَ وَ فُلانَةَ و هِنْدَ وَ اُمَّ الْحَکَمِ» و بعضی از تعقیبات در باب فضایل سور و آیات قرآنی مذکور شد به همین اکتفا می‌نماییم».(599)

فصل سوّم: در تعقیب مخصوص نماز ظهر است

به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام منقول است که: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم بعد از نماز ظهر این دعا می‌خواندند:

لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ الْعَظیمُ الْحَلیمُ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَریمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مُوجِباتِ رَحْمَتِکَ وَ عَزآئِمَ مَغْفِرَتِکَ وَ الْغَنیمَةِ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ وَ السَّلامَةِ مِنْ کُلِّ اِثْمٍ اَللَّهُمَّ لا تَدَعْ لی ذَنْباً اِلاَّ غَفَرْتَهُ وَ لا همّاً اِلاَّ فَرَّجْتَهُ وَ لا سُقْماً اِلاَّ شَفَیْتَهُ وَ لا عَیْباً اِلاَّ سَتَرْتَهُ وَ لارِزْقاً اِلاَّ بَسَطْتَهُ وَ لا خَوْفاً اِلاَّ امَنْتَهُ وَ لا سُوءً اِلاَّ صَرَفْتَهُ وَ لا حاجَةً هِیَ لَکَ رِضاً وَلِیَ فیها صَلاحٌ اِلاَّ قَضَیتُها یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ».(600)

فصل چهارم: در بیان تعقیب مخصوص نماز عصر است

به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق‌علیه السلام منقول است که:
«هر که بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار بکند، حق تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد، و اگر هفتصد گناه نداشته باشد باقی را از گناهان پدرش بیامرزد، و اگر پدرش آن قدر گناه نداشته باشد از گناهان مادرش، و اگر نه از گناهان برادرش، و اگر نه از گناهان خواهرش، و همچنین باقی خویشان هر که به او نزدیک‌تر باشد».(601)
و در حدیث دیگر هفتاد و هفت مرتبه استغفار وارد شده است. و ثواب عظیم برای ده مرتبه سوره «اِنَّا اَنْزَلْناه» بعد از نماز عصر خواندن، گذشت.(602)
و به سند معتبر از حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که: «هر که هر روز بعد از نماز عصر یک مرتبه بگوید:
«اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذی لااِلهَ اِلاَّ هُوَ الْحَیُّ القَیّومُ اَلرَّحْمنُ الرَّحیمُ ذُالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ وَ اَسْئَلُه اَنْ یَتُوبَ عَلَیَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلیلٍ خاضِعٍ فَقیرٍ بائسٍ مِسکینٍ مُسْتَکینٍ مُسْتَجیرٍ لا یَمْلِکُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَ لا ضَرّاً وَ لاَ مَوْتاً وَ لا حَیوةً وَ لاَ نشُوراً».
حق تعالی امر فرماید که: صحیفه گناهان او را بدرند هر چند گناه بسیار در آن باشد».(603)

فصل پنجم: در بیان تعقیب مخصوص نماز خفتن است

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که:
«هرکه بعد از نماز خفتن هفت نوبت سوره «اِنَّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْر» بخواند در ضمان الهی باشد تا صبح».(604)
و شیخ طوسی رحمة اللّٰه علیه نقل کرده است که: «مستحبّ است بعد از نماز خفتن سوره حمد و «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَد» و «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاس» و «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق» هر یک را ده مرتبه و تسبیحات اربع را ده مرتبه «واللّهُمّ صَلِّ عَلی مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمّدٍ» ده مرتبه».(605)

فصل ششم: در بیان سجده شکر است

بدان که از جمله سنّتهای مؤکّد بعد از هر نماز، سجده شکر است و فضایل این سجده در احادیث بسیار است.
حتی آن که به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «دو سجده شکر واجب است بر هر مسلمانی، نماز خود را به آن تمام می‌کنی، و خداوند خود را خوشنود میگردانی، و ملائکه را به عجب می‌آوری. به درستی که بنده ای که نماز می‌کند و بعد سجده شکر بجا می‌آورد، حق تعالی حجاب از میان بنده و ملائکه بر می‌دارد، و می‌فرماید که: ای ملائکه! نظر کنید به بنده من که فرض مرا ادا کرد، و عهد مرا تمام کرد، و بعد از آن شکر نعمت مرا به جا می‌آورد، ای ملائکه! چه ثواب او را نزد من هست؟
ملائکه می‌گویند که: پروردگارا! رحمت خود را شامل حال او گردان.
باز می‌فرماید: دیگر چه چیز به او عطا کنم؟
می‌گویند: پروردگارا! بهشت خود را به او عطا کن.
باز می‌فرماید که: دیگر چه چیز به او کرامت فرمایم؟
می‌گویند که: امور او را کفایت کن؛ و همچنین حق تعالی سؤال می‌نماید، و ملائکه جواب می‌گویند تا آن که هیچ چیز نمی‌ماند که علم ملائکه به آن احاطه کند مگر آن که او را می‌گویند.
باز چون حق تعالی سؤال نماید، ایشان می‌گویند که: پروردگارا! علم ما به زیاده از این احاطه نکرده است.
پس حق تعالی فرماید که: من شکر او می‌کنم چنان که او شکر من کرد، و روی فضل و احسان خود به سوی او می‌دارم، و او را در مراتب قرب و معرفت خود کامل می‌گردانم».(606)
به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات اللَّه علیهما منقول است که: «چون حق سبحانه و تعالی به حضرت موسی‌علیه السلام خطاب فرمود: ای موسی! می‌دانی که چرا تو را از میان بندگان خود برگزیدم و کلیم خود گردانیدم؟ گفت: نه ای پروردگار من!
خطاب رسید که من چون نظر کردم نفس تو را نزد بندگی خود از همه کس ذلیل تر یافتم، هرگاه که از نماز فارغ می‌شوی دو طرف روی خود را بر خاک می‌گذاری، پس حضرت موسی‌علیه السلام به سجده درآمد و پهلو های روی خود را از روی تذلّل بر خاک مالید نزد پروردگار خود، حق تعالی به او وحی نمود که سر بردار ای موسی! و دست خود را بر موضع سجود به مال و بر رو و بدن بمال که باعث ایمنی تو می‌شود از هر بلایی و دردی

و آفتى».(607)
بدان كه اقلّ سجده شكر آن است كه سر به سجده گذارد و سه مرتبه بگويد: «شُكْراً لِلَّه» چنانچه از حضرت امام رضاعليه السلام منقول است.(608)
همچنين از آن حضرت منقول است كه: «صد مرتبه «عفواً» بگويد، يا صد مرتبه «شُكْراً» (609) و اگر در سجده اول صد مرتبه «عَفواً» يا «اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ» بگويد، بعد از آن جانب راستِ رو را بر زمين گذارد و هر دعا و هر ذكرى كه داند بخواند، مثل «يا اَللَّهُ يا رَبّاهُ يا سَيِّداهُ» و همچنين پهلوى چپ رو را بر زمين گذارد چنين دعا يا ذكرى بخواند، بار ديگر پيشانى را بر زمين گذارد و صد مرتبه «شُكراً شُكراً» بگويد خوب است.
و در اين سجده بر خلاف سجده‌هاى نماز، سنّت است كه دستها را بر زمين بخواباند، و سينه و شكم را به زمين برساند.
و همچنين مستحب است كه حاجات خود را و برادران مؤمن خود را طلب نمايد، و در تضرّع و زارى و مناجات تقصير ننمايد، و بسيار طول بدهد.
چنان كه در احاديث معتبره وارد شده است كه: «بنده در هيچ حالت قرب او به خدا زياده نيست از حالتى كه در سجود گريان باشد».(610)
و ائمه صلوات اللَّه عليهم سجده‌هاى بسيار طولانى بجا مى‌آورده اند، به خصوص امام موسى كاظم‌عليه السلام كه بعد از نماز صبح به سجده مى‌رفته‌اند، و روز كه بلند مى‌شده است سر از سجده بر مى‌داشته اند؛ و اگر در حالى بوده‌اند كه مشغول هدايت خلق نمى‌توانسته اند شد مثل اكثر حالات، در سجده بوده‌اند.
و همچنين كبار اصحاب ايشان اين طريقه را داشته‌اند؛ حتى آن كه نقل كرده‌اند كه بعضى از ايشان آن قدر طول مى‌داده‌اند سجده را كه مرغ در پشت ايشان آشيانه مى‌گذاشت، و دعاهاى سجده از اهل بيت صلوات اللَّه عليهم بسيار منقول است و اين كتاب گنجايش ذكر آنها ندارد.
و بهترين آنها آن است كه كلينى به سند حسن روايت كرده است كه: «عبداللَّه بن جندب از حضرت امام موسى كاظم‌عليه السلام سؤال نمود از دعايى كه در سجده شكر بخواند، حضرت فرمود: چون به سجده مى‌روى بگو:
«اَللَّهُمَّ اِنّى اُشْهِدُكَ وَكَفى بِكَ شَهيداً وَاُشْهِدُ مَلائِكَتَكَ وَاَنْبيائَكَ وَرُسُلِكَ وَجَميعَ خَلْقِكَ اَنَّكَ اللَّهُ رَبّى وَالْاِسْلامَ دينى وَمُحَمَّداً نَبيّى وَعَليّاًوَالْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلّىِ بنَ الْحُسينِ وَمُحَمَّدٍ بْنَ عَلّىٍ وَجَعْفَرَبْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلىَّ بْنَ موسى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلىٍّ وَعَلىِّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلىٍّ وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ اَئَمَّتى بِهِمْ اَتَوَلّى وَمِنْ اَعْدائِهِمْ اَتَبَرَّأُ[اَللَّهُمَّ اِنّى اُنْشِدُكَ دَمِ الْمَظْلُوم» سه مرتبه]در روايت كافى اين فقره هست.
پس بگويد:

«اَللّهُمَّ اِنّی اَنْشِدُکَ بِایوائِکَ عَلی نَفْسِکَ لاِوْلیائِکَ لَتُظَفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّکَ وَعَدوِّهِمْ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلیَ الْمُسْتَحْفِظینَ مِنْ آلِ مَحَمَّدٍ» سه مرتبه و بگو: «اللّهُمّ إنّی أنشدک بایوائک علی نفسک لأعدائک لتهلکنهم ولتخزینّهم بأیدیهم وایدی المؤمنین و أن تصلّی علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وعلی المستحفظین من آل محمّد اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ الْیُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ» سه مرتبه.

بعد از آن پهلوی راست رو را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی:

«یا کَهْفی حینَ تُعْیینی الْمَذاهِبُ وَتَضیقُ عَلَیَّ الْاَرْضُ بِما رَحُبَتْ وَیا بارِیءُ خَلْقی رَحْمَةً بی وکُنْتَ عَنْ خَلْقی غَنِیّاً صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِمُحَمّدٍ وَعَلیَ الْمُسْتَحْفِظینَ مِنْ الِ مُحَمَّدٍ».

پس جانب چپ را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی: «یامُذِلَّ کُلِّ جَبّارٍ وَیامُعِزَّ کُلِّ ذَلیلٍ قَدْ وَعِزَّتِکَ بَلِغْ مَجْهودی» سه مرتبه پس می‌گویی: «یا حَنَّانُ یا مَنَّان یا کاشِفَ الْکَرْبِ العِظام» سه مرتبه . پس بار دیگر سر را بسجده می‌گذاری و صد مرتبه می‌گویی «شُکْراً شُکْراً».

سپس می‌گویی: «یا سَامِعَ الصَوْتَ یا سَابِقَ الفَوْتَ یا بارِیء النّفُوس بَعْدِ المَوتِ صَلِّ عَلی مُحمّدٍ وآلِ مُحمّدٍ وَافْعلْ بی کذا وکذا».(611)

و در روایت دیگر وارد شده است که: «حضرت امام موسی کاظم‌علیه السلام در سجده اول هزار مرتبه «اَلْعَفْو اَلْعَفْو» فرمودند».(612) در کافی در ضمن حدیث راوی می‌گوید: بعد از نماز ظهر حضرت به سجده رفتند و بعد از گریه و دعا در سجده، شمارش کردم هزار مرتبه «العفو» گفتند.

و در حدیث دیگر وارد شده است که: «آن حضرت در سجود این دعا می‌خواندند:

«اَعُوذُبِکَ مِنْ نارٍ حَرُّها لایُطفی وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ نارٍ جَدیدُها لایُبْلی وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ نارٍ عَطْشانُها لایُرْوی وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ نارٍ مَسْلوبُها لایُکْسی .(613)

و در حدیث دیگر مروی است که: «حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام در سجده این دعا می‌خواندند:

«اِرْحَمْ ذُلّی بَیْنَ یَدَیْکَ وَتَضَّرُعی اِلَیْکَ وَوَحْشَتی مِنَ النَّاسِ وَاُنْسی بِکَ یاکَریمُ».(614)

فصل هفتم: در بیان اذکاری است که در هنگام خواب باید خواند

بدان که مستحب است که در هنگام خوابیدن با وضو باشد و به جانب راست رو به قبله، سوره‌ها و آیات که در باب فضایل قرآن مذکور شده بخواند، و بهترین اذکار در این وقت، تسبیح حضرت فاطمه زهراعلیها السلام است.
چنانچه به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات اللّٰه علیه منقول است که: «چون آدمی شب در جای خواب خود می‌خوابد، مَلَک بزرگواری و شیطان متمردی بسوی او مبادرت می‌نمایند؛ پس ملک به او می‌گوید که: روز خود را ختم کن به خیر، و شب خود را افتتاح کن به خیر. و شیطان به او می‌گوید که: روز خود را ختم کن به گناه، و شب خود را افتتاح کن به گناه.
پس اگر طاعت ملک کرد، و تسبیح فاطمه زهراعلیها السلام را در وقت خواب خواند، ملک آن شیطان را می‌زند و از او دور می‌کند، و او را محافظت و نگاهبانی می‌کند تا بیدار شود؛ پس باز شیطان می‌آید و او را امر می‌کند که ختم شب و افتتاح روز به گناه بکند، و ملک او را به خیر امر می‌کند؛ پس اگر اطاعت ملک کرد و تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات اللّٰه علیها خواند، آن ملک شیطان را از او دور می‌کند، و حق تعالی عبادت تمام آن شب را در نامه عملش می‌نویسد».(615)
و به سند معتبر از حضرت امام علی النقی‌علیه السلام منقول است که فرمود: «ما اهل بیت را، در هنگام خوابیدن، ده خصلت می‌باشد: با طهارت می‌باشیم و به دست راست می‌خوابیم، و (دست را در زیر رو می‌گذاریم)، و تسبیح فاطمه‌علیها السلام می‌خوانیم، و رو به قبله می‌خوابیم، و سوره حمد و آیة الکرسی و آیه «شهد اللّٰه» را می‌خوانیم، پس هرکه چنین کند بهره خود را از ثواب در آن شب برده است».(616)
و به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هرکه در وقت خواب یازده مرتبه سوره «اِنَّا اَنْزَلْناه» بخواند، حق تعالی یازده ملک بر او موکّل گرداند که او را تا صبح حفظ نمایند از شرّ شیطان رجیم». (617)
و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «هر که در وقتی که به رختخواب می‌رود یازده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد» را بخواند، گناهان او آمرزیده شود، و او را شفیع کنند در همسایگان خود؛ و اگر صد مرتبه بخواند، گناهان آینده او تا پنجاه سال آمرزیده می‌شود».(618)
و در حدیث دیگر فرمود: «اگر کسی در خواب ترسد در وقت خواب سوره «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْنَّاس» و «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَق» و آیة الکرسی بخواند».

(619)
و به سند معتبر از آن حضرت منقول است که: «هرکه در وقت خواب سه نوبت بگوید:
«اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی عَلا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی مَلِکَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی یُحْیِی الْمَوْتی وَ یُمیتُ الاَحْیاءَ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ‌ءٍ قَدیرٍ».
از گناهان بیرون آید، مانند روزی که از مادر متولد شده بود».(620)
و در حدیث دیگر فرمود: «حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم در هنگام خواب آیةالکرسی می‌خواندند وبعد از آن می‌فرمودند که:
«بِسْمِ اللَّهِ امَنْتُ بِاللَّهِ وَکَفَرْتُ بِالطّاغُوتِ اَللَّهُمَّ احْفَظْنی فی مَنامی وَ فی یَقْظَتی .(621)
و به سند معتبر از حضرت امام موسی کاظم‌علیه السلام منقول است که: «کسی که خواهد در میان شب بیدار شود، در وقت خواب این دعا بخواند:
«اَللّهُمَّ لاتُنْسِنی ذِکْرَکَ وَلا تُؤْمِنّی مَکْرَکَ وَلا تَجْعَلْنی مِنَ الْغافِلینَ وَاَنْبِهْنی لاَحَبِّ السّاعاتِ اِلَیْکَ اَدْعُوکَ فیها فَتَسْتَجیبَ لی وَاَسْئَلُکَ فَتُعْطِیَنی وَاَسْتَغْفِرُکَ فَتَغْفِرَلی اِنَّهُ لایَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاَّ اَنْتَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ».
فرمود که چون این دعا را بخواند، حق تعالی دو ملک بسوی او بفرستد که او را بیدار کنند، پس اگر بیدار شود فَبِها(622) و اگر بیدار نشود حق تعالی ایشان را امر فرماید که از برای او استغفار نمایند، و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد، و اگر بیدار شود هر حاجتی که از حق تعالی بطلبد به او عطا فرماید».(623)
و از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام منقول است که: «چون این کس در شب از پهلو به پهلو گردد سنّت است که بگوید: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ اَکْبَرُ». (624)
سید بن طاوس «علیه الرّحمة» به سند معتبر از حضرت صادق‌علیه السلام روایت کرده است که: «کسی که خواهد حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب به بیند، بعد از نماز خفتن غسل کند، و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره حمد یک مرتبه و صد مرتبه آیةالکرسی بخواند، و بعد از نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و بر جامه پاکی بخوابد که حلال و حرام بر روی آن جامه وطی نکرده باشد، و دست راست خود را بر زیر گونه راست خود بگذارد، و صد مرتبه بگوید:
«سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ اَکْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ». و صد مرتبه بگوید «ما شآءَ اللَّهُ» و به خواب رود آن حضرت را در خواب می‌بیند».(625)
و سید مذکور نقل کرده است که: «اگر خواهد حضرت امیرالمؤمنین‌علیه السلام را در خواب ببیند، در وقت خواب این دعا را بخواند:

«اَللّهُمَّ اِنّی أسْئَلَکَ یا مَنْ لَهُ لَطْفٌ خَفِّیٌ وَاَیادِیهِ باسِطَةٌ لاتَنْقَضی اَسْئَلَکَ بِلُطْفِکَ الْخَفّیِ الَّذی ما لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ اِلاَّ لَقیَ کَفی اَنْ تُرِیَنی مَوْلایَ اَمیرَالْمُؤمنینَعلیه السلام فی مَنامی .(626)

و به سند دیگر روایت کرده است: «کسی که خواهد که میّت خود رادر خواب ببیند با طهارت بخوابد، و تسبیح حضرت فاطمهعلیها السلام بخواند، پس این دعا [را] بخواند:

«اَللّٰهمَ اَنْتَ الْحَیُّ الَّذی لایُوصَفُ، وَالْایمانُ یُعرَفُ مِنهُ، منک بَدَتِ الْاَشیاءُ واِلَیْکَ تَعوُدُ، فَما اَقْبَلَ مِنها کُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجاهُ وَما اَدْبَرَ مِنْها لَمْ یَکُنْ لَهُ مَلْجأٌ وَلا مَنْجاه مِنْکَ اِلاَّ اِلَیْکَ. فَاَسْئَلُکَ بِلااِله اِلاَّ اَنْتَ وَاَسْئَلُکَ بِبسْمِ اللّٰه الرَّحْمنِ الرَّحیم وَبِحَقِّ حَبیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلیهِ وَالِهِ سَیِّدِ النَّبیینَ وَبِحَقِّ عَلیٍّ سَیِّدِ الْوَصیّینَ وَبِحَقِّ فاطِمَةَ سَیدَةِ نِساۤءِالْعالَمینَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ الَّذَیْنِ جَعَلْتَهُما سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ السَّلام، اَنْ تُصَلّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرینی مَیِّتی فِی الحالِ الَّتی هُوَ عَلَیْها [فیها]».(627)

چنین گوید مؤلف این کتاب که: به برکت اهل بیت رسالتعلیهم السلام، اذکار و ادعیه و اوراد و اعمال و عبادات، آن قدر هست که از عهده صد هزار یک آن به در نمی‌توان آمد، پس چه حاجت است به مرتکب شدن اعمال بدعت که از مشایخ اهل سنّت به جمعی از جاهلان و بیخردان به میراث رسیده. و آنچه این فقیر در این کتاب بر سبیل اجمال از هزار، یک و از بسیار، اندکی آورده‌ام، اگر کسی به اینها عمل نماید، تمام وقت آن را فرا می‌گیرد. و به اجمال طریقه اهل بیت رسالتعلیهم السلام مضبوط و معلوم است، و کسی که راه متابعت ایشان را خواهد واضح و ظاهر است؛

و اول چیزی که از اعمال، ایشان مبالغه بسیار در آن نموده‌اند، و بر همه اعمال ترجیح دارد، نماز پنجاه و یک رکعت است، که هفده رکعت آن نماز پنجگانه است. و باقی هشت رکعت نافله پیشین است که پیش از نماز ظهر می‌باید کرد. و هشت رکعت نافله پسین است که پیش از فریضه عصر می‌باید کرد. و چهار رکعت نافله شام است که بعد از نماز شام می‌باید کرد. و دو رکعت نماز و تیره است که بعد از نماز خفتن نشسته می‌کنند و به یک رکعت حساب می‌شود. و هشت رکعت نماز شب با دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وَتر که بعد از نصف شب می‌باید کرد. و دو رکعت نافله صبح است که پیش از نماز صبح می‌باید کرد.

و این نافله‌ها را هر دو رکعت به یک سلام می‌باید کرد. اینها در فضیلت و تأکید تالی مرتبه واجبات اند که حضرت رسولصلی الله علیه وآله وسلم همیشه بر اینها مداومت می‌نموده‌اند، و اگر ترک شود مانند واجبات قضا می‌باید کرد.

دیگر از جمله سنن آن حضرت روزه هر ماه سه روز است، یعنی پنجشنبه اول ماه، و چهارشنبه اول از دهه میان ماه، و پنجشنبه آخر؛ و تمام ماه

مبارک شعبان که حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله وسلم در این ماه روزه بودند تا از دنیا مفارقت نمودند. و این سه روز نیز اگر ترک شود قضا می‌باید کرد.
دیگر از اعمال مؤکّد که فضایل نامتناهی در آن وارد شده است نماز جعفر طیّار است، و این چهار رکعت است به دو سلام، و مستحب است که در رکعت اوّل سوره حمد و «اذا زلزلت» بخواند، و در رکعت دوّم سوره حمد و سوره عادیات، و در رکعت سوم سوره حمد و «اِذا جاءَ نَصْرُاللّه»، و در رکعت چهارم سوره حمد و «قُلْ هُوَ اللّه»؛ و اگر در هر رکعتی سوره «قُلْ هُوَ اللّه اَحَد» بخواند خوب است؛ بعد از سوره در هر رکعتی پانزده مرتبه بگوید: «سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا الهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ» و در هر رکوعی، و در هر سر برداشتن از رکوع، و در هر سجود ی، و در هر سر برداشتن از سجود، ده مرتبه بگوید. و سنّت است که در سجده آخر بعد از تسبیحات این دعا بخواند:
«سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ العِزَّ وَالْوَقار. سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لایَنْبَغِی التَّسْبیحُ اِلاَّ لَهُ. سُبْحانَ مَنْ اَحْصی کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ. سُبْحانَ ذِی الْمَنِّ وَالنِّعَم. سُبْحانَ ذِی الْقُدْرةِ وَالْکَرَم. سُبْحان ذِی الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ. سُبْحانَ ذِی الْقُوَّةِ وَالطَّولِ. اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ وَمُنْتَهی الرَّحْمَةِ مِنْ کِتابِکَ وَبِاسْمِکَ الْاَعْظَمْ وَکَلِماتِکَ التّامَّةِ الَّتی تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً اَنْ تُصَلّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَاَهْل بَیْتِهْ» بعد از آن حاجات خود را از حق تعالی بطلبد، چون از نماز فارغ شود تسبیح حضرت فاطمه‌علیها السلام را بخواند.
و در احادیث وارد شده است که هر که این نماز را بکند، گناهان او آمرزیده شود اگر چه به قدر کف دریاها و ریگ بیابان گناه داشته باشد. و دوازده هزار حسنه از برای او بنویسند که هر حسنه بزرگتر از کوه احد باشد.(628) و این نماز را در همه وقت می‌توان کرد و به جای نافله شب و روز می‌توان کرد.
و در حدیث است که: هر شب یا هر روز بکن. و اگر نتوانی، هر هفته یک مرتبه بکن. و اگر نتوانی، ماهی یک مرتبه بکن، و اگر نتوانی، سالی یک مرتبه بکن. و در شب و روز جمعه، فضیلت این نماز، زیاده از سایر ایّام است.
و در حدیث معتبر وارد شده است که: اگر کسی را حاجتی ضروری باشد اصل نماز را بکند بی تسبیحات، و تسبیحات را در راه بخواند. و اگر آن دعا نداند و نخواند ثواب نماز را دارد. و اگر کسی را دعاها و آداب دیگر که در کتب دعا ثبت است(629) بخواند، بهتر است».(630)
دیگر، نماز حضرت امیرالمؤمنین - صلوات اللّه علیه - است. و آن چهار رکعت است به دو سلام. و در هر رکعتی، بعد از حمد، پنجاه مرتبه «قل هو

اللّه احد» می‌باید خواند. و احادیث معتبره، وارد شده است که: هر که نماز را بکند، چون فارغ شود، میان او و خدا گناهی نمانده باشد.
و از حضرت صادق‌علیه السلام منقول است که: «هر که دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی بعد از حمد شصت مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد» بخواند، چون فارغ شود گناهان او آمرزیده شده باشد».(631)
دیگر نمازها و دعاها و اعمال بسیار است، و از کتب مبسوطه علما، طلب می‌باید نمود. و به اینجا ختم می‌کنم این رساله را.
اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الْشُکْرِ لَه
وَ الصَّلوةُ وَ السَّلامُ
عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ
وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلی اَعْدائِهِمْ وَ مُخالِفیهِمْ اَجْمَعینْ

پی نوشت ها

1) اُنزل فیه القرآن هدیً للناس و بیّنات من الهدی و الفرقان. بقره / 185.
2) کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور. ابراهیم / 1.
3) و ننزّل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین. اسراء / 82.
4) هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه. توبه / 33.
5) انّ هذا القرآن یهدی للّتی هی اقوم. اسراء / 9.
هذا بصائر من ربّکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون. اعراف / 203.
6) فیه ربیع القلب و ینابیع العلم و ما للقب جلاء غیره. نهج البلاغه، خطبه 176.
7) افلا تتفکّرون. انعام / 50.
کذلک یبیّن اللّه لکم الآیات لعلّکم تتفکّرون. بقره / 266.
8) افلا یتدبّرون القرآن ام علی قلوب اقفالها. محمد / 24.
9) و قال الرسول یا ربّ انّ قومی اتّخذوا هذا القرآن مهجوراً. فرقان / 30.
10) فاقرؤا ما تیسّر من القرآن. مزمّل / 20.
11) فاقرؤا ما تیسّر منه. مزمّل / 20.
12) افلا یتدبّرون القرآن. نساء / 82.
13) و نعم اجر العاملین. آل عمران / 136.
قرآناً عربیاً غیر ذی عوج لعلّهم یتّقون. زمر / 28.
14) اقرؤا القرآن و لا تجفوا عنه. نهج الفصاحه، ص 80، رقم 425.
15) فخذوا بکتاب اللّه تعالی و استمسکوا به. رسول اللّه صلی الله علیه وآله وسلم. نهج الفصاحه، ص 107، رقم 537.
16) دوروا مع کتاب اللّه حیثما دار. نهج الفصاحه، ص 330، رقم 1578.
17) تفقّهوا فیه فانّه ربیع القلوب. نهج البلاغه، خطبه 110.
18) و استنصحوه علی انفسکم. نهج البلاغه، خطبه 176.
19) و استشفوا بنوره. نهج البلاغه، خطبه 110.
20) اللّه اللّه فی القرآن، لا یسبقنّکم بالعمل به غیرکم. نهج البلاغه، نامه 47.
21) القرآن عهد اللّه الی خلقه، فقد ینبغی للمرء المسلم ان ینظر فی عهده و ان یقرأ منه فی کل یوم خمسین آیة. امام صادق علیه السلام، اصول کافی با ترجمه، ج 4، ص 412.
22) قنادیل جمع قندیل یعنی چراغها، فانوسها (به نقل از فرهنگ نوین).
23) بدون بخل، بی دریغ (به نقل از فرهنگ نوین ماده ضنن).

24) کافی، ج 2، ص 599، باب اول، قسمت دوم، ح 2.
25) همان، ص 600، باب اول، قسمت دوم، ح 8.
26) کافی، ج 2، ص 599، باب اول، ح 3.
27) بحارالانوار، ج 23، ص 108، ب 7، ح 12. به نقل از کتاب مخطوط شافعی و ج 92، ص13، باب 1، ح 2. به نقل از عیون الاخبار، ج 2، ص 31، باب 31، ح 40.
28) کافی، ج 2، ص 602، باب اول، ح 12.
29) همان، ص 602، باب اول، ذیل حدیث 14.
30) همان، ج 2، ص 603، باب دوم فضل حامل القرآن، ح 3.
31) بحارالانوار، ج 92، ص 198، باب 33 ح 8. به نقل از تفسیر قمی.
32) همان، ص 177، باب 19، ح 2. به نقل از خصال، ص 7، ح 21.
33) همان، ح 3. به نقل از خصال ص 28، ح 100.
34) همان، ص 178، باب 19، ح 6، به نقل از امالی طوسی، ص 7 مجلس 1 ح7.
35) کافی، ج 2، ص 603، باب دوّم، فضل حامل القرآن ح 1.
36) وسائل الشیعه، ج 4، ص 826، ابواب قرائة القرآن،. باب 1، ح 13. به نقل از مجمع‌البیان، ج 1، ص 85، فن 6، فی فضل القرآن.
37) معانی بیانی یعنی عالم علم بیان که یکی از مهم ترین علوم ادبی است.
38) تکسیر به اصطلاح تعویذ نویسان، تقسیم کردن اعداد اسم بر خانه های تعویذ به نهجی که از هر طرف شمار برابر افتد (قیاس اللغات).
39) علم عدد نزد قدما از شعب ریاضی است و موضوع آن معرفت اعداد و خواص آنهاست (فرهنگ معین).
40) بحارالانوار،ج 23، ص 188 به بعد، ب 10. به نقل از تاویل الایات و تفسیر عیاشی و تفسیر قمی.
41) کافی، ج 2، ص 627، باب النوادر، ح 2.
42) بحارالانوار، ج 16، ص 210، باب 9، به نقل از مجمع البیان، ج 10، ص 500، در تفسیر آیه ««وَ اِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظیم»، (سوره قلم، آیه 5).
43) وسائل الشیعة، ج 18، ص 20، بابً 5، ح 12.
44) کافی، ج 2، ص 596 تا ص 598، باب 1، ح 1.
45) تفسیر نورالثقلین، ج 1، سوره حمد، ص 20 به بعد به نقل از تفسیر عیاشی و مجمع‌البیان، و تفسیر قمی.
46) جسر: پُل.
47) تفسیر نور الثقلین، ج 1، ص 20 به بعد.
48) وسائل‌الشیعه، ج10، ص252، باب2، ح1 به نقل از فقیه، ج2، ص558، باب 301، ح2.

49) کافی، ج 2، ص 627، باب النوادر، ح 1.
50) کافی، ج 2، ص 604، باب 2، فضل حامل القرآن ح 5.
51) بحارالانوار، ج 92، ص 180،ب 19 ح 13. به نقل از امالی صدوق، ص 348، مجلس66، ضمن ح 1.
52) سوره مزمل، آیه 4.
53) بحارالانوار، ج 85، ص 8 در ضمن بیان مجلسی.
54) کافی، ج 2، ص 614، باب ترتیل القرآن، ح 1.
55) بحار الانوار، ج 92، ص 210 و 211، باب 26، ح 4. به نقل از معانی الاخبار، ص 226، باب معنی الفقیه، ح 1.
56) کافی، ج 2، ص 614. باب ترتیل القرآن، ح 2.
57) همان، ص 606، باب 1 فضل القرآن، ح 10.
58) بحارالانوار، ج 92، ص 218، باب 27، ح 2؛ به نقل از عیون اخبار، ج 2، ص 183، باب 44، ح 5.
59) همان، ص 217، باب 27، ح 1. به نقل از خصال، ج 2، ص 629 در ضمن حدیث اربعمأة امیرالمؤمنین‌علیه السلام، ح 10.
60) همان، ص204، باب24، ح1، به نقل از خصال، ج 2، ص 180، باب 44، ح 4.
61) همان، ص 339، باب 121، ح 1، به نقل از قرب الاسناد، ص45، ح144.
62) تفسیر نورالثقلین، ج 5، ص 447، ح 8، در تفسیر سوره مزمّل. به نقل از کافی، ج 2، ص617، باب فی کم یقرء القرآن، ح 2.
63) همان، ص 585، ح 1، در تفسیر سوره شمس. به نقل از تهذیب الاحکام، ج2، ص297، باب 15، ح 51.
64) کافی، ج 2، ص 609، باب فی قرائته، ح 2.
65) همان، ص 602، باب 1 فضل القرآن، ح 13.
66) بحارالانوار، ج 92، ص 210، باب 26، ح 2. به نقل از قرب الاسناد ص 395، ح1386، احادیث متفرقه.
67) بحار الانوار، ج 85 و 92.
68) کافی، ج 2، ص 617، باب فی کم یقرأ القرآن، ح 1.
69) همان، ص 618، باب کم یقرأ القرآن، ح 5.
70) همان، ح 3.
71) همان، ص 618، باب کم یقرأ القرآن. ح 4.
72) کافی، ج 2، ص 606، باب من یتعلم القرآن، ح 1.
73) همان، ص 607، باب من یتعلم القرآن،ح 3.
74) همان، ص 607، باب من یتعلم القرآن، ح 2.
75) همان، ص 609، باب من حفظ القرآن، ح 6.

76) بحار الانوار، ج 92، ص 187، باب 20، ح 5. به نقل از امالى صدوق، ص348، مجلس 66، ح 1.
77) همان، ص 186، باب 20، ح 2. به نقل از امالى طوسى، ص 357، مجلس 12 ح 79 و 80.
78) همان، ص 185، باب 20، ح 1. به نقل از علل الشرايع، ج 2، ص 521، باب 298، ح 2.
79) كافى، ج 2، ص 609، باب فى قرائته، ح 1.
80) همان، ص 610، باب البيوت التى يقرأ فيها القرآن، ح 3.
81) همان، ح 2.
82) همان، ص 611، باب ثواب قرائة القرآن، ح 1.
83) همان، ح 2.
84) همان، ح 3.
85) همان، ج 2، ص 612، ح 4.
86) همان، ج 2، ص 612، باب ثواب قرائة القرآن، ح 5.
87) همان، ص 612، باب ثواب قرائة القرآن، ح 6.
88) همان، ص 623، باب فضل القرآن، ح 18.
89) بحارالانوار، ج 92، ص 203، باب 23 ح 29، به نقل از تفسير عيّاشى، ج 2، ص 124، ح 27، در تفسير سوره يونس.
90) همان، ص 176،ب 18، ذيل حديث 1. به نقل از مكارم الاخلاق، ج 2، فصل 2، ح 2، و ص 182، فى الأستشفاء بالقرآن.
91) همان.
92) كافى ج 2، ص 630، باب النوادر، ح 10.
93) كافى، ج 2، ص 613، باب قرائة القرآن فى المصحف، ح 1.
94) همان، ح 2.
95) همان، ح 3.
96) همان، ص 614، باب قرائة القرآن فى المصحف، ح 5.
97) خصال شيخ صدوق، ص 323، باب السّتة، ح 9.
98) بحارالانوار، ج 92، ص 34، باب 2، ح 3، امالى صدوق، ص 345 مجلس 66.
99) همان، ص 199، ب 23، ح 14. به نقل از امالى طوسى، ج 2، ص 70، مجلس 16.
100) بحار الانوار، ج 92، ص 233، باب 29، ح 15 به نقل از عيون الاخبار، ج 2، ص 5.
101) همان، ص 231، باب 29، ح 13. به نقل از امالى طوسى، ج 1، ص 290، مجلس 10.
102) همان، ص 228، ب 29، ذيل حديث 7. خصال، ج 2، ص 355، باب

السّبعة، ح 46.
103) همان، ص 226، ب 29، ح 3. به نقل از تفسیر امام حسن عسکری‌علیه السلام، ص58، ح 30.
104) همان، ص 235، باب 29، ح 21. طب الائمه.
105) همان، ص 257، باب 29، ذیل حدیث 50، مکارم الاخلاق، ج 2، ص 183.
106) همان، ص 237، باب 29، ح 34. به نقل از تفسیر عیاشی، ج 1، ص 20، ح 10.
107) همان، ص 235، ب 29، ح 20. طب الائمه.
108) همان، ج 95، ص 58، ب 59، ذیل حدیث 27. به نقل از مکارم الاخلاق، ص373، فی الاستشفاء بالقرآن.
109) همان، ج 92، ص 265، باب 30، ح 8، به نقل از ثواب الاعمال، ص 189، باب 304، ح 1.
110) کافی، ج 2، ص 621، باب فضل القرآن، ح 5.
111) همان، ح 8.
112) بحارالانوار، ج 92، ص 262، باب 30، ح1 امالی صدوق، ص88، مجلس21. ح6.
113) همان، ص 262، ب 30، ح 3. به نقل از معانی الاخبار، ص 333، باب تحیة مسجد، ح 1.
114) همان، ج 95، ص 24، باب 56. در ضمن حدیث 11. به نقل از مکارم الاخلاق، ص 370.
115) همان، ج 92، ص 261. باب 29، ح 56. دعوات راوندی، ص 110 ح 245.
116) همان، ص 263، ب 30، ح 4. به نقل از خصال. ج 2/616 حدیث اربعمأة.
117) خصال، ص 622، در ضمن حدیث اربعمأة.
118) بحار الانوار، ج 92، ص 267، ب 30، ح 13. به نقل از محاسن برقی، ص 609.
119) همان، ص 267، باب 30، ح 12 مکرّر. به نقل از محاسن برقی، ص 380.
120) کافی، ج 8، ص 273، ح 408.
121) بحار الانوار، ج 92، ص 267، باب 30، ح 12، به نقل از محاسن برقی ص 367.
122) آل عمران [3]، آیه 8.
123) تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 319، ح 48، در تفسیر سوره آل عمران. به نقل از تفسیر عیاشی، ج 1، ص 164 ح 9.

124) بحارالانوار، ج 92، ص 263، باب 30، ح 5. عیون اخبار، ج 2، ص 64، ح 289.
125) همان، ص 230، ب 29، ح 10، معانی الاخبار، ص 51.
126) تفسیر برهان، ج 1، ص 269، ح 10.
127) نور الثقلین، ج 1. ص 304، ذیل ح 1220، در تفسیر سوره بقره. تفسیر عیاشی ج1، ص 160، ح 532.
128) بحارالانوار، ج 92، ص 264، باب 30، ح 7 امالی طوسی، ص 122 مجلس 18.
129) همان، ج 86، ص 34، باب 38، ذیل ح 39 دعوات راوندی، ص 84، ح 215.
130) همان، ص 24. باب 38، ح 24. قرب الاسناد، ص 118، ح 415.
131) کافی، ج 2، ص 620، باب فضل القرآن، ح 2.
132) نور الثقلین، ج 5، ص 613، ح 6، در تفسیر سوره قدر طب الائمه.
133) بحارالانوار، ج 95، ص 148، باب 104، ح 1، امالی طوسی، 281 مجلس 20، ح 84.
134) سفینة البحار، ج 2 ص 626، ماده نوم.
135) تفسیر مجمع البیان، ج 2، ص 421، در تفسیر سوره آل عمران آیه شهد اللّٰه الخ.
136) تنگی و فشار قبر (فرهنگ لاروس ماده ضغط).
137) بحارالانوار، ج 92، ص 273، باب 31، ح 1؛ ثواب الاعمال، ص 131 در ثواب قرائت سور.
138) خصال، ج 1، ص 199، باب الاربعة، ح 9 [آیه حزیفه در سوره نساء می‌باشد].
139) وسائل الشیعه، ج 3، ص 409، و ص 410 باب 62، ح 1 و 5.
140) تفسیر مجمع البیان، ج 3، ص 150 در تفسیر سوره مائده.
141) تفسیر عیاشی، ج 1، ص 288.
142) اسب سیاه و سفید (فرهنگ فارسی امید).
143) تفسیر مجمع البیان، ج 3، ص 150، در تفسیر سوره مائده.
144) همان.
145) جامع الاخبار و الآثار، ج 2، ص 165، ح 3 و 2.
146) تفسیر فرات کوفی، ص 128 و 129.
147) کافی، ج2، ص 622، باب فضل القرآن، ح 12.
148) تفسیر مجمع البیان، ج 4، ص 271، در تفسیر سوره انعام.
149) همان.
150) بحار، ج 92، ص 275، باب 33، ح 4. فقه الرضا، ص 343، و احتجاج، ج 2، ص 183، ما جاء فی السور، ح 4.

151) اقبال الاعمال، ابن طاووس، ص 22.
152) مجمع البیان، ج 4، ص 271. در تفسیر سوره انعام. فضل السورة
153) بحار، ج 92، ص 275، باب 33، ح 5 طب الائمه.
154) مجمع البیان، ج 4، ص 393، در تفسیر سوره اعراف، فضل السورة.
155) کافی، ج 2، ص 624، باب فضل القرآن، ح 21.
156) مجمع البیان، ج 4، ص 516، در تفسیر سوره انفال، فضل السورة.
157) همان، ج 5، ص 87، در تفسیر سوره یونس، فضل السورة.
158) همان، ص 140، در تفسیر سوره هود فضل السورة.
159) خصال، ج 2، ص 619، باب اربعماء.
160) مجمع البیاان، ج 5، ص 206، در تفسیر سوره یوسف، فضل السورة.
161) همان، ج 6، ص 273، در تفسیر سوره رعد، فضل السورة.
162) همان، ص 301، در تفسیر سوره ابراهیم؛ فضل السورة.
163) همان، ج 6، ص 347، در تفسیر سوره نحل، فضل السورة.
164) همان، ج 6، ص 393، در تفسیر سوره بنی‌اسرائیل، فضل السورة.
165) مکارم الاخلاق، طبرسی، ج 2، ص 202، ح 2520 مسلسل فی الاستشفاء بالقرآن.
166) مجمع البیان، ج 6، ص 447، در تفسیر سوره کهف، فضل السورة.
167) همان.
168) همان.
169) همان.
170) کافی، ج 2، ص 632، باب النوادر، ح 21.
171) مجمع البیان، ج 6، ص 500، در تفسیر سوره مریم، فضل السورة.
172) همان، ج 7، ص 1 در تفسیر سوره طه فضل السورة.
173) همان، ص 38، در تفسیر سوره انبیاء فضل السورة.
174) همان، ص 68، در تفسیر سوره حج، فضل السورة.
175) همان، ص 98، در تفسیر سوره مؤمنون. فضل السورة.
176) همان، ج 7 ص 122، در تفسیر سوره نور. فضل السورة.
177) رنج و درد (فرهنگ نوین).
178) مکارم الاخلاق، طبرسی، ج 2، ص 206، ح 2531 مسلسل فی الاستشفاء بالقرآن، للشبکور، ح1.
179) مجمع البیان، ج 7، ص 159، در تفسیر سوره فرقان، فضل السورة.
180) همان، ص 183، در تفسیر سوره شعرا، فضل السورة.
181) همان، ج 8، ص 271، در تفسیر سوره عنکبوت، فضل السورة.
182) همان، ص 312، در تفسیر سوره لقمان، فضل السورة.
183) همان، ج 8، ص 325، در تفسیر سوره سجده، فضل السورة.
184) همان، ص 334، در تفسیر سوره احزاب، فضل السورة.

185) ثواب الاعمال صدوق، ص 137، باب قرائة ثواب السور، بحار الانوار، ج 92، باب55، ص288
توضیح: چنین روایاتی که دلالت بر تحریف یا زیاده و نقصان قرآن دارد از درجه اعتبار ساقط است. زیرا مطابق نصوص و روایات معتبره و شهادت خود قرآن، این کتاب آسمانی از هرگونه تحریفی مصون و محفوظ است، و اعتقاد شیعه بر این است که در قرآن هیچگونه تحریف یا تغییر، و زیاده یا نقصانی اتفاق نیفتاده است. رجوع شود به کتاب «تدوین القرآن»، تألیف حجّة الاسلام و المسلمین علی کورانی عاملی.
186) مجمع البیان، ج 8، ص 375، در تفسیر سوره سبأ، فضل السورة.
187) من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 370 باب النوادر، فی وصایا النبی‌صلی الله علیه وآله وسلم.
188) مناقب آل ابی‌طالب، ج 4، ص 232، فی استجابة دعواته.
189) مجمع البیان، ج 8، ص 413 و 414، در تفسیر سوره یس، فضل السورة.
190) ثواب الاعمال، صدوق، ج 1، ص 139، فی ثواب قرائت سور.
191) مکارم الاخلاق، طبرسی، ج 2، ص 224، 2544 مسلسل.
192) همان، ص 227، ح 2548 مسلسل.
193) امالی طوسی، ص 677، مجلس 37، ح 13.
194) مجمع البیان،ج 8، ص 436، در تفسیر سوره صافات، فضل السورة.
195) کافی، ج 3، ص 126، کتاب الجنایز، باب اذا عسر علی المیت، ح 5.
196) خصال، ج 2، ص 619، حدیث اربعمأة.
197) قرب الاسناد، ص 33، ح 107، احادیث متفرقة.
198) من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 238، باب 98، ح 63، ح م 1132.
199) مجمع البیان، ج 8، ص 463، در تفسیر سوره ص، فضل السورة.
200) همان، ص 487، در تفسیر سوره زمر، فضل السورة.
201) ثواب الاعمال، ص 141، مکتبة الصدوق.
202) سوره‌های حوامیم، یعنی هفت سوره‌ای که با حروف مقطعه «حم» شروع می‌شوند: از سوره مؤمن (40) تا سور احقاف (46).
203) نور الثقلین، ج 4، ص 510، روایت 6 به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی.
204) همان.
205) مجمع البیان، ج 8، ص 512، در تفسیر سوره مؤمن، فضل السورة.
206) همان، ج 9، ص 3، در تفسیر سوره سجده، فضل السورة.
207) همان، ص 20، در تفسیر سوره حمعسق، فضل السورة.
208) همان، ص 38، در تفسیر سوره زخرف، فضل السورة.
209) همان، ص 60، در تفسیر سوره دخان، فضلِ السورة.

210) کافی، ج 1، ص 252، کتاب الحجة فی شأن لیلة القدر، ذیل حدیث 8.
211) مجمع البیان، ج 9، ص 60، در تفسیر سوره دخان، فضل السورة.
212) همان، ص 70، در تفسیر سوره جاثیه، فضل السورة.
213) همان، ص 81، در تفسیر سوره احقاف، فضل السورة.
214) ثواب الاعمال، ص 141، باب قرائة السور، باب ثواب قرائة حوامیم.
215) مجمع البیان ج، 9، ص 95، در تفسیر سوره محمدصلی الله علیه وآله وسلم فضل السورة.
216) ثواب الاعمال، ص 142 باب ثواب قرائت السور، ثواب قرائت سوره فتح.
217) اقبال الاعمال، ص 22، در اعمال شب اول ماه رمضان.
218) همان، ص 87، در اعمال روز اول ماه رمضان.
219) مجمع البیان، ج 9، ص 128، در تفسیر سوره حجرات، فضل السورة.
220) همان، ص 140، در تفسیر سوره ق، فضل السورة.
221) همان، ص 151، در تفسیر سوره ذاریات. فضل السورة.
222) همان، ص 162، در تفسیر سوره طور، فضل السورة.
223) همان، ص 170، در تفسیر سوره نجم، فضل السورة.
224) همان، ص 184، در تفسیر سوره اقتربت، فضل السورة.
225) همان، ص 195، در تفسیر سوره الرَّحمن، فضل السورة.
226) همان.
227) ثواب الاعمال، ص 144، ثواب قرائة السور، ثواب قرائة الرَّحمن.
228) مجمع البیان، ج 9، ص 212، در تفسیر سوره واقعه، فضل السورة.
229) ثواب الاعمال، ص 144، ثواب قرائة السور، ثواب قرائة الواقعه، ح 2.
230) مجمع البیان، ج 9، ص 212، در تفسیر سوره واقعه، فضل السورة.
231) بحارالانوار، ج 87، ص 108، باب 5، ح 5، نقل از فلاح السائل.
232) مجمع البیان، ج 9،ص 212، در تفسیر سوره واقعه، فضل السورة.
233) همان، ص 229، در تفسیر سوره حدید، فضل السورة.
234) همان، ص 255، در تفسیر سوره حشر، فضل السورة.
235) همان، ص 267، در تفسیر سوره ممتحنه، فضل السورة.
236) همان، ص 277، در تفسیر سوره صف، فضل السورة.
237) همان، ج 10، ص 283، در تفسیر سوره جمعه، فضل السورة.
238) همان، ج 10، ص 296، در تفسیر سوره تغابن، فضل السورة.
239) کافی، ج 2، ص 620، باب فضل القرآن، ح 3.
240) مجمع البیان، ج 10، ص 302، در تفسیر سوره طلاق، فضل السورة.
241) همان، ص 321، در تفسیر سوره ملک، فضل السورة.

242) همان، ص 320، در تفسیر سوره ملک، فضل السورة.
243) همان، ص 330، در تفسیر سوره قلم، فضل السورة.
244) همان، ص 342، در تفسیر سوره الحاقة، فضل السورة.
245) همان، ص 351، در تفسیر سوره المعارج، فضل السورة.
246) همان، ص 359، در تفسیر سوره نوح، فضل السورة.
247) همان، ص 365، در تفسیر سوره جن، فضل السورة.
248) همان، ص 375، در تفسیر سوره مزمل، فضل السورة.
249) همان، ص 383، در تفسیر سوره مدثر، فضل السورة.
250) همان، ص 393، در تفسیر سوره قیمة، فضل السورة.
251) همان، ص 402، در تفسیر سوره انسان، فضل السورة.
252) امالی طوسی، ص 224، مجلس 8، ح 39.
253) عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج 2، ص 182، ح 5.
254) مجمع البیان، ج 10، ص 414، در تفسیر سوره مرسلات، فضل السورة.
255) همان، ص 420، در تفسیر سوره نبأ، فضل السورة.
256) همان، ص 428، در تفسیر سوره نازعات، فضل السورة.
257) همان، ص 435، در تفسیر سوره عبس، فضل السورة.
258) همان، ص 447، در تفسیر سوره انفطار، فضل السورة.
259) همان، ص 451، در تفسیر سوره مطفِّفین، فضل السورة.
260) همان، ص 463، در تفسیر سوره بروج، فضل السورة.
261) همان، ص 469، در تفسیر سوره طارق، فضل السورة.
262) همان، ص 473، در تفسیر سوره اعلی، فضل السورة.
263) همان، ص 477، در تفسیر سوره غاشیه، فضل السورة.
264) همان، ص 481، در تفسیر سوره فجر، فضل السورة.
265) همان، ص 490، در تفسیر سوره بلد، فضل السورة.
266) همان، ص 496، در تفسیر سوره شمس، فضل السورة.
267) همان، ص 510، در تفسیر سوره تین، فضل السورة
268) همان، ص 512، در تفسیر سوره علق. فضل السورة.
269) همان، ص 516، در تفسیر سوره قدر، فضل السورة.
270) همان، در تفسیر سوره قدر، فضل السورة.
271) خصال صدوق، ج 2، ص 622، حدیث اربعمأة.
272) امالی صدوق، مجلس 88، ص 485، ح 11.
273) اقبال الاعمال، ص 64، در اعمال شب قدر.
274) همان، ص 211، در اعمال شب 23، ماه رمضان.
275) ثواب الاعمال، ص 44، ح 1 ثواب قرائة سورة القدر عند قطع الثوب.
276) عیون الاخبار، ج 1، ص 315، ح 91، بِاب 28.

277) خصال صدوق، ص 623، حديث اربعمأة.
278) مكارم الاخلاق، ج 1، ص 227، باب فى الدعاء، ح 8، ح مسلسل 668.
279) كافى، ج 2، ص 624، كتاب فضل القرآن، ح 19.
280) بحارالانوار، ج 92، ص 329، باب 110، ذيل حديث 10، به نقل از كفعمى.
281) بحار الأنوار، ج 92، ص 330، باب 110، ذيل حديث 10، به نقل از كفعمى.
282) همان، ص 331، باب 110، ذيل حديث 10، به نقل از كفعمى.
283) مكارم الاخلاق، ج 1، ص 483، باب فى طلب الولد، ح 9، ح مسلسل 1672.
284) كافى، ج 5، باب النوادر، ص 316، ح 50.
285) وسائل الشيعه، ج 4، باب 27، ص 1053، ح 3.
286) بحار، ج 97، باب 1، ص 133، ح 1، ذيل حديث.
287) همان، ج 92، باب 110، ص 330، ذيل حديث 10.
288) همان، ص 331، ذيل حديث 10.
289) كافى، ج 3، ص 315، باب قرائة القرآن، ح 19.
290) غيبة شيخ طوسى، ص 377، ح 345، در ذكر بعض التَّوقيعات.
291) همان.
292) مجمع البيان، ج 10، ص 521، در تفسير سوره بيّنه، فضل السورة.
293) كافى، ج 2، ص 626، باب فضل القرآن، ح 24.
294) بحارالانوار، ج 92، ص 333، باب 112، ح 1، عيون اخبار الرضاعليه السلام.
295) مجمع البيان، ج 10، ص 527، در تفسير سوره عاديات، فضل السورة.
296) همان، ص 530، در تفسير سوره قارعه، فضل السورة.
297) همان، ص 532، در تفسير سوره تكاثر، فضل السورة.
298) همان، ص 533 در تفسير سوره تكاثر، فضل السوره.
299) همان، ص 535، در تفسير سوره عصر، فضل السورة.
300) همان، ص 536، در تفسير سوره همزه، فضل السورة.
301) همان، ص 539، در تفسير سوره فيل، فضل السورة.
302) همان.
303) مجمع البيان، ج 10، ص 546، در تفسير سوره ماعون، فضل السورة.
304) ثواب الاعمال، ص 155، فى ثواب قرائة السور.
305) مجمع البيان، ج 10، ص 551، در تفسير سوره كافرون، فضل

السورة.
306) كافى، ج 2، ص 621، باب فضل القرآن، ح 7.
307) همان، ص 626، باب فضل القرآن، ح 23.
308) عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 37، باب 31، ح 101.
309) كافى، ج 3، ص 316، باب قرائت القرآن، ح 22.
310) همان، ذيل حديث 22.
311) ثواب الاعمال، ص 155، باب ثواب قرائة السور.
312) مجمع البيان، ج 10، ص 558، در تفسير سوره تبت، فضل السورة.
313) كافى، ج 2، ص 619، باب فضل القرآن، ح 1.
314) همان، ص 622، باب فضل القرآن، ح 13.
315) همان، ص 620، باب فضل القرآن، ح 4.
316) همان، ص 624، باب فضل القرآن، ح 20.
317) همان، ص 622، باب فضل القرآن، ح 10.
318) ثواب الاعمال، ص 156، باب ثواب قرائة السور، ح 2.
319) همان، ح 3.
320) كافى، ج 2، ص 622، باب فضل القرآن، ح 11.
321) ثواب الاعمال، ص 157، باب ثواب قرائة السور، ح 8.
322) همان، ص 156، باب ثواب قرائة السوره، ح 7.
323) خصال، ج 2، ص 631، حديث اربعمأة.
324) توحيد صدوق، ص 95، ح 12، باب معنى قل هو اللّٰه احد.
325) توحيد صدوق، ص 95، ح 15، باب معنى قل هو اللّٰه احد.
326) مكارم الاخلاق، ج 2، ص 187، باب الاستشفاء بالقرآن، ح 27.
327) همان، ح 26.
328) تفسير القمى، ج 2، ص 450، در تفسير سوره ناس.
329) كافى، ج 3، ص 317، باب قرائة القرآن، ح 26.
330) كودكى.
331) كافى، ج 2، ص 623، باب فضل القرآن، ح 17.
332) ثواب الاعمال، ص 158، فى ثواب قرائة السور.
333) همان، ص 60، ثواب قرائة بعض السور بعد الجمعة.
334) غاليه: بوى خوشى است مركب از مشك و عنبر و جز آن، به رنگ سياه كه موى را بدان خضاب كنند. (فرهنگ معين، ص 2382)
335) مكارم الاخلاق، ج 2، ص 231، باب الاستشفاء بالقرآن، ح مسلسل 2552.
336) همان، حديث مسلسل، 2553، و 2554.
337) همان، ج 2، ص 43، فيما يفعل عند النوم، ذيل ح 6، ذيل حديث مسلسل 2097.

338) سوره مؤمن، آیه 60.
339) کافی، ج 2، ص 467، باب فضل الدعا والحثّ علیه، ح 7 - 5 - 1.
340) سوره بقره، آیه 186.
341) کافی، ج 2، ص 466، باب فضل الدعا و الحث علیه، ح 2.
342) همان، ح 3.
343) همان، ح 4.
344) امالی مفید، ص 20، مجلس دوم، ح 9.
345) کافی، ج 2، ص 467 باب فضل الدعا و الحثّ علیه، ح 8.
346) همان، ص 468، باب الدعا سلاح المؤمن، ح 1.
347) همان، ح 3.
348) همان، ح 5.
349) همان، ص 469، ح 6.
350) همان، ص 469، باب الدعا یرد القضاء والبلاء ح 3.
351) همان، ص 470، باب الدعایرد البلا والقضاء، ح 7.
352) همان، ص 470، باب الدعا شفاء من کل داء، ح 1.
353) همان، ص 471، باب الهام الدعا، ح 2.
354) قرب الاسناد، ص 117، ح مسلسل 410.
355) خصال صدوق، ص 624، حدیث اربعمأة.
356) امالی طوسی، ص 204، مجلس 7، ح 49، ح مسلسل 349.
357) امالی صدوق، ص 153، مجلس 34، ح 6.
358) امالی طوسی، ص 693، مجلس 39، ح 16.
359) کافی، ج 2، ص 473، باب الاقبال علی الدعا، ح 2.
360) همان، ص 474، ح 4.
361) همان، ص 473، ح 1.
362) همان، ص 472، باب تقدم فی الدعا، ح 2 - 1
363) همان، ح 4.
364) نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 330، فیض الاسلام.
365) کافی، ج 2، ص 468، باب الدعا سلاح المؤمن، ح 2.
366) تفسیر القمی، ج 1، ص 46 در تفسیر آیه 40 از سوره بقرة.
367) خصال، ص 337، باب الستة، ح 40.
368) کافی، ج 2، ص 72، باب حسن الظن باللّه، ح 3.
369) توحید صدوق، ص 289، باب اِنَّهُ لایُعْرَفُ اِلاَّبِه، ح 7.
370) کافی، ج 2، ص 473، باب الیقین فی الدعا، ح 1.
371) عدة الداعی، ص 134، بیان المنقطعین الی اللّه و اجابة دعائهم.
372) کافی، ج 2، ص 475، باب الحاح فی الدعا، ح 3.
373) همان، ح 4.

374) همان، ح 6.
375) همان، ص 474، ح 1.
376) همان، ص 476، باب تسمية الحاجة فی الدعا، ح 1.
377) همان، ص 476، باب اخفاء الدعاء، ح 1.
378) همان، ص 487، باب الاجتماع فی الدعا، ح 1.
379) همان، ح 3 - 2.
380) همان، ح 4.
381) ظهر.
382) کافی، ج 2، ص 476، باب الاوقات والحالات، ح 1.
383) همان، ص 477، ح 2.
384) همان، ح 3.
385) همان، ح 6.
386) همان، ح 7.
387) همان، ص 478، ح 9.
388) یک ششم
389) کافی، ج 2، ص 478، ح 10.
390) امالی طوسی، ص 280، مجلس 10، ح 80، ح مسلسل 542.
391) خصال صدوق، ص 615 و 616، حدیث اربعمأة.
392) همان، ص 618، حدیث اربعمأة.
393) عدة الداعی، ص 46، باب الثانی فی اسباب الاجابة.
394) همان، ص 47.
395) معانی الاخبار، ص 399، باب نوادر المعانی.
396) کافی، ج 3، ص 324، ح 11، از باب السجود و التسبیح ... و مایقال بین السجدتین.
397) مکارم الاخلاق، 2، ص 96، باب البکاء، ح 14، مسلسل 2275.
398) لرزش، لرزه (فرهنگ نوین).
399) مکارم الاخلاق، ج 2، ص 14 باب الاوقات الدعا، ح 7، مسلسل 2021.
400) کافی، ج 2، ص 483، باب البکاء من کتاب الدعا. ح 10.
401) مکارم الاخلاق، ج 2، ص 15، باب الاوقات الدعا، ح 13 - 10 مسلسل 2027 - 2024.
402) از سر بی‌نیازی.
403) حاشیه نشینان و ملازمان و نوکرها (فرهنگ فارسی معین).
404) کافی، ج 2، ص 487، باب العموم فی الدعا، ح 1.
405) خصال صدوق، ج 2، ص 538، ابواب الاربعین، ح 3.
406) عدة الداعی، ص 183، باب 14، الدعا للاخوان.

407) کافی، ج 2، ص 507، باب الدعا للاخوان، ح 4.
408) همان، ح 2.
409) همان، ص 508، ح 5.
410) همان، ح 6.
411) بهتر.
412) کافی، ج 2، ص 508، باب الدعا للاخوان، ح 7.
413) دعوات راوندی، ص 25،باب فی آداب الدعا، ح 38.
414) کافی، ج 2، ص 503، باب التحمید، ح 2 قریب به این مضمون.
415) دعوات راوندی، ص 23، فصل 2، ح 27.
416) عدة الداعی، ص 260، فی اقسام الذکر.
417) کافی، ج 2، ص 484، باب الثناء قبل الدعا، ح 1.
418) همان، ح 3.
419) همان، ص 485، صدر حدیث 6.
420) همان، ذیل حدیث 6 و صدر حدیث 7.
421) همان، ص 491، باب الصلوة علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم ح 1 و ص 493، ح 10.
422) همان، ص 419، ح 2.
423) همان، ص 494، ح 16.
424) همان، ص 492، ح 6.
425) همان، ح 8.
426) همان، ص 493، ح 13.
427) همان، ص 493، باب الصلوة علی النبی‌صلی الله علیه وآله وسلم، ح 9.
428) همان، ص 494، ص 15.
429) ثواب الاعمال، ص 186، ثواب من صلی علی محمد وآله بعد الفجر.
430) همان، ص 187، ثواب من صلی علی محمد و آله یوم الجمعة.
431) خصال صدوق، ص 393، باب السبعة، ذیل حدیث 95.
432) همان، ج 2 ص 394، باب ماجاء فی یوم السبت. ح 101.
433) امالی صدوق، ص 326، مجلس 62، ح 18.
434) فقه الرضا، ص 128، باب 8، صلوة یوم الجمعة والعمل فی لیلتها.
435) جمال الاسبوع، فصل 47، ص 276، خبر 6.
436) عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج 1، ص 294، باب 28، ح 52.
437) علل الشرایع، ج 1، ص 34، باب 31، ح 3.
438) معانی الاخبار، ص 368، باب معنی الصلوة علی النبی وآله، ح 1.
439) کافی، ج 2، ص 655، باب العطاس، ح 9.
440) همان، ص 656، ح 17.

441) امالی صدوق، ص 167، مجلس 36، ح 9.
442) همان، ص 464، مجلس 85، ح 18.
443) عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج 2، ص 124، باب 35، ح 1. و خصال ج 2، ص 607، ابواب المأة فما فوقه ح9، خصال من شرایع.
444) کافی، ج 2، ص 495، باب الصلوة علی النبی‌صلی الله علیه وآله وسلم، ح 19.
445) معانی الاخبار، ص 246، باب معنی البخل، ح 9.
446) کافی، ج 2، ص 495، باب الصلوة علی النبی‌صلی الله علیه وآله وسلم، ح 20.
447) امالی صدوق، 219، مجلس 45، ح 7.
448) أَنْسَب: شایسته تر، در خور تر، مناسبت تر. (فرهنگ فارسی معین).
449) صحیفه سجادیّه، دعای سیزدهم، اوائل دعا.
450) کافی، ج 2، ص 467، باب فضل الدعا والحث علیه، ح 5.
451) نهج البلاغه فیض الاسلام، ص 643، خطبه 190.
452) یک داروی گیاهی.
453) کوبیدن، ساییدن (فرهنگ فارسی امید).
454) کافی، ج 2، ص 489، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح 4.
455) اشاره به آیه 88 سوره یونس می‌باشد.
456) سوره یونس، آیه 89.
457) کافی، ج 2، ص 489، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح 4.
458) سوره بقره، آیه 186.
459) سوره زمر، آیه 53.
460) سوره بقره، آیه 268.
461) کافی، ج 2، ص 488، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح 1.
462) همان، ص 489، ح 2.
463) همان، ص 490، ح 7.
464) همان، ص 490، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح 8.
465) امالی صدوق، ص 244، مجلس 49، ح 11.
466) کافی، ج 2، ص 490، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح 9.
467) باز: نام پرنده‌ای شکاری.
468) بی شعور.
469) سوره عادیات، آیه 6.
470) مکارم الاخلاق، ج 2، ص 19، باب فیمن یستجاب دعائه، ح 1، ح مسلسل 2042.
471) همان، ص 20، باب فیمن یستجاب دعائه، ح 2. ح مسلسل 2043.
472) عدة الداعی، ص 132، باب الثالث فی الداعی، القسم الاول.

473) امالی صدوق، ص 218، مجلس 45، ح 4.
474) عدة الداعی، ص 133، باب الثالث فی الداعی، القسم الاول.
475) خصال صدوق، ج 1، ص 299، باب الخمسة، ح 71.
476) امالی صدوق، ص 158 و ص 159، مجلس 35، در ضمن ح 1.
477) همان، ص 486، مجلس 88،ح 14.
478) کافی، ج 2، ص 505 باب التسبیح و التهلیل والتکبیر، ح 1.
479) عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج 2، ص 84، باب 32، ج 25.
480) کافی، ج 2، ص 506، باب التسبیح و التهلیل و التکبیر، ح 2.
481) همان، ح 3.
482) ثواب الاعمال، ج 1، ص 26، باب ثواب من قال سبحان اللَّه ...، ح 2.
483) تفسیر عیاشی، ج 2، ص 327، صدرح 32، در تفسیر سوره کهف.
484) ثواب الاعمال، ج 1، ص 27، باب ثواب من قال سبحان اللَّه، ح 1.
485) جامع الاخبار، ص 133، فصل 24.
486) ثواب الاعمال، ج 1، ص 16، ح 3.
487) بحار الانوار، ج 93، ص 196 و 201 ح 15 و 33.
488) همان، ح 5.
489) همان، ص 17، ح 7.
490) کافی، ج 2، ص 516، باب من قال لا اِلهَ اِلاَّ اللَّه، ح 1.
491) همان، ذیل ح 2، ص 517.
492) ثواب الاعمال، ج 1، ص 18، باب من قال لااِلهَ ِلاَّاللَّه مأة مرة. ح 1.
493) کافی، ج 2، ص 498، باب ذکر اللَّه عزوجل کثیراً، ح 1.
494) همان، ص 499، ذیل روایت 1.
495) همان، ص 500، ح 3.
496) ثواب الاعمال، ج 1، ص 19، باب من قال لا اِلهَ اِلاَّ اللَّه مخلصاً، ح 1.
497) همان، ص 22، باب من قال لااِلهَ اِلاَّ اللَّه من غیر تعجب، ح 1.
498) امالی صدوق، ص 434، مجلس 80، ح 5.
499) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 55 باب 31، ضمن ح 206.
500) کافی، ج 2، ص 517، باب من قال لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَه، ح 1.
501) محاسن برقی، ص 32، باب 18، ح 22، ثواب قول لا اِلهَ اِلاَّ اللَّه ...
502) ثواب الاعمال، ص 23، باب من قال فی کل یوم ثلاثین مرة ...، ح 1.
503) ثواب الاعمال، ص 24، باب من قال فی کل یوم خمس عشر مرة ...، ح 1.
504) کافی، ج 2، ص 518، باب من قال اشهد ان لااِلهَ اِلاَّاللَّه ...، ح 1.
505) همان، ص 519، باب من قال عشر مرات فی کل یوم «اشهد ان لااِلهَ اِلاَّاللَّه» ح 1.

506) همان، ذیل ح 1.
507) ثواب الاعمال، ص 19، باب 21، ح 1.
508) ثواب الاعمال، ج 1، ص 27، ثواب من قال سبحان اللَّه مأة مرة ح 1.
509) همان، ثواب من قال سبحان اللَّه و بحمده، ح 1.
510) معانی الاخبار، ص 9، باب معنی سبحان اللَّه، ح 3.
511) امالی صدوق، ص 232، مجلس 47، ح 13.
512) معانی الاخبار، ص 411، نوادر المعانی، ح 98.
513) امالی صدوق، ص 54، مجلس 13، ح 4.
514) خصال، ج 2، ص 505، ابواب الستة عشر، ج 2.
515) معانی الاخبار، ج 2، ص 306، باب معنی القمیص و الرداء و ...، ح 1.
516) کافی، ج 2، ص 503، باب التحمید و التمجید، ح 2.
517) خصال، ج 1، ص 299، باب الخمسة، ذیل ح 72.
518) عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج 2، ص 46، باب 31، ح 171.
519) موجب ناراحتی می‌شد.
520) امالی طوسی، ص 50، مجلس دوم، ح 33، ح مسلسل 64.
521) کافی، ج 2، ص 503، باب التحمید و التمجید، ح 3.
522) امالی صدوق، ص 220، مجلس 45، ح 12.
523) ثواب الاعمال، ص 28، ثواب من قال الحمدلِلَّهِ كَما هُو اَهْلُه، ح 1.
524) همان، ص 24، ثواب من قال فی کل یوم سبع مرات ...، ح 1.
525) امالی طوسی، ص 372، مجلس 13، ح 52، ح مسلسل 801.
526) خصال، ج 2، ص 505، ابواب الستة عشر، ح 2.
527) کافی، ج 2، ص 504، باب الاستغفار، ح 1.
528) همان، ح 2.
529) خصال، ج 1، ص 299، باب الخمسة، ذیل ح 72.
530) کافی ج 2، ص 505، باب الاستغفار، ح 6.
531) همان، ص 504، ح 4.
532) همان، ص 505، ح 5.
533) همان، ص 438، باب الاستغفار من الذنب، ح 5.
534) همان، ص 439، ح 10
535) همان 438، ح 7.
536) خصال، ص 218، ح 43، و امالی صدوق، ص 15، ح 2.
537) داخل [] از نسخه اصلی اسقاط شده است.
538) امالی صدوق، ص 15، مجلس دوم، ح 2.
539) کافی، ج 2، ص 555، باب الدعا للدین، ح 3.
540) امالی صدوق، ص 436، مجلس 81، ح 5.
541) همان، ص 447، مجلس 82، ح 13.

542) تفسير قمى، ج 2، ص 11، در تفسير سوره اسرى، آيه اول.
543) عيون اخبار الرضاعليه السلام، ج 2، ص 46، باب 31، ح 171.
544) خصال، ج 2، ص 345، باب السبعة ح 12.
545) ثواب الاعمال، ص 195، ثواب من قال فى كل يوم لا ...، ح 1.
546) همان، ص 24، ثواب من دعا و ختم دعائه ...، ح 1.
547) كافى، ج 2، ص 521، باب من قال ما شاءَ اللَّه ...، ح 2.
548) دعوات راوندى، ص 45، فصل فى الدعا، ح 109.
549) كافى، ج 2، ص 519 و ص 520، باب من قال يا اَللَّه، ح 1؛ و باب من قال ربّ، ح 1.
550) محاسن، ص 35، باب 27، ح 32.
551) قرب الاسناد، ص 1، ح 2.
552) مسند الامام الرضاعليه السلام، ج 2، ص 66، ح 86.
553) مهج الدعوات، ص 316، فى تعيين اسم الاعظم.
554) همان، ص 317، فى تعيين اسم الاعظم.
555) همان، ص 321، من الروايات فى اسم اللَّه.
556) همان، ص 321، من الروايات فى اسم اللَّه.
557) قرب الاسناد، ص 2، ح 5.
558) كافى، ج 2، ص 531، باب القول عند الاصباح و الامساء، ح 29.
559) مهج الدعوات، ص 316، فى تعيين اسم الاعظم.
560) كافى، ج 2، ص 531، باب القول عند الاصباح ...، ح 25، و 26.
561) همان، ح 27.
562) همان، ص 530، ح 24.
563) همان، ص 518، من قال لااله الاّاللَّه، ح 1.
564) همان، ح 2.
565) همان، ص 532 و ص 533، باب القول عند الاصباح، ح 31 - 33.
566) همان، ص 534، ح 35.
567) ثواب الاعمال، ص 195، باب من كبّر عند المساء.
568) محاسن، ج 1، ص 36، باب 28، ح 33.
569) كافى ج 2، ص 503 باب التحميد و التمجيد، ح 4.
570) عدة الداعى، ص 260، فى اقسام الذكر.
571) امالى صدوق، ص 169، مجلس 36، ح 16.
572) كافى، ج 2، ص 522، باب القول عند الاصباح ...، ح 4.
573) همان، ص 525، ذيل ح 12.
574) همان، ص 526، ح 14.
575) همان، ص 535، ح 38.
576) همان، قريب به مضمون، و تفسير عياشى، ج 2، ص 281، ح 17.

577) الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص 52.
578) ثواب الاعمال، ص 198، ثواب من استغفر سبعين مرة، ح 1.
579) همان، ص 199، ثواب من قال حين يمسى، ح 1.
580) كافى، ج 2، ص 545، الدعا فى ادبار الصلوة، ح 2.
581) تفسير القمى، ج 2، ص 14، در تفسير سوره اسرى.
582) امالى صدوق، ص 54، مجلس 13، ح 5.
583) ثواب الاعمال، ص 194، ثواب الدعا للمؤمنين، ح 3.
584) كافى، ج 2، ص 550، اَلدُّعا فى ادبار االصلوة، ح 12.
585) مصباح المتهجد، 208، تعقيب صلوة الصبح، طبع مؤسسة فقه الشيعه.
586) كافى، 3، ص 343، باب التعقيب بعد الصلوة، ح 14.
587) ثواب الاعمال، ج 1، ص 196، ثواب تسبيح فاطمه عليها السلام ح 3.
588) محاسن برقى، ج 1، ص 36، باب 29، ح 34.
589) ثواب الاعمال، ص 26، ثواب من قال سبحان ا ...، ح 3.
590) امالى صدوق ص 154، مجلس 34، ح 11.
591) كافى، ج 2، ص 521، باب ثواب من قال استغفرا ...، ح 1.
592) معانى الاخبار، ص 394، نوادر المعانى، ح 46. طبع جامعه.
593) كافى ج 3، ص 346، باب التعقيب بعد الصلوة، ح 28.
594) امالى صدوق ص 224، مجلس 46، ح 6.
595) معانى الاخبار، ص 140، باب المخبيات، ح 1.
596) علل الشرايع، ج 1، ص 360، باب 78، ح 1.
597) قرب الاسناد، ص 382، ح 1344، احاديث متفرقه.
598) كافى، ج 3، ص 344، باب التعقب، ح 22 و خصال، ج 2، ص 29 حديث اربعمأة.
599) همان، ص 342، ح 10.
600) فلاح السائل، ص 171 و 172.
601) امالى صدوق، ص 211، مجلس 44، ح 8.
602) امالى طوسى، ص 508، مجلس 18، ح 17، ح مسلسل 1110.
603) فلاح السائل، ص 201، و مصباح المتهجد، ص 66.
604) فلاح السائل، ص 257.
605) مصباح المتهجد، ص 97 و 98، بلد الامين، 31.
606) مكارم الاخلاق، طبرسى، ج 2، ص 38، فى سجدة الشكر، ح 4. ح مسلسل 2086.
607) همان، ح 4، ح مسلسل 2084.
608) عيون اخبار الرضاعليه السلام، ج 1، ص 281، باب 37، ح 27.
609) همان، ص 280، ح 23.

610) کامل الزیارة، ص 146، ذیل ح 4.
611) کافی، ج 3، ص 325، باب السجود و التسبیح، ح 17.
612) همان، ص 326، ضمن ح 19 و بحار الانوار ج 86، ص 209، ح 24.
613) کافی، ج 3، ص 328، ح 22.
614) همان، ص 327، ح 21. در کافی به جای کلمه «اُنْسی کلمه «آنِسْنی دارد.
615) فلاح السائل، ص 279.
616) همان، ص 279 و 280، بحار الانوار ج 76 ص 210 ح 23.
617) فلاح السائل، ص 281، این قسمت در روایت بحار نیامده است.
618) همان، ص 275.
619) مکارم الاخلاق، طبرسی، ج 2، ص 43، فیما یفعل عند النوم، ح 6.
620) کافی، ج 2، ص 535، الدعا عند النوم. ح 1.
621) همان، ص 536، ح 3.
622) قَبها: بسیار خوب، لغت نامه دهخدا ص 14956 چاپ دانشگاه تهران.
623) مکارم الاخلاق، ص 288.
624) فلاح السائل، 288.
625) همان، ص 285.
626) همان، ص 285 و 286.
627) همان، ص 286.
628) فقیه، ج 1، ص 552 و 553، ح 1533 و 1536.
629) نوادر راوندی، ص 29، الهدایة للصدوق، ص 36، فقه الرضا، ص 155.و احتجاج طبرسی، ج 2، ص 587.
630) کافی، ج 3، ص 466، باب صلوة التسبیح، ح 2.
631) همان، ص 468، باب صلوة فاطمه‌علیها السلام ح 3.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رايگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندين سايت مذهبي ديگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».